

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۴۰۲، یکشنبه اول مهر ۱۳۹۷ - ۲۳ □ پتامبر ۲۰۱۸

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

در این شماره می خوانید:

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران: پاسخ ما به تبهکاری خامنه ای: قیام برای آزادی.....ص ۲

هنگام که خشکسال فرو افتد - فتح الله کیائیه.....ص ۴

اقتصاد کوپنی ادامه اقتصاد مقاومتی ولی فقیه - زینت میرهاشمی.....ص ۵

جنایت در زندان و شرارت در خارج از مرز - منصور امان.....ص ۸

دانشگاه در ماهی گذشت (شهریور ۹۷) - کامران عالمی نژاد.....ص ۹

چالش های معلمان در شهریور ماه (۹۷) - فرنگیس بایقره.....ص ۱۶

کارورزان سلامت (شهریور ۹۷) - امید برهانی.....ص ۲۱

رویدادهای هنری (شهریور ۱۳۹۷) - فتح الله کیائیه.....ص ۲۷

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری.....ص ۳۴

نفت در برابر کالا؛ راه حل اروپا برای دور زدن تحریمها - منصور امان.....ص ۳۹

از زبان کودکان میهنم/ صدیقه - م . وحیدی.....ص ۴۰

چند چار پاره - م . وحیدی (م . صبح).....ص ۴۱

چند شعر کوتاه - م . وحیدی (م . صبح).....ص ۴۲

بحران بی آبی و مبارزه تشنگان (شهریور ۱۳۹۷) - زینت میرهاشمی.....ص ۴۳

فمینیسم ۹۹ در صدها/ طبقه علیه طبقه - برگردان: بابک.....ص ۵۵

کرنش خامنه ای در برابر پوتین و تنفر مردم عراق از جمهوری اسلامی - زینت میرهاشمی.....ص ۶۱

جنبش رنگین کمان بیشماران در شهریور ۱۳۹۷ - زینت میرهاشمی.....ص ۶۲

مداحان حکومتی بخشی از نیروی سرکوب - مهدی سامع.....ص ۷۷

سروده ای از محمود بهشتی لنگرودی.....ص ۸۱

وزیر نه، آنچه که باید برکنار شود "نظام" است - منصور امان.....ص ۸۲

شهادت فدایی در مهرماه.....ص ۸۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

اعدام جنایت کارانه و موشک باران تبهکارانه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پاسخ ما به تبهکاری خامنه ای: قیام برای آزادی

سحرگاه امروز شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ ، ۳ تن از فرزندان قهرمان و مقاوم مردم کردستان به دستور خامنه ای جنایت کار اعدام شدند. زنده یادان رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی به جرم آزادیخواهی و عدالت طلبی بازداشت و به خاطر



مقاومت و پایداری به چوبه های دار سپرده شده و با سرفرازی به شهادت رسیدند. در رویدادی دیگر بامداد امروز، سپاه منفور پاسداران به دستور ولی فقیه جمهوری اسلامی پایگاههای حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان را مورد حمله جنایتکارانه قرار داد که منجر به شهادت و زخمی شدن تعدادی از فعالان این احزاب شد. برخی از شهدای این اقدام تبهکارانه عبارتند از: زنده یادان ابراهیم زیوه ای، سهیلا قادری، هاشم عزیزی، فاروق حسن خیاط، نسرین حداد، مختار قادرپور و ..*

در حالی که اتورپته ولایت ننگین خامنه ای در کف خیابان به وسیله مردم سراسر ایران به سُخره گرفته شده، این قدرتنمایی پوشالی و دهن کجی به افکار عمومی ایران و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر نمی تواند ضعف و بن بست رژیم را لاپوشانی کند. پاسخ مردم ایران به تبهکاریهای خامنه ای چنین است: قیام برای سرنگونی رژیم استبداد مذهبی ولایت فقیه برای آزادی و عدالت.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اعدام زنده یادان رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی و تهاجم موشکی به پایگاههای حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان را محکوم کرده و شهادت رزمندگان راه آزادی را به خانواده آنان، به مردم ایران به ویژه مردم دلیر کردستان و به تمامی آزادیخواهان تسلیم می گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ - ۸ سپتامبر ۲۰۱۸

*اسامی شهدای حمله جنایتکارانه پاسداران



- ۱- کریم مهدوی، عضو کمیته ۵ مرکزی حزب دمکرات کوردستان
- ۲- ابراهیم ابراهیمی، عضو کمیته ۵ مرکزی حزب دمکرات کوردستان
- ۳- نسرین حداد، عضو کمیته ۵ مرکزی حزب دمکرات کوردستان
- ۴- رحمان پیروتی، عضو کمیته ۵ مرکزی حزب دمکرات کوردستان
- ۵- سهیلا قادر، عضو علی‌البدل کمیته ۵ مرکزی حزب دمکرات کوردستان
- ۷- هاشم عزیزی، عضو علی‌البدل کمیته ۵ مرکزی حزب دمکرات کوردستان
- ۸- عثمان عثمانی، کادر حزب دمکرات کوردستان
- ۹- کریم رسول زاده، پیشمرگ ۵ حزب دمکرات کوردستان
- ۱۰- پیشوا سید عمر، پیشمرگ ۵ حزب دمکرات کوردستان
- ۱۱- جمال اکبری، پیشمرگ ۵ حزب دمکرات کوردستان
- ۱۲- منصور اکبری پور، پیشمرگ ۵ حزب دمکرات کوردستان
- ۱۳- فاروق حسن خیاط، کادر حزب دمکرات کوردستان ایران
- ۱۴- مختار قادر پور، پیشمرگ ۵ حزب دمکرات کوردستان ایران
- ۱۵- محمد حسن پور، کادر حزب دمکرات کوردستان

اعتصاب سراسری در شهرهای کردستان ایران.....ص ۴۷

پیام زندانیان سیاسی زن در زندان اوین به مناسبت اعدام سه زندانی سیاسی.....ص ۴۷

نامه جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج.....ص ۴۸

نامه آتنا دائمی در رثای سه زندانی سیاسی اعدام شدهص ۴۹

پیام شعله پاکروان به مادران سه زندانی سیاسی اعدام شده.....ص ۵۰

در رثای رامین حسین پناهی، لقمان و زانیار مرادی - گلرخ ایراییص ۵۱

پیام به مناسبت اعدامهای جنایتکارانه رژیم - سهیل عربی.....ص ۵۱

هر صبح و شام به غارت طوفان روند و باز - شاهین ذوقی تبار.....ص ۵۲

حلقه ی عشق و شورشگری - سعید ماسوری.....ص ۵۲

جوانان این خاک را به نام تروریست به پای چوبه دار می کشند - مریم اکبری منفرد.....ص ۵۳

هنگام که خشکسال فرو افتد

فتح الله کیائپها



هنگام که خشکسال
 فرو افتد
 اندوه ابر می روبد
 غمان گندمزار را
 و تعفن لاشه های جنایت
 روپیده می شود از بساط خاک.
 ما مردمان داس و مزرعه ایم
 و تبلور باروری
 بر سرانگشتانِ عاشقِ مان
 معجزه خواهد کرد،
 /انه چنان عیسی که مرده ای /
 بل ، چونان خاک
 که لاله ای و شقایقی.
 ما
 فرزندان خاک و آب و آتشم
 که صلح و رهایی
 از معجزات ماست.
 هنگام که خشکسال فرو افتد
 این داس و مزرعه.
 و این
 شکوفه های علم و رهایی.
 وقتی که خشکسال فرو افتد
 سیراب می شود ماه
 از زلالی چشمه ی خون
 که می جوشد
 چونان شراره ی خورشید
 از قلب عاشق ما.
 هنگام که خشکسال فرو افتد.
 هنگامکه.....

اقتصاد کوپنی ادامه اقتصاد مقاومتی ولی فقیه

زینت میرهاشمی

شکاف ارزش حداقل دستمزد با سبد معیشت کارگران و مزدبگیران همزمان با سقوط ارزش ریال، هر روز عمیق تر شده و خیل بیشتری از نیروی کار را به جبهه فقر مطلق و تنگدستی می کشاند. گفته رایج در میان مردم «به ریال حقوق می گیریم با دلار خرج می کنیم»، نه گفتاری در حد شعار بلکه واقعیت زندگی مردم را بیان می کند. سالهاست که حداقل دستمزد که هر ساله در جلسه شورای عالی کار تعیین می شود با سبد معیشت نیروی کار و تورم موجود همخوانی ندارد. بنا بر داده های آماری نهادهای کارگری، حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۹۷، یک سوم خط فقر بوده است. طی شش ماه اول سال جاری در اثر رویکردهای ضد مردمی اقتصادی و کاهش ارزش ریال، ارزش واقعی حداقل دستمزد به شدت کاهش یافته و شکاف بین مزد و هزینه ها به طور سرسام آور بیشتر پیشنهاد ترمیم مزد که بر پایه کاهش ارزش واقعی «۸۰۰ هزار تومان» ارائه شده، از طرف شورای عالی کار و وزارت کار تایید نشد و بهایی به آن



ندادند. در ازای ترمیم مزد، پایوران حکومت و دولت روحانی، از ارائه «کوپن الکترونیکی» به ارزش ۱۰۰ هزار تومان برای ۱۰ میلیون نفر سخن گفته که در سال ۳ یا ۴ بار تمدید می شود. از طرفی ۱۰ میلیون نفر گیرنده احتمالی این کوپونها «مددجویان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی» هستند که شامل حال اکثریت نیروی مزدبگیر نمی شود و بیشتر شامل حال نیروهای مربوط به حکومت می شود.

شیوه کمک کوپنی که هنوز اجرایی نشده، شامل مواد غذایی و یا کالاهایی می شود که از قبل تعیین شده و بستگی به مایحتاج متفاوت زندگی خانوار کارگری ندارد، مشکلی حل نخواهد کرد. این کوپونها پاسخگوی سیر صعودی هزینه های مربوط به کرایه خانه، آب و برق، وسایل مدرسه از شهریه تا تامین پوشاک و وسایل تحصیل، سوخت و ... نیست.

صحبت‌های حسن روحانی روز چهارشنبه ۲۱ شهریور به مناسبت ماه محرم در جلسه هیات دولت، نمایشی از شیادی او در مورد وضعیت اقتصادی و درد و رنج مردم است. وی بحران اقتصادی را جنگ اقتصادی نامیده و مدعی است «جنگ بدون کشته و مجروح نمی شود». این حرف تعبیر اقتصاد مقاومتی ولی فقیه است. پر واضح است که کشته و مجروح شدن در این جنگ اقتصادی یا به عبارتی اقتصاد مقاومتی، سهم مردم است و غنایم جنگی مثل اختلاس، دزدی و رانت خواری، همان گونه که تا حال چنین بوده، سهم ملایان و حامیان نظام خواهد بود. آری سهم مردم کشته شدن برای پیشبرد سیاستهای تروریستی رژیم در بیرون مرزها و سرکوب در داخل است. چنین است وعده بی شرمانه حسن روحانی به مردم. حسینعلی حاجی دلیگانی، مجلس نشین از شاهین شهر در روز یکشنبه ۴ شهریور در جلسه استیضاح وزیر اقتصاد گفت: «شما چه می دانید که به کارگران و کشاورزان و کسانی که شغل نداشتند، معلمان و رانندگان چه گذشت. هر چه اندیشه کردم که آیا از بیکاری و گرانیها بگویم نمی دانستم از کدامها باید سخن بگویم چرا که این موارد بی شمارند از گرانیهای لجام گسیخته، اقلام و خوراکیهای ضروری مردم تا نرخ بی حد و حساب مسکن است که کمر بازاریان را خرد کرده است. سرمایه های هزاران میلیاردی تعدادی اندک در کشور با این وضعیت چه می گوید... ما دیدیم که افزایش نرخ دلار تا سال ۹۵ به ۳ هزار تومان رسید و این فاجعه است. از زمانی که شما وزیر شدید دلار ۳۸۰۰ تومانی به ۱۲ هزار تومان رسید. متوسط قیمت یک مترمربع مسکن در دوره مدیریتی شما با ۶۵ درصد افزایش رو به رو بوده است و بالاترین میزان نقدینگی کشور را در دوره مدیریت شما تجربه کردیم. ... سفره های مردم از کوچک شدن به نامرئی شدن رسیده است، مردم را فقیرتر کردید، ما ۵۵ تن طلا و سکه از دست دادیم، چه وزیر اقتصادی داریم که می گوید من هیچ نقشی در هیچ کدام از اینها ندارم!» (فارس)

اکنون که در پایان ماه شهریور هستیم همه مواردی که مجلس نشین ولایت به آن پرداخته به زیان مردم و به شدت تشدید شده است.

روحانی که تا کنون مشکلی به نام حقوق عقب افتاده، شکم خالی، سفره خالی و ... را نچشیده، منکر وضع نابسامان جامعه است. وی حل همه مشکلات مربوط به اقتصاد را به انتخابات تمایشی سال ۱۴۰۰ پیوند می زند. او که مصرف کلیدش را پایان یافته تلقی می کند، دلش را به حفظ نظام تا سال ۱۴۰۰ خوش کرده است. روحانی با تحریف وضع موجود برای حفظ موقعیت خود بی شرمانه از «صاحبان تریبون، رسانه دارها و کسانی که صدای شان در کشور قابل شنیدن است» می خواهد که واقعیتها را به خاطر حفظ روحیه مردم آنگونه که به نظام و کشتی ورشکسته شان صدمه نزنند بازگو کنند نه آنگونه که به طور واقعی وجود دارد. او حتا تاب تحمل نورهای کمی که در جدال باندهای حکومتی به تاریکخانه اشباح می تابد و برخی دزدیها را در رسانه های حکومتی آشکار می کند را هم ندارد و به نام کاهش هزینه ملت می خواهد که همه چیز مثل باغ پر از گل و بلبل نشان داده شود.

برای نمونه دو نمونه از پیشرفتها و موفقیت‌های روحانی، که البته به تمامیت رژیم بر می گردد را ذکر می کنم.

روز چهارشنبه ۷ شهریور، رییس فراکسیون به اصطلاح کار و کارآفرینی مجلس ارتجاع گفت: «اکنون یک نفر از شش نفر در جامعه ایرانی کار می‌کنند، قریب به ۲۰ میلیون نفر جوانان ۱۵ الی ۲۹ ساله کشور بیکار هستند.» (ایسنا)

روز شنبه ۲۴ شهریور، دبیر اجرایی خانه دولتی کارگر در استان مازندران در مورد شمار کارگران نساجی مازندران گفت: «تعداد کارگران در حال حاضر ۳۱۰ نفر است. این یعنی این که از ۷ هزار نفر بعد از انقلاب به ۳۰۰ نفر رسیده ایم. سه کارخانه که با عنوان نساجی مازندران فعالیت می‌کردند؛ امروز تعطیل شده و زمینهای بخش طبرستان تکه تکه به شهرداری واگذار شده است. فقط نساجی تَلار باقی مانده است.» (ایرنا)



روحانی نگران خالی شدن پشت دولت خودش است. در حالی که نباید نگران باشد، خامنه ای تضمین ماندن او را تا روز آخر داده است، همان طور که احمدی نژاد را با همه افشاگریهایی که علیه او شد تا پایان دوره اش تحمل کرد.

روحانی در سخنرانی روز چهارشنبه ۲۱ شهریور با اشاره به جنگ اقتصادی از موفقیت‌های دولتش نام برد و از رسانه ها خواست که این موفقیتها را پوشش دهند.

موفقتهای دولت او ربطی به زندگی مردم ندارد و شامل ساخت و صدور بیشتر موشکهای بالستیک، ساختن تکنولوژی نظامی در سوریه و خرج کردن برای بشار اسد و حسن نصرالله و ساخت بیمارستان در عراق و بستن توافق همکاری نظامی با سوریه برای حفظ دیکتاتوری بشار اسد می شود. این سخاوتمندیها از جیب مردم ایران در ردیف پیشرفتهای دولت حسن روحانی است. در حالی که با گذشت دو سال از برجام وضع مردم به گواه داده های آماری نه تنها تغییری نکرد بلکه بدتر هم شده. اما طی این دو سال وضع نظامی و مالی بخشهای تروریستی برون مرزی رژیم پروارتر شده است. در اوایل شهریور ماه، پایوران رژیم از بستن تفاهم نامه بلند مدت بین رژیم بشار اسد و ولایت فقیه خبر دادند. البته مدیر کل امور بین الملل وزارت راه رژیم برای ندادن آدرس درست در برابر مخالفت‌های مردمی، آدرس بخش خصوصی را در بستن این قراردادهای ننگین داده است. ساخت ۳۰ هزار واحد مسکونی در سوریه و بازسازی زیرساختهای حمل و نقل این کشور از جمله بندهای مهم این تفاهم نامه است. این گونه موافقت‌های علنی در حالی بسته می شود که وجود نیروهای نظامی وابسته به پاسداران و پایگاههای نظامی رژیم در آنجا خود موضوع مورد مشاجره است.

در رویدادی دیگر، خبرگزاری رویترز به نقل از پایوران رژیم ولایت فقیه، از ارسال تعدادی از موشکهای بالستیک به عراق توسط رژیم خبر داد. (آدینه ۹ شهریور ۹۷)

در رویدادی دیگر علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی خبر از راه اندازی یک سالن پیشرفته ساخت سانتریفوژهای مدرن به دستور خلیفه ارتجاع داد. سرانجام می توان گفت که بخش پر لیوان پشرفت حسن روحانی که از همه رسانه ها می خواهد به جای بدبختیهای مردم به آن اشاره کنند، همین موشک بازیها و فعالیت‌های تروریستی است. اما کلید زنگ گرفته روحانی هیچ قفلی از مشکلات مردم را باز نکرده است.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

جنایت در زندان و شرارت در خارج از مرز

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۹ شهریور

پنجه نیرومند بُحرانهای داخلی و خارجی گلوی رژیم جمهوری اسلامی را می فشارد و نفس را بر آن تنگ کرده است. روشن ترین نشانه این فشار در دو حرکت کور و زبوانه، اعدام سه زندانی سیاسی و حمله موشکی به دو حزب مخالف بازتاب یافته است.

رژیم ولایت فقیه با اعدام تبهکارانه رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مُرادی و موشک باران کردن مقرهای دو حزب اپوزیسیون (حزب دموکرات کردستان ایران و حزب دموکرات کردستان) به جنگ اعتراضهای اجتماعی رفته است که به گونه پیوسته و توقّف ناپذیر بر حجم و فشردگی آنها افزوده می شود. حساسیت حاکمیت به کردستان فقط به علت



جغرافیایی و نیز پیشینه مبارزاتی آن محدود نمی شود؛ "نظام" بیش از آن خود را به دلیل قرار گرفتن مردم شهرهای کردستان در صف اول جنبشهای اعتراضی مورد تهدید می بیند.

سیاست مُشت آهنین و حکومت نظامی که از هنگام به قدرت رسیدن مُلاها برای پایش کردستان اعمال شده است، به گونه روز افزونی به سد واکنشهای توده ای برخورد می کند و دایره اقتدار مُطلق آن را مناقشه دار تر می سازد. تظاهرات مردم مریوان در

روزهای سوم و چهارم شهریور در اعتراض به مرگ مشکوک چهار فعال مدنی و مُحیط زیست تازه ترین نمونه از سلسله ای از این رویکرد است.

برای حاکمیت جمهوری اسلامی ویژگی نگران کننده در اعتراضها و خیزشهای مردم کردستان، برخورداری آنها از درجه معینی از سازمانیافتگی است؛ امری که در مبنای آن آگاهی و همبستگی صنفی قرار گرفته و زورآزمایی برای برآوردن خواسته ها یا مقاومت در برابر تحمیل و سرکوب را آسان می سازد. حرکتهای متحدانه کارگران، مُعلمان، کولبران و اصناف مثالهای گویایی از نمود مادی این کیفیت در جنبش مردم کردستان است.

پیشرفت درونمایه ای جنبشهای اعتراضی کردستان، روشن تر از هر جا، خود را در افزایش پتانسیل سراسری و همگانی شدن حرکات آن جلوه گر می سازد. اعتراضهای سراسری در شهرهای بزرگ کردستان در فرودین ماه علیه فقر و بیکاری و کمی بعد تر اعتصاب کسبه و بازاریان در بانه، سقز، مریوان و جوانرود نمایشی از این قدرت است.

حکومت ناتوان از سرکوب یا مهار این روند در خیابان، کارخانه، مدرسه و بازار به ارتکاب جنایت در زندان و شرارت در خارج از مرزها روی آورده است. هیچکس در فهم پیام این تبهکاریها دُچار اشتباه نمی شود؛ "نظام" چونان حیوان درنده ای که به تله افتاده، به اطراف چنگ می زند. او در موضع تدافعی و جامعه در حال پیشروی است.

دانشگاه در ماهی گذشت (شهریور ۹۷)

کامران عالمی نژاد

در ماه گذشته دانشجویان با توجه به شروع سال تحصیلی جدید با مشکلات بسیاری از قبیل هزینه های نجومی خرید کتابهای درسی، خوابگاه، گذراندن دروس جبرانی، ثبت نام و به ویژه رد صلاحیتهای گسترده زیر عنوان "نقص پرونده" و غیره دست به گریبان بودند.

دانشجویان با تجمعات اعتراضی، نارضایتی خود از این شرایط و رفتارهای ناروا و پلیسی را بار دیگر به مسوولان بی کفایت موسسات آموزش عالی یادآوری و به آنان گوشزد کردند که دانشجویان هرگز با سیاستهای نابخردانه و ابلهانه مسوولان کشور اعم از آموزش عالی و یا کشوری موافق نبوده و نیستند.

دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به باجگیری موسسه آموزش عالی با نام "هزینه گذراندن دروس جبرانی" در چندین روز متوالی تجمع اعتراضی ترتیب داده و خواهان حذف آن شدند. هسته اولیه اعتراضهای دانشجویی در روز شنبه ۳ شهریور ماه در کوی دانشگاه و ادامه ی آن در روز دوشنبه ۵ شهریور ماه در مقابل ساختمان معاونت آموزشی دانشگاه و کتابخانه مرکزی شکل گرفت.

دانشجویان شعار می دادند: "نداریم، نداریم، پول از کجا بیاریم"، "شهریه اجباری قبح بلا بیان است"، "پول زور نمی دیم"، "دانشگامون دولتی، شهریه اش زور کیه".

همچنین منصور غلامی، وزیر علوم، در واکنش به اعتراضات دانشجویان معترض به ستاره دار شدن در یک مصاحبه با خبرگزاری دولتی "ایسنا" مدعی شد: "ستاره دار به آن معنا که به افکار عمومی القا شده، در میان دانشجویان و متقاضیان مقاطع بالای دانشگاهی وجود ندارد... مشکل اکثر این دانشجویان نقص پرونده است. دانشجوی ستاره دار سیاسی در ایران وجود ندارد و مشکل اکثر این نوع دانشجویان، نقص پرونده است."

حال سووال این است، اگر به گفته این کارگزار رژیم جهل و جنایت این دانشجویان متقاضیان مقاطع بالا در دانشگاه بوده و سازمان سنجش این دانشجویان را نه به علت شرکت در اعتراضات و قیامهای دی ماه ستاره دار و یا به گفته وزیر علوم "نقص پرونده" از تحصیل محروم نکرده، چرا سازمان سنجش طبق روال اداری نکات نقص در پرونده را به متقاضیان اطلاع نمی دهد تا آنان در جهت رفع آن کوشش کنند؟

تجمع دانشجویان در اعتراض به دریافت شهریه دروس جبرانی



طی روزهای ۳ تا ۶ شهریور، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به دریافت شهریه دروس جبرانی تجمعاتی را برگزار کردند. این دانشجویان دست نوشته های خود تاکید داشتند دریافت شهریه از دروس جبرانی غیرقانونی و خلاف تحصیل رایگان است. این اعتراض در حالی صورت گرفته است که یکی از اعتراضات ترم گذشته دانشگاهها همین مساله بوده، و تجمعاتی گوناگونی در دانشگاههای بزرگ کشور برگزار شده است.

دریافت شهریه از دروس جبرانی در مهرماه سال ۹۴ توسط وزارت علوم تصویب شد که بر طبق آن دریافت شهریه از دانشجویان بابت دروس جبرانی و یا پیش نیاز بر طبق نظر هیات امنای صورت بگیرد؛ مساله ای که طی دو سال گذشته با اعتراضاتی همراه بوده است.

سومین روز تجمع دانشجویان دانشگاه تهران



تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به دریافت شهریه دروس جبرانی وارد سومین روز خود شد. این تجمع روز ششم شهریور با حضور ۵۰ نفر از دانشجویان معترض آغاز شد و شعارهایی از جمله "شهریه اجباری قبح بلا بیان است"، "پول زور نمیدیم"، "دانشگامون دولتی، شهریه اش زورکيه" در آن داده شد. یکی از تجمع کنندگان گفت: "طی این سه روز تجمع گرچه مسوولان پاسخهایی داده اند، اما برای دانشجویان قانع کننده نبوده است."

اعتراف مقام دولتی به ناعادلانه بودن سهمیه حکومتی برای وابستگان



معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت علوم قانون سهمیه ۵ درصدی ایشارگران را قانونی "ظالمانه" توصیف کرد.

محمدرضا داود آبادی فراهانی گفت: "این که یک دفعه مجلس قانونی را تثبیت کند تا فرزندان افرادی که ۳۰ سال از حضور در جبهه جنگ گذشته است از سهمیه ۵ درصدی برای ورود به دانشگاهها استفاده کنند، کاملا ظالمانه است."

وی افزود: "در مصوبه ۵ درصدی سهمیه ایثارگران مقرر شده اگر ظرفیت سهمیه ۲۵ درصدی خانواده شهدا نیز خالی بماند، فرزندان ایثارگران بتوانند از آن استفاده کنند. در واقع آن ۲۵ درصد سهمیه خانواده شهدا به فرزندان ایثارگران اختصاص یافت و متأسفانه این اقدام تبعیض آمیز موجب شد فردی که رتبه صد هزار کنکور را کسب کند، در کنار فردی که رتبه صد را آورده در یک کلاس حضور داشته باشند." این سخنان پس از اعتراضات شدید دانشجویان، پزشکان و دندانپزشکان در ماه گذشته به این تبعیض و ویژه خواری و تجمعات آنها در برابر وزارت علوم ابراز می شود.

بحران ارز قیمت کتابهای مرجع دانشگاهی را نجومی کرد

بیشتر اساتید الزام خواندن کتابهای مرجع (لاتین) را برای خود یا شاگردان شان تجویز می کنند؛ موضوعی که قطعاً مخاطب خاص خود را دارد و دانشگاهها نیز در هر سال تحصیلی به دنبال تمهیدات تجهیز کتابخانه های خود از کتابهای

مرجع هستند. این دست کتابها ویژگی متمایز دیگری نسبت به دیگر کتب دارند و آن فروش آنها به صورت ارزی و نه ریالی است؛ مساله ای که تا پیش از وضعیت امروز ارز با دشواریهای خاصی رو به رو بود و اکنون در آستانه سال تحصیلی نیز بحران اقتصادی و بازار ارز به این کتابها رسیده.

رضایی، مدیر یکی از انتشارات کتابهای مرجع است. او می گوید: "بعد از نمایشگاه



کتاب و اوج گرفتن نوسانات ارزی و بالارفتن قیمت دلار و یورو می توان گفت ورود کتاب خارجی به کشور تقریباً تعطیل شده است و نه کتابی به آن شکل برای عرضه تهیه می شود و نه اصلاً متقاضی ای برای کتاب خارجی وجود دارد. از جمله دلایلی که موجب توقف ورود کتاب خارجی شده است، این است که می گویند هر کالایی که وارد کشور می شود باید در سامانه ثبت سفارش شود، اما کتاب در ۴۰ سال گذشته در اساس ثبت سفارش نداشته است و بدون انتقال ارز بوده، چون کالای لوکس محسوب نمی شود."

البته این همه ماجرا نیست و کافی است سری به چند فروشگاه اینترنتی کتابهای مرجع بزنید، کتابهایی که بعضاً اگر با دلار ۱۱ هزار تومانی آن را حساب کنیم، به کتابهایی حتی با قیمت دو میلیون تومان برمی خوریم.

جمع آوری نشریه دانشجویی ویرگول در دانشگاه تهران

ویژه نامه نشریه دانشجویی "ویرگول" که از سوی شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران منتشر می گردد، روز هشتم شهریور دو بار جمع آوری شد.

به گزارش یکی از شاهدان این امر، نشریه "ویرگول" ویژه نامه ای به مناسبت برگزاری مراسم "روزی با دانشگاه تهران" منتشر کرده بود که یک بار توسط معاون فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و بار دیگر توسط ماموران حراست همین دانشگاه در پردیس مرکزی توقیف شد.

پس از پیگیری شورای صنفی این دانشکده، ویژه نامه ها پس گرفته شد، اما



معاون فرهنگی دانشکده گفته بود برای انتشار این نشریه باید مجوز می گرفتید.

این شاهد گفته است، پس از آن، این اتفاق همان روز دوباره تکرار شد. وقتی که سردبیر اقدام به توزیع نشریه در بین بازدیدکنندگان پردیس مرکزی دانشگاه تهران کرد، ماموران حراست دانشگاه نشریه را ضبط کردند و حتی کارت دانشجویی سردبیر نشریه را گرفتند. البته همان موقع کارت او را پس دادند اما نشریه را برنگرداندند.

این گزارش می افزاید، براساس تبصره ۵ دستور العمل نشریات دانشگاهی، توزیع نشریه دانشجویی در محدوده دانشگاه آزاد است و نیاز به مجوز مجدد ندارد.

ادعای معاون وزیر علوم: دانشجویان بازداشتی دی ماه ۹۶ از تحصیل محروم نشده اند



معاون فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: "هیچکدام از دانشجویان بازداشتی مربوط به حوادث دی ماه ۹۶ از تحصیل محروم نشده اند و حتی برای کسانی هم که احکامی صادر شده، ناظر بر محرومیت از تحصیل نبوده است." غلامرضا غفاری افزود: "بحث اخراج دانشجویان پروسه و مراحل دیگری دارد که اگر بنا باشد صورت گیرد، آن مراحل باید طی شود. قوه قضاییه نمی تواند دانشجویی را از دانشگاهها اخراج کند، مگر این که در حکم صادره

چنین چیزی دیده شده باشد که به نظرم تاکنون چنین چیزی دیده نشده است."

وی گفت: "با توجه به ارتباط و حضوری که وزیر علوم در جلسات متعدد با بخشهای مختلف قوه قضاییه داشته است، مقرر شد که تمهیدات لازم بر مبنای رافت اسلامی مطرح شود و تجدید نظر در ارتباط با احکام و پرونده های دانشجویان صورت گیرد که با شروع تحصیلی کمترین مسایل را داشته باشیم."

آواره شدن دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی زنجان

دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی زنجان روز سه شنبه ۱۴ شهریور در اعتراض به تبدیل خوابگاه شان به مکان اداری، تجمع کردند. در این تجمع که تعدادی زیادی از دانشجویان رشته های مختلف پزشکی حضور داشتند،



معترضان خواستار رسیدگی مسوولان و عدم جابجایی آنان به خوابگاه جدید دانشگاه شدند و از طرفی معتقدند که مکان مورد نظر فاقد امکانات لازم بوده و دسترسی راحت دانشجویان را با دشواری مواجه خواهد کرد.

یکی از دانشجویان می گفت: "ما کشیک و شیفت هستیم؛ خوابگاه جدید امنیت ندارد، برای تردد مشکل داریم، در برف و بوران و سرما تردد برای رسیدن به بیمارستان و مراکز

درمانی خیلی دشوار است." وی افزود: "متأسفانه مسوولان هیچ توجهی به مشکلات و تضادهای دانشجویان دختر ندارند. داشتن محل مناسب استقراری برای ما از اهمیت خاصی برخوردار است. نمی دانیم چرا وزارت علوم هیچ اقدامی نمی کند؟"

خوابگاه‌های دانشجویی ۷ تا ۱۰ درصد گران تر می شوند



مجتبی صدیقی، رییس سازمان امور دانشجویان، از افزایش ۷ تا ۱۰ درصدی هزینه خوابگاه‌های دانشجویی در سال جاری خبر داد. وی این رقم را "حداکثر" گرانی خوابگاه‌ها خواند.

صدیقی از معاونین دانشگاه‌ها خواست حمایت‌های لازم را از دانشجویان بی بضاعت و آنهایی که مشکلات مالی به ویژه در پرداخت اجاره بهای خوابگاهی دارند، به صورت ویژه صورت پذیرد و مسوولان دانشگاهی چتر حمایت خود را در مورد این دانشجویان گسترده تر کنند.

رییس سازمان امور دانشجویان تصریح کرد: "ستادی در وزارت علوم برای شرایط خاص و پیشگیری از مشکلات خوابگاهی، صنفی و دیگر خدمات دانشجویی تشکیل شده است که می تواند همین الگو در دانشگاه‌ها پیگیری و راه اندازی شود." وی همچنین گفت: "اصرار وزارت علوم برای ارتقای خوابگاه‌های رتبه سه و چهار است به همین جهت می کوشیم تعمیرات و نگهداری از این خوابگاه‌ها در شرایطی صورت گیرد که به رتبه‌های پایین تر سقوط نکنند. به همین جهت تلاش داریم در سال تحصیلی ۹۸ و ۹۹ خوابگاهی با رتبه پایین تر از یک و دو در کشور نداشته باشیم."

تجمع دانشجویان علوم پزشکی مشهد در اعتراض به تعطیلی خوابگاه



جمعی از دانشجویان خوابگاه ولیعصر دانشگاه علوم پزشکی مشهد در اعتراض به تعطیلی این خوابگاه مقابل دفتر رییس دانشگاه تجمع کردند.

این اعتراضها از اواخر مرداد ماه آغاز شد، در آن هنگام جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی ساکن در خوابگاههای دانشگاه علوم پزشکی در اعتراض به "ارسال پیامک تخلیه خوابگاهها تا اول شهریور ماه" تجمع کردند.

یکی از دانشجویان معترض درباره این تجمع گفت: "اعتراضات دانشجویان این دانشگاه با مسایل صنفی مختلف شدت گرفته، ولی به نظر نمی رسد مسوولان دانشگاه گوسی برای شنیدن صدای اعتراضات مسالمت آمیز داشته باشند."

این اعتراضات در حالی به دومین هفته خود می رسد که مهدی کدخدازاده، معاون دانشجویی دانشگاه، به تازگی گفته است خوابگاههای متاهلی به علت تعمیرات و بازسازی تخلیه می شوند و دانشگاه قصد فروش آن را ندارد. وی وعده داده پس از تعمیرات در صورتی که مشکل اسکان دانشجویان مجرد حل شده باشد، فضای خوابگاه در اختیار دانشجویان متاهل قرار می گیرد.

محکومیت یک دانشجو به زندان به اتهام پست انتقادی

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای علی آقا علیخانی ... نسبت به دادنامه شماره ۹۷/۰۰۱۱۱ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب قزوین که به موجب آن تجدیدنظرخواه به اتهام تبلیغ علیه نظام به استناد م ۵۰۰ قانون م.ا بخش تعزیرات به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری محکوم گردیده است با توجه به بررسی محتویات پرونده نظر به اینکه از سوی تجدیدنظرخواه ایراد و اعتراض خاص و موجهی که تنفی حکم صادره را ایجاب نماید به عمل نیامده است و دادنامه تجدیدنظرخواسته از حیث جهات و مبانی مندرج در آن با هیچ یک از جهات مندرج در ماده قانون آ.د.ک منطبق نبوده و به لحاظ رعایت اصول و تشریفات دادرسی نیز فاقد ایراد و اشکال اساسی و ۴۳۴ موثر می باشد، لذا دادگاه نوجها به مراتب فوق و مستندا به بند ۴۵۰ و بند الف ماده ۴۵۶ و ماده ۴۵۹ قانون آ.د.ک ضمن رد اعتراض تجدیدنظرخواه، به لحاظ جوانی متهم ... مجازات حبس تعیین شده را از ۶ ماه به ۳ ماه تقلیل می دهد. نهایتا دادنامه تجدیدنظرخواسته با تقلیل مجازات به شرح فوق تایید می گردد.
رای صادره قطعی است ...

علی آقا علیخانی، دانشجوی دانشگاه مهران قزوین، به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۳ ماه حبس قطعی در شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان قزوین محکوم شد.

این دانشجو در تشریح این حکم ناعادلانه نوشت: "به خاطر انتشار شش تا پست انتقادی توی صفحه شخصی اینستاگرامم به سه ماه حبس قطعی محکوم شدم."
شایان ذکر است که نخست برای این دانشجو ۶ ماه حبس تعزیری

صادر شده بود، اما به دلیل اعتراضات این دانشجو، دادگاه مجبور شد که حبس را به سه ماه تقلیل دهد.

کنکور ۹۷؛ افزایش شمار دانشجویان بهایی محروم از تحصیل

هویت ۶ تن دیگر از شهروندان بهایی شرکت کننده در کنکور سراسری سال جاری که به اشکال مختلفی از جمله با "پیغام نقص در پرونده" مواجه شده و در نهایت از ادامه تحصیل محروم شده اند، مشخص شد. با احتساب این افراد، شمار شهروندان بهایی محروم از تحصیل در کنکور ۹۷ که تاکنون هویت آنها توسط هرانا احراز شده، به ۴۰ تن افزایش یافت. اسامی ۶ شهروند بهایی نیما امینی، حنان هاشمی دهج، هستی ملکی، آریا احسانی، تینا حمیدی فرد (رتبه ۱۵۰۰۰ از تهران) و رژان خونیکی (رتبه ۹۴۷۷) است.

هرانا طی روزهای گذشته در گزارشهایی از مواجه شدن ۳۴ شهروند بهایی دیگر با پیغام نقص پرونده در سایت سنجش و محرومیت آنان از ادامه تحصیل خبر داده بود. اسامی این جوانان محروم از تحصیل از قرار زیر است:

فروزان نوردل، اهل تبریز، پارسا شیخ زواره، مهدی هدایتی، آریا بقایی امرئی، اهل ساری، وفا نوبخت، اهل ساری، ادیب رحمانی، اهل ساری، رتبه ۹۶۰ ریاضی، پرویز رحمانی، کیانا رستاک، اهل شیراز، گار ایقانی، اهل شیراز، هومن زارعی کدوی، آرشام هاشمی، نیل باشی اردستانی، تارا بهامین، بیتا چرخ زرین، نونا قدیری، سایه آقایی، اهل تبریز، پگاه سیروسیان، صدف میثاقی سیسان، اهل تهران، پرهام مختاری اهل سراوان، بصیر زینلی باغینی، اهل بندرعباس، یحیی موسوی تنگریزی، اهل کرج، آنیستا رستگار، شمیم ایدلخانی، ساکن مغان اردبیل، فرنیلا ایللیزاده، ساکن تهران، رشته ریاضی، پامیدا حسینپولی ممقانی، سروین آذر شب، ساکن تهران، پرنده میثاقی، شهرزاد تیرگر، ملینا قوامی نیک، ساکن

تهران، ترنم معتمدی بروجنی، ساکن شاهین شهر اصفهان، فران عباسپولی ممقانی، ساکن تهران، سه‌ند قائمی، ساکن شاهین شهر اصفهان، وحید صادقی سیسان و شقایق قاسمی.

محکومیت دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی به ۶ سال حبس تعزیری

سه‌ها مرتضایی، دانشجویی که در جریان اعتراضات دی ماه سال گذشته بازداشت شده بود، به شش سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از عضویت احزاب و گروه‌های سیاسی محکوم شده است.

در جریان اعتراضات سراسری که از روز پنجشنبه هفتم دی ماه آغاز و به بیش از ۷۲ شهر ایران کشیده شد، حدود ۱۰۰ دانشجو در سراسر ایران بازداشت شدند. خانم سه‌ها مرتضایی در پی همین اعتراضها و به همراه تعدادی دیگر از دانشجویان بازداشت شد.

تجمع چند روزه دانشجویان دانشگاه بهشتی تهران

روز دوشنبه ۱۹ شهریور، جمعی از دانشجویان دانشگاه بهشتی در تهران (دانشگاه ملی سابق)، در اعتراض به تعطیلی خوابگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در این رابطه امیرحسین حکیمیان مدیر امور دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی می‌گوید: دانشگاه تعهدی مبنی بر اسکان خوابگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ندارد.

طی روزهای بکشنبه ۲۵ و دوشنبه ۲۶ شهریور، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه بهشتی باردیگر در اعتراض به تصمیم مسوولان دانشگاه در خصوص تخلیه خوابگاههای دانشجویی در مقابل ساختمان ریاست دانشگاه دست به تجمع زدند.

(منابع: دانشجو آنلاین، خبرنگار دانشجویان ایران، ایرنا، انصاف نیوز، فارس، هرانا)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

در

از



چالش های معلمان در شهریور ماه (۹۷)

فرنگیس بایقره

کارنامه آموزش و پرورش طبقاتی

علیرضا عبدالله زاده، کارشناس اقتصاد اجتماعی در برنامه تلویزیونی "پرسشگر" با اشاره به فقر چند بُعدی از آموزش، سلامت و مسکن گرفته تا دسترسی به زیرساختها و فقر غذایی، اظهار کرد: "روی این موضوعات به ویژه فقر آموزشی در وزارت رفاه کار کردیم." وی گفت: "مطالعات نشان می دهد در سالهای دورتر، آموزش می توانست جایگاه اقتصادی را



تغییر دهد، اما اکنون این اتفاق دیگر نمی افتد. طبق یک تحقیق حدود ۷۰ درصد ورودیهای یک دانشگاه خوب از سه دهک بالا بودند و آنها که وضع شان بهتر بود، بیشتر کار پیدا کردند. این یعنی سیستم آموزشی ما نتوانسته فردی را تربیت کند که بعد از فارغ التحصیلی بتواند به سرکار برود."

وی افزود: "احتمالا افراد مرفه آموزشهایی خارج از مدرسه دیده و جبران مشکلات آموزشی مدارس را خانواده پر کرده است و نقش آموزش رسمی در اینجا کم می شود."

عبدالله زاده در بخش دیگری از سخنانش گفت: "یکی دو سال است که به کمک وزارت رفاه و آموزش و پرورش و ثبت احوال، بازمانده از تحصیلهای شناسایی شده اند که ۱۳۴ هزار نفرند."

وی افزود: "در وزارت رفاه علت مدرسه نرفتن احصا شد. حدود ۶ درصد مشکل دوری از مدرسه داشتند و مابقی علل پر رنگ فقر، معلولیت و... بود، بالای ۵۰ درصد بازماندگی از تحصیل به فقر و معلولیت برمی گردد."

وی گفت: "صحیح است که آمار ورود به مدرسه ابتدایی بسیار بالاست و بیش از ۹۸ درصد است، اما در دهکهای پایین، شانس رفتن به مقطع بالاتر ۳۴ تا ۳۷ درصد است."

تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی مقابل نهاد ریاست جمهوری



روز دوشنبه ۵ شهریور، به دنبال فراخوان و هماهنگیهای بین بازنشستگان فرهنگی، جمعی از بازنشستگان دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع بازنشستگان فرهنگی در خیابان پاسطور مقابل نهاد ریاست جمهوری در تهران شکل گرفت و بازنشستگان در اعتراض به حقوق ناپیزی که تامین معاش بخور و نمیر آنها را هم کفاف نمی کند، خواسته های خود را مطرح

کردند تجمع کنندگان معترض که همگی در سال ۹۶ بازنشسته شده اند، خواستار پرداخت پاداش پایان خدمت خود هستند و می گویند همین چند ماه تاخیر، ارزش سرمایه های نقدی ما را به زیر نصف کاهش داده است.

تجمع معلمان خرید خدمتی در مقابل مجلس

جمعی از معلمان خرید خدمتی که از استانهای سمنان، مازندران و آذربایجان شرقی راهی تهران شده بودند، بامداد روز چهارشنبه ۷ شهریور ماه در مقابل مجلس تجمع کردند.

معترضان درباره دلیل تجمع خود گفتند: "ما معلمان نیروی خرید خدمتی (یا همان شرکتی) هستیم که با اتمام قرارداد، به ما اعلام کرده اند که به شما نیازی نداریم."

این تجمع کنندگان که تعداد آنها به حدود ۷۰ نفر می رسید، خاطرنشان کردند: "عدم تمدید قرارداد ما در حالی صورت گرفته که به ما نیاز دارند، ولی آموزش و پرورش می خواهد به جای ما از ذخیره های آزمون استخدامی استفاده کند." هفته پیش نیز تعدادی از این معلمان خرید خدمتی در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده بودند.

کمپین اتحادیه معلمان بریتانیا برای آزادی اسماعیل عبدی

اتحادیه معلمان بریتانیا (NASUWT) در روزهای گذشته با ایجاد کمپینی از معلمان و فعالان مدنی سراسر جهان



درخواست کرده است که نامه درخواست آزادی اسماعیل عبدی را امضا کنند. در این درخواست آمده است که بازداشت عبدی در ژوئن ۲۰۱۵ به اتهامات امنیتی ناعادلانه است و او جرمی جز دفاع از برابری و عدالت و حق آموزش رایگان برای کودکان سرزمینش ندارد. با ورود به لینگ زیر می توان به این کمپین پیوست:

<https://www.naswt.org.uk/news/campaigns/free-esmail-abdi.html>

وجود ۲۲ هزار کلاس درس فرسوده در تهران

مدیرکل نوسازی مدارس شهر تهران گفت: "از مجموع ۵۳ هزار کلاس درس دولتی واقع در استان تهران، حدود ۲۲ هزار



کلاس درس فرسوده، نیازمند تخریب، بازسازی و مقاوم سازی هستند."

علی شهری پیرامون هزینه نهایی برآورد شده برای تکمیل پروژه ها گفت: "بالغ بر ۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای بازسازی مدارس مذکور نیاز است. به طور کلی برنامه ریزی و ساخت فضاهای آموزشی تفاوت بسیاری با احداث فضاهای مسکونی و غیره دارد و می بایست موارد متعددی در ساخت فضای فیزیکی مدارس

مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور، بهترین مواد اولیه در ساخت فضاهای آموزشی لحاظ می شود."

شهری با بیان افزایش سهم خیرین در سال جاری به نسبت سال گذشته گفت: "خیرین مدرسه ساز از ابتدای شکل گیری تاکنون، در احداث ۱۵۶۸ پروژه آموزشی با ۱۸ هزار و ۳۴۰ کلاس درس استان تهران مشارکت داشته اند، اما در بیستمین جشنواره خیرین که تیرماه ۹۷ در تهران برگزار شد، خیرین مدرسه ساز اعتباری بالغ بر ۶۶ میلیارد تومان تعهد کردند که امیدواریم قسمت عمده ای از این تعهدات تحقق یابد."

تجمع بازنشستگان کشوری در تهران، یزد، مشهد، بروجرد



روز سه شنبه ۲۰ شهریور ماه، بازنشستگان کشوری براساس فراخوان قبلی به طور هماهنگ در شهرهای تهران، مشهد، یزد و بروجرد تجمع کردند.

در تهران بازنشستگان و پیشکسوتان پرستاری و پیراپزشکی و بهداشت و بازنشستگان کشوری و بانکی و فرهنگیان در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کرده و شعار می دادند: "خط فقر ۵ میلیون حقوق ما ۲ میلیون"، "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه".

در یزد نیز بازنشستگان کشوری و پیشکسوتان پرستاری در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات قبلی شان و زندگی سخت و زیر خط فقر خود در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع معلمان و فرهنگیان بازنشسته نیز حضور داشتند.

آنها پلاکاردها و بنرهایی در دست داشتند که بر روی یکی از آنها پرسیده شده بود: "چگونه می شود در یک سوم زیر خط فقر زندگی کرد؟"

در مشهد بازنشستگان کشوری در پاسخ به فراخوان قبلی در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به تجمع زدند.

بازنشستگان فرهنگی در بروجرد هم در اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوق زیر خط فقر تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمع بازنشستگان معترض خواستار افزایش حقوق خود شدند. در رویدادی دیگر روز پنجشنبه ۱۵ شهریور، جمعی از فرهنگیان سقز در اعتراض به عملکرد شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان در مقابل اداره تعاون تجمع کردند.

تراکم در مدارس تهران؛ هر کلاس بیش از ۳۱ دانش آموز



مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران گفت در استان تهران ۹۱۸ مدرسه دو شیفته کار می کنند. به گفته علی شهری به طور میانگین در مدارس ایران در هر کلاس درس ۲۴ دانش آموز درس می خوانند، در مدارس تهران اما تراکم دانش آموزان در هر کلاس درس از ۳۱ دانش آموز هم بیشتر است. در سالهای گذشته فرسودگی مدارس تهران در کنار درخواست مدارس دولتی از والدین دانش آموزان برای پرداخت شهریه زیر نامهای دیگر از معضلات آموزشی بود.

۴۲ هزار بازنشسته فرهنگی همچنان در انتظار پاداش پایان خدمت



۴۲ هزار بازنشسته فرهنگی ۹۶، در انتظار دریافت قسط سوم پاداش پایان خدمت خود هستند. این بازنشستگان ابراز امیدواری می کنند بعد از ماهها انتظار و بلا تکلیفی، این معوقات قبل از پایان شهریور پرداخت شود.

آنها می گویند: "اول قرار نبود پاداش پایان خدمت را قسطی بپردازند، بعد هزار دلیل و بهانه آوردند و پرداخت را قسطی کردند. حالا هم هنوز قسط سوم را

نگرفته ایم و نگرانیم که نکند بیش از این تاخیر کنند و باز هم تا پایان شهریور نپردازند."

یکی از این بازنشستگان گفت: "در ماههای اخیر ارزش داشته های ریالی مردم به یک سوم رسیده و بازنشسته ها جزو کم درآمدترینها هستند. همه امید ما به همین پاداش پایان خدمت است که بتوانیم با آن فرزندانمان را به خانه بخت بفرستیم یا برای خودمان بعد سالها تحصیل و گچ تخته خوردن، سرپناه جور کنیم. اگر قرار باشد اینهمه تاخیر کنند، این شندرغاز پاداش دیگر به هیچ دردی نخواهد خورد، کما اینکه اگر به موقع می پرداختند، می توانستیم با پولش هزار کار بکنیم که امروز بعد از گذشت شش ماه دیگر نمی توانیم."

این بازنشستگان می گویند: "اگر تا آخر شهریور معوقات ما را نپردازند، از همه کانالهای ممکن صدای خود را به گوش مسوولان خواهیم رساند."

درخواست پنج سندیکای فرانسوی از خامنه ای برای آزادی محمد حبیبی

پنج سندیکای کارگری فرانسه در نامه ای خطاب به رهبر جمهوری اسلامی، وی را مسوول جان محمد حبیبی، معلم



زندانی، دانسته و خواستار آزادی وی و دیگر معلمان دربند شدند. سندیکاهای فرانسه خواستار "توجه" خامنه ای به وضعیت محمد حبیبی شده و نوشته اند: "حبس او تخطی از حقوق بشر و آزادیهای اساسی سندیکایی است و به همین دلیل خواستار آزادی فوری وی هستیم."

در این نامه، آقای حبیبی به عنوان یکی از پر شمار مبارزان سندیکایی مستقل در ایران معرفی شده که به خاطر "پیگیر بودنشان در فعالیتهای قانونی توسط رژیم تحت پیگرد و آزار قرار گرفته اند."

این پنج سندیکای فرانسوی به نقل از خانواده حبیبی نوشته اند که با او در زندان "به شدت بدرفتاری شده و مقامهای زندان همچنان از ارایه خدمات درمانی و معالجات اضطراری که او به شدت بدانها نیاز دارد، دریغ می ورزند."

در این نامه، علی خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی "مسئول جان و سلامتی" محمد حبیبی معرفی شده و هشدار داده شده: "بدون معالجات لازم، خطر وخیم تر شدن سریع وضعیت سلامتی او بسیار است."

این نامه تاکید می کند: "اخبار رسیده از ایران بیانگر دشوارتر شدن فضای کار در این کشور است و جمهوری اسلامی نشان داده که به تعهدات خود در قبال توافق نامه های بین المللی سازمان جهانی کار که حق کارگران ایران را در ایجاد تشکلهای مستقل به رسمیت می شناسد، عمل نمی کند."

پنج سندیکای کارگری فرانسه همچنین خواستار آزادی "فوری و بی قید و شرط همه فعالان زن و مرد زندانی از جمله اسماعیل عبدی و محمود بهشتی، معلمان دربند" شده اند.

بازگشت امتیاز سختی کار به احکام حقوقی فرهنگیان

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی از بازگشت حق سختی کار در احکام حقوقی فرهنگیان خبر داد.

علی الهیار ترکمن در توجیه علت حذف این حق مدعی شد: "در یک برهه ای از زمان به علت تغییر ساختار سازمان برنامه و بودجه، بند مربوط به سختی کار دو بار در احکام فرهنگیان درج شد. از آنجاکه این موضوع مجوزهای لازم و قانونی را نداشت، از سوی مراجع قانونی ذی ربط، آموزش و پرورش برای حذف این بند از فیشهای حقوقی تحت فشار قرار گرفت و پس از طی مراحل قانونی حذف آن در این دوره اتفاق افتاد."

وی ادامه داد: "در پی حذف این بند که در ابتدای امسال رخ داد، تلاشهایی با دو رویکرد برقراری امتیاز بند مذکور و قانونی و دایمی کردن آن صورت گرفت که خوشبختانه شورای توسعه مدیریت افزایش امتیاز برای سختی کار را مصوب کرد."

الهیار از آغاز صدور احکام جدید فرهنگیان با احتساب سختی کار خبر داد و وعده داد: "زمان برقراری بند مذکور در احکام کارگزینی از اول فروردین است، لذا معوقات شش ماهه اول سال همزمان با حقوق مهرماه پرداخت می شود."

(منابع: ایلنا، خانه ملت، حقوق معلم و کارگر، سیمای آزادی، ایسنا، رادیو فردا، آموزش و پرورش)

کارورزان سلامت (شهریور ۹۷)

امید برهانی

توفان توییتری ماهانه پرستاران

پرستاران کشور هشتم و بیست و هفتم هر ماه، با راه اندازی یک توفان توییتری، از مسوولان می خواهند که قانون



تعرفه گذاری را اجرایی کنند.

آنها با هشتگهایی از قبیل:

#جرای_قانون_تعرفه_گذاری_خدمات_پرستاری

#تعرفه_گذاری_به_نفع_مردم_و_بیمه_ها

#حقوق_حق_مردم_با_اجرای_قانون_تعرفه_گذاری

توجه مسوولان را به ناکام ماندن مطالبات صنفی خود جلب می کنند.

پرستاران کشور در این زمینه نامه نگاریها و رایزنیهایی نیز انجام داده اند که تاکنون بدون نتیجه مانده است.

ایجاد رشته "مراقبت سلامت" موجب تنش می شود

معاون توسعه و مدیریت منابع انسانی سازمان نظام پرستاری با انتقاد

از طرح ایجاد رشته "مراقبت سلامت" از سوی وزارت بهداشت گفت:

"وزارت بهداشت به بهانه کمبود نیروی پرستاری، ایجاد رشته

"مراقبت سلامت" را مطرح کرده است و باید گفت که ایجاد این

رشته مغایر با علم روز دنیا و سیاستهای شورای بین المللی پرستاران

است."



محمد شریفی مقدم افزود: "درست است که ما کمبود نیروی پرستاری داریم، اما اکنون ۲۰ هزار نیروی پرستار بیکار در کشور داریم، بنابراین وزارت بهداشت باید به جای ایجاد رشته های غیر کارشناسی، موانع جذب و استخدام پرستاران را برطرف کند." وی با تاکید بر اینکه نباید به بهانه کمبود پرستار، موجب تنش و افزایش هزینه در جامعه پرستاری شد، گفت: "ایجاد رشته "مراقبت سلامت" یکی از مواردی است که بدون پشتوانه کارشناسی مطرح شده است و برای ایجاد این رشته باید نظر سازمان نظام پرستاری نیز اخذ می شد که این امر صورت نگرفته است که این موضوع زمینه را برای تنش در جامعه دانشجویان پرستاری فراهم کرده است."

وی گفت: "پیشنهاد ما به وزارت بهداشت این است که ابتدا زمینه جذب فارغ التحصیلان بیکار را فراهم کند و سپس با ایجاد جذابیت های لازم، کادر پرستاری موجود را حفظ کند و در نهایت اگر لازم بود، رشته ای در زمینه پرستاری ایجاد کند."

دفاع مجلس از ایجاد رشته "مراقبت سلامت"

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در دفاع از ایجاد رشته مراقب سلامت گفت: "هر رشته ای که ایجاد می شود، طبق نیاز جامعه و با برنامه ریزی مشخص درسی شامل گذراندن بیش از ۱۴۰ واحد درسی است. واحدهای درسی رشته مراقب سلامت در برنامه ریزی های درسی به صورت کامل از پرستاری تفکیک و شرح وظیفه مشخصی برای آن تعریف شده تا از موازی کاری و تداخل با رشته پرستاری جلوگیری شود."

بشیر خالقی، افزود: "رشته مراقب سلامت در جهت رسیدگی به یکی از معضلات آینده کشور در حوزه سلامت است." وی توضیح داد: "جامعه ما به سمت سالمندی در حرکت است و در آینده یکی از بحران های سلامت همین موضوع خواهد بود، در نتیجه لازم است ساز و کار مناسبی اندیشیده شود."

زورگویی بیمه نیروهای مسلح به فیزیوتراپیست ها



بیمه نیروهای مسلح از تیر ماه امسال الحاقیه ای را برای مراکز طرف قرارداد فیزیوتراپی در سطح کشور در نظر گرفته که مورد اعتراض گسترده انجمن و جامعه فیزیوتراپی قرار گرفته است.

بر اساس این الحاقیه، سازمان بیمه نیروهای مسلح خود مبادرت به ارزشیابی و درجه بندی مراکز فیزیوتراپی طرف قرارداد کرده و بر همین اساس سطح بندی خدمات و محدودیتهایی نیز برای ارائه درمان های فیزیوتراپی لحاظ نموده است و بر اساس درجه بندی خود برای مراکز فیزیوتراپی تعرفه گذاری نیز کرده است.

فیزیوتراپیست احمد موذن زاده، بازرس هیات مدیره انجمن فیزیوتراپی ایران، در این باره اظهار داشت: "الحاقیه قرارداد بیمه نیروهای مسلح دارای اشکالات قانونی و بدعتهای متعددی است. این سازمان بیمه گر راسا مبادرت به امتیاز بندی و درجه گذاری مراکز نموده است، در حالی که به عنوان یک سازمان خریدار خدمت به طبع مرجع مناسبی برای ارزشیابی مراکز نیست و چنین کار خطیری می بایست با محوریت وزارت بهداشت و مشارکت سازمان نظام پزشکی و انجمن علمی فیزیوتراپی ایران صورت پذیرد، در حالی که بیمه نیروهای مسلح با رویکردی یکجانبه و غیرموجه خود مبادرت به این امر مهم نموده که جای اعتراض جدی دارد."

عضو هیات مدیره نظام پزشکی شیراز ادامه داد: "بدعت خطرناک دیگری که در این الحاقیه به چشم می خورد این است که بیمه نیروهای مسلح به بهانه پوشش وسیع تر خدمات تکمیلی مبادرت به شکستن تعرفه های قانونی مصوب شورای عالی بیمه نموده است." بازرس انجمن فیزیوتراپی ایران افزود: "متاسفانه همکاران ما را در سراسر کشور تهدید کرده اند که در صورت عدم امضای الحاقیه، از ابتدای شهریور ماه لغو قرارداد می شوند."

وی در پایان افزود: در صورتی که این سازمان بر اجرای الحاقیه با این شرایط ظالمانه و ناموجه اصرار داشته باشد، ما چاره ای جز طرح دعوی در مراجع ذی صلاح و دفاع از حقوق مشروع همکاران زحمتکش و خدمتگزار فیزیوتراپیست نخواهیم داشت و به طبع همکاران ما نیز زیر بار امضای این الحاقیه نمی روند."

مشکلات صنعت داروسازی ربطی به تحریمها ندارد



نایب رییس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی در نشست خبری چهارمین "نمایشگاه بین المللی ایران فارما" (دارو و صنایع وابسته)، اظهار داشت: "حال و روز صنعت داروسازی خوب نیست و این مساله ناشی از بی تدبیریها و اقدامات نسنجیده و ناپخته دولت در این حوزه است."

عباس کبریایی زاده افزود: "با اجرای طرح تحول سلامت، دولت به یک بدهکار بزرگ صنعت داروسازی کشور تبدیل شده، به طوری

که دوره وصول مطالبات صنعت داروسازی به ۵۷۰ روز رسیده، در حالی که طی ۱۰ سال اخیر دوره وصول مطالبات ۳۰۰ روز بود." وی تاکید کرد: "مشکلات صنعت داروسازی ربطی به تحریمها ندارد. دشمنی با صنعت داروسازی در داخل کشور است، زیرا از وقتی طرح تحول سلامت اجرا شد، از همان موقع هشدار دادیم فکری به حال نقدینگی صنعت داروسازی نکنید، چون در غیر این صورت نابود می شود." وی ادامه داد: "هزینه های صنعت داروسازی سه برابر شده و روز به روز دارد از جیب می خورد و به سمت نابودی می رود."

نکته انحرافی موضوع این است که عباس کبریایی زاده در زمانی که خود رییس هیات مدیره تامین اجتماعی بود، در باره این موضوع سکوت اختیار کرده بود.

کار فشرده سد راه آموزش پرستاران

سارا احمدی، رییس هیات مدیره نظام پرستاری بندر انزلی، در رابطه با برگزاری دوره های بازآموزی اظهار داشت: "متاسفانه با وجود اهمیت بسیار بالای دوره های بازآموزی برای پرستاران، به دلیل مشکلاتی نظیر کمبود نیرو، شیفتهای فشرده، اضافه کارهای اجباری و عدم تخصیص مرخصی، شرکت در آنها بسیار مشکل است."



وی ادامه داد: "به دلیل شرایط ذکر شده و نیز اختصاص امتیازهای پایین برای شرکت در دوره ها، انگیزه همکاران بسیار کاهش پیدا کرده و گاه شاهد عدم استقبال از برخی دوره های بازآموزی هستیم." احمدی اظهار داشت: "امیدواریم با تسهیل شرایط همکاران برای حضور در دوره های بازآموزی، شاهد بالاتر رفتن اطلاعات ایشان در زمینه بیماریهای بومی و فصلی و نیز ارتقا کیفیت خدمات ارائه شده به بیماران باشیم."

بهداشتکار به جای دندان پزشک برای شهروندان درجه دو



رییس اداره دندانپزشکی معاونت درمان وزارت بهداشت درباره علت مطرح شدن بازگشت دوباره بهداشتکاران دهان و دندان به نظام سلامت گفت: "در حال حاضر بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ مرکز بهداشتی و درمانی سطح کشور داریم که هنوز فاقد دندانپزشک هستند، اما این دلیلی برای استفاده از بهداشتکار به جای دندانپزشک نیست. اعتقاد داریم همه مردم در اقصی نقاط کشور شهروند درجه یک هستند و باید خدمات برابر دریافت کنند."

دکتر قاسم صادقی ادامه داد: "آنچه پیش بینی

شده، برای خدمات سطح یک است که در همه جای دنیا این خدمات بهداشتی مثل فیشورسیلانت، فلورایدترابی، آموزش بهداشت، جرم گیری و ... توسط نیروهای حد واسط انجام می شود. این نیروها هم بهداشتکاران و کاردانهای بهداشت دهان و دندان هستند که در حال حاضر در بخشهای خصوصی و دولتی خدمت ارائه می دهند." وی مدعی شد: "در بعضی از کشورهای پیشرفته آمار این نیروها چندین برابر نیروهای درمانگر است، بنابر این نباید جای نگرانی وجود داشته باشد."

رشد ۱۲ درصدی پرونده های شکایت از پزشکان

مدیر حقوقی سازمان نظام پزشکی تهران بزرگ صبح با اشاره به پرونده های شکایت از پزشکان گفت: "در سال ۹۶، ۵۵۹۲ پرونده در هیاتهای انتظامی ۲۰۸ شهر دارای دادرسی انتظامی نظام پزشکی ثبت شده که نسبت به سال ۹۵ رشد ۱۲ درصدی نشان می دهد."

میرحامد خانی افزود: بیش از ۵۰ درصد این پرونده ها منجر به صدور براءت گردیده و برای ۴۲ درصد کیفرخواست صادر شده که بیشتر شامل پزشکان عمومی و دندانپزشکان عمومی، متخصصین زنان و زایمان و جراحان ارتوپد و جراحان عمومی بوده است."

وی با اعلام اینکه ۵۳ درصد شکایتهای ثبت شده در نظام پزشکی مربوط به بیمارستانهای دولتی و ۲۹ درصد مربوط به بیمارستانهای خصوصی بوده است، یادآور شد: "سایر شکایتها شامل سایر مراکز درمانی و دی کلینیکها بوده است."

۵۰۰ پرسنل بیمارستان "خمینی" کرج ۱۱ ماه حقوق نگرفته اند

نایب رییس شورای اسلامی کار بیمارستان "خمینی" کرج گفت: "این بیمارستان ۵۰۰ پرسنل دارد که ۱۰ ماه است حقوق نگرفته‌اند و اکنون این مشکل وارد ماه یازدهم شده است." قاسم طاهری با اشاره به اعتراضات متعدد پرستاران و پرسنل گفت: "پس از هر تجمع، مبلغ اندکی به حساب پرسنل واریز



شده است، اما در همان هم بین مدیران و سایر پرسنل تبعیض قائل شده‌اند." وی گفت: "برخی قصد دارند پرسنل این بیمارستان را مجبور به بازخريد و يا بازنشستگی پیش از موعد کنند و سپس با اعلام یک ورشکستگی ساختگی، بیمارستان را تعطیل کرده و آن را بخرند."

طاهری ادامه داد: "این بیمارستان دارای بهترین تجهیزات آنژیوگرافی است، مدتی پیش هم ۴۰ میلیارد تومان تجهیزات جدید خریداری شد که اکنون قیمت آن به توجه به افزایش نرخ ارز به ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده، حال آنکه که در مزایده اخیر قیمت پایه برای این بیمارستان ۱۷ هزار مترمربعی ۲۱۷ میلیارد تومان تعیین شد." وی اظهار کرد: "اگر در این کشور اعلام شود یک صنعت ورشکسته شده کسی تعجب نمی کند، اما اینکه یک مرکز درمانی با این همه امکانات و ظرفیت برای درآمدزایی تعطیل شود، خیلی تعجب برانگیز است."

کارکنان بیمارستان خمینی کرج دست به تجمع اعتراضی زدند

کارکنان بیمارستان خمینی کرج بامداد روز یکشنبه ۴ شهریور، با انداختن یک سفره خالی نمادین در مقابل سازمان همیاری شهرداریهای استان البرز، در اعتراض به عدم برآورده شدن معوقات مزدی و دیگر مطالبات شان، تجمع خود را

شروع کردند. کارکنان این بیمارستان روز چهارشنبه ۷ شهریور، برای سومین بار طی یک هفته در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۰ ماه حقوق عقب افتاده شان، مقابل شهرداری کرج دست به تجمع اعتراضی زدند. همزمان در روز چهارشنبه ۷ شهریور، کارکنان بیمارستان امیرالمومنین زابل به خاطر عدم پرداخت معوقات و کم کردن حقوقهای شان دست به تجمع زدند.

اعتراض ۶ هزار دندانپزشک علیه وزیر بهداشت

بیش از ۶ هزار دندانپزشک با امضای نامه ای به روحانی و هاشمی ثمره، وزیر بهداشت به خاطر تبدیل وضعیت و استفاده از نیروهای فوق دیپلم برای درمان مردم مناطق محروم و روستاها به جای دندانپزشک اعتراض کردند. دندانپزشکان معترض تاکید کردند که درمان مردم مناطق محروم توسط افراد فاقد صلاحیت علمی آن هم در شرایطی که کشور با کمبود دندانپزشک مواجه نیست ظلم آشکار و مصداق بارز "بی عدالتی" و "بی تدبیری" است.

تجمع اعتراضی بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

روز دوشنبه ۱۹ شهریور، بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند. این بازنشستگان که مطالبه گر پاداش بازنشستگی معوق خود بودند، از کاهش ارزش ریال و تاثیر گذشت زمان بر پس انداز صندوق بازنشستگان که در سنوات کاری آنها ذخیره شده بوده است ابراز ناراحتی کرده و تاخیر در پرداخت حقوق شان را باعث بی ارزش شدن پس اندازشان عنوان کردند.

کلاهی که بر سر جامعه پرستاری گذاشته شد



رئیس سازمان نظام پرستاری درباره صدور صلاحیت حرفه ای پرستاران گفت: "جلسه شورای عالی صلاحیت حرفه ای حدود یک و ماه نیم گذشته با حضور وزیر بهداشت و اعضای این شورا تشکیل شد و قرار شد سیاستگذاریها به صورت مشترک با اعمال نظر سازمان نظام پرستاری انجام شود و حوزه اجرایی نیز بر عهده سازمان باشد."

اصغر دالوندی ادامه داد: "اما عملاً به هر دلیلی که از آن اطلاع نداریم، از اجرای این مصوبه عدول شده است. حال اینکه منتظر هستیم تا نشست شورای عالی برگزار شود." وی پیشتر مصوبات جلسه یاد شده را یک "دستاورد بزرگ" خوانده بود که "موجب افزایش حرمت، عزت، کرامت و هویت حرفه ای جامعه پرستاری می گردد".

(منابع: ایلنا، خانه پرستار، ایسنا، نظام پرستاری، مهر)

پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

رویدادهای هنری (شهریور ۱۳۹۷)

فتح الله کیائیا

خندند بر آن دیده، کین جا نشود گریان

آیا سقوط و اضمحلال را حدی نیست؟ شاید در جمهوری ولایی عمامه به سرها پاسخ این سوال منفی باشد، چرا که در طول دهه های گذشته، شاهد و ناظر ظهور و افول هنرمندانی بوده ایم که به قعر چاه سیاه استبداد آخوندی وارد شده و هیچگاه نتوانستند خویشتن خویش را از این باتلاق متعفن برهانند. نمونه ازین دست زیاد است؛ کسانی که از حول حلیم "اصلاحات"، از مردم کنده شده و به پای بوسی رهبر ام القرا شتافتند؛ کسانی که دوش به دوش سوداگران زندان و شکنجه و مرگ، روی در روی مردمی به جان آمده از این همه پستی و حقارت و دزدی و چپاول ایستادند و دیکته های حکومتی را در بلندگوهای تبلیغی صدا و سیمای جمهوری جنون و جنایت و جنگ مشق کردند و کسانی که به ظاهر فرهیختگان و هنرمندانی که انگشتان رنگین خویش را و در سلفیهای جمعی مقابل سفارتخانه های جنایت به رخ مردم کشیده و ویدیوهای ماچ و بوسه با برادران پاسدارشان را در شبکه های اجتماعی پخش کرده و مضحکه عالم و آدم شدند.

و نیز بودند شاعران و نویسندگانی که نه گفتن به دعوت جلاد را بی ادبی و رذالت دانسته و بر سر بساط سفره چپاول خون و گوشت مردمان نشسته و در ردیف اول عکس یادگاری گرفتند و آن دیگرانی که هنر نه به مثابه فریاد دادخواهی مردم که در شکل و قیافه هنر برای هنر و حضور در جشنواره های و نمایشگاههای هنری پر زرق و برق را تبلیغ کردند، که در این رهگذر شاهکار بسیاری از آثار نقاشان و هنرمندان صاحب نام به جای آنکه در معرض دید و قضاوت مردم کوچه و بازار قرار گیرد، محبوس کاخهای مجلل تازه به دوران رسیده های بی فرهنگی شد که خود را "ژن خوب" نامیده و البته زندان و شکنجه و مرگ را برای توده مردم و تصفیه ژنهای بد و نامطلوب دانستند.

در این میان داستان فیلمساز حکومتی، حاتمی کیا، - آنسان که پیش بینی می شد - نقل محافل امروز سینما در ایران است. بدون هیچ توضیح دیگری خلاصه خبری را برایتان درج می کنم:

هیات انتخاب فیلم ایرانی برای رقابت در رشته اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان فیلم "بدون تاریخ، بدون امضاء" به کارگردانی وحید جلیلود را برای نمایندگی سینمای جمهوری اسلامی در نود و یکمین دوره اسکار برگزیده است؛ انتخابی که باعث جدال باندهای حکومتی شده است. رسانه های نزدیک به سپاه پاسداران ابتدا خواهان تحریم اسکار شده بودند، اینک اما می گویند هیات انتخاب بهتر بود فیلم جنگی و تبلیغاتی "به وقت شام" ساخته ابراهیم حاتمی کیا را برای معرفی به اسکار انتخاب می کرد.

ازین کوتاه، تو خود حدیث مفصل بخوان که: چاه سیاه ویرانی و سقوط را، گویا انتهای متصور نیست.

تئاتر

"رویای شب تابستان" لغو و کارگردان بازداشت شد

نمایش "رویای شب تابستان" به کارگردانی مریم کاظمی، در آخرین اجرائش به دام ممنوعیت افتاد. گویا مشکل از تیزری است که در شبکه های مجازی در باره این نمایش پخش شده و زمین را زیر پای حکام ولایت مطلقه به لرزه انداخته است. کوتاهی از این ماجرا را بخوانید:

شهرام کرمی، یک مقام وزارت ارشاد، با تایید توقیف نمایش "رویای شب تابستان" نوشته ویلیام شکسپیر که قرار بود یکشنبه شب ۱۸ شهریور ماه در سالن اصلی تئاتر شهر آخرین اجرای خود را روی صحنه ببرد گفت: "این ماجرا بابت

تیزری است که در شبکه های مجازی از نمایش پخش شده و البته تیزر با تایید اداره کل هنرهای نمایشی نبوده است و



ارتباطی هم با نمایش ندارد، اما به آن ایراد گرفته شده است."

او افزود: "اگرچه تیزر رسمی پخش نشده، ولی به هر حال روز ۱۷ شهریور با ابلاغ قاضی قرار شد تا رسیدگی دوباره، مانع اجرای نمایش شویم. البته تلاش می کنیم با برطرف شدن این مساله آخرین اجرای این نمایش هم به صحنه رود، به ویژه آنکه محتوای اثر مشکلی ندارد و این اتفاق فقط به خاطر تیزر رخ داده است."

در همین حال روز یکشنبه ۱۸ شهریور مریم کاظمی (کارگردان) و سعید اسدی (مدیر تئاتر شهر) به دادسرا احضار و بازداشت شدند. آقای اسدی و خانم کاظمی دوشنبه شب با سپردن وثیقه آزاد شدند.

گمشدگان، روایتی از کشتار سال ۶۷

هجدهم شهریور تا نهم سپتامبر و در چارچوب برنامه ای که به مناسبت سی امین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در سال



۶۷ در شهر فرانکفورت آلمان برگزار شد، نمایش "گمشدگان"، تازه ترین کار نیلوفر بیضایی، برای نخستین بار روی صحنه به اجرا در آمد.

یکی از مهم ترین موضوعات نمایشهای نیلوفر بیضایی در کنار مساله هویت یابی و از خودبیگانگی انسان ایرانی، پیامدهای سرکوب و خشونت است. این کارگردان تئاتر درباره نمایش "گمشدگان" می گوید: "من این نمایش را بر اساس دو متن برای اجرای نمایشی تنظیم کرده

ام؛ یکی از این متنها یادداشتی است از شکوفه منتظری، دختر حمید منتظری، زندانی سیاسی که در دهه شصت اعدام شد. در این یادداشت، شکوفه پدر از دست رفته اش را مخاطب قرار می دهد و از طریق متن با آنچه بر بازماندگان رفته آشنا می شویم و همچنین تلاش فرزندان و نسلهای بعدی برای یافتن هویت شخصی خود و جدا از هیات پدران و مادران. متن دوم را از کتاب آخرین فرصت گل به تنظیم مهدی اصلانی برگرفته ام. در این کتاب اکثرا وصیتنامه های زندانیان سیاسی پیش از اعدام منتشر شده اند."

نمایشگاه عکس از "مادران خاوران" و اسناد کشتار به زبان آلمانی، همراه با خواندن بخشی از دادنامه های خانواده ها نیز یکی دیگر از برنامه های سی امین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در فرانکفورت بود.

سینما



اسه پولی " برشت با روایتی نو بر پرده سینما

از "اپرای سه پولی" (Die Dreigroschenoper)، تئاتر موزیکال "برتولت برشت" در دهه ۱۹۲۰ میلادی، تاکنون فیلمهای بسیاری ساخته شده، اما در فیلمی که از روز پنجشنبه ۲۲ شهریور (۱۳ سپتامبر) در سینماهای آلمان به نمایش در آمده، در کنار نمایش، چگونگی ساخت فیلم نیز بررسی شده و خود برتولت برشت یکی از عناصر فیلم است. اپرای سه پولی، تاکنون موفق ترین اثر برشت، این هنرمند بزرگ قرن بیستم بوده؛ هنرمندی که با ابداع سبک فاصله گذاری در تئاتر، انقلابی بزرگی را در هنرهای نمایشی جهان به وجود آورد.

"ونیز ۷۵" جشنواره ای مردانه در ستایش زنان

هفتاد و پنجمین دوره جشنواره فیلم ونیز شامگاه شنبه ۸ سپتامبر (۷ شهریور) با معرفی برندگان بخشهای رسمی به کار خود پایان داد.



هیات داوران بخش مسابقه بین الملل به ریاست "گی یرمو دل تورو"، جایزه شیر طلای بهترین فیلم جشنواره را به "رم"، تازه ترین ساخته "آلفونسو کوارون"، کارگردان مکزیکی اهدا کرد. این نخستین موفقیت کمپانی قدرتمند "نت فلیکس" در یک جشنواره سینمایی بود.

"رم" شخصی ترین فیلم آلفونسو کوارون، با تصاویری سیاه و سفید داستان زندگی دو خدمتکار مکزیکی را روایت می کند که با تلاش و

از خودگذشتگی از یک خانواده کوچک طبقه متوسط در محله رم در مکزیکوسیتی مراقبت می کنند.

درام "سوگلی" تازه ترین ساخته "یورگوس لانتیموس"، کارگردان یونانی، جایزه بزرگ هیات داوران جشنواره فیلم ونیز را دریافت کرد. "جنیفر کنت"، تنها کارگردان زن هفتاد و پنجمین دوره جشنواره فیلم ونیز، جایزه ویژه هیات داوران را به خاطر فیلم "بلبل" به دست آورد.

سوئد برای فتح اسکار، علی عباسی را انتخاب کرد

سوئد فیلم سینمایی "مرز"، ساخته علی عباسی، کارگردان ایرانی تبار، را به عنوان نماینده این کشور برای رقابت در شاخه بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان در نود و یکمین دوره جوایز اسکار معرفی کرد.

این فیلم پیش از این جایزه بهترین فیلم بخش "نوعی نگاه" جشنواره فیلم کن را دریافت کرده است. علی عباسی در این مورد می گوید: "باورکردنی نیست. من حتی فکرش را نمی



کردم که این فیلم در کن به نمایش دربیاید. اما حالا این فیلم برجسته شده و در جشنواره های سراسر جهان به نمایش درمی آید و اسکار هم چندان دور از دسترس به نظر نمی رسد."

فیلم "مرز" که بر اساس داستان کوتاهی از "جان لینکوئیست"، نویسنده سوئدی، ساخته شده، داستان یک زن پلیس را روایت می کند که از شامه ای قوی برخوردار است و می تواند بر تکیه بر این حس خلافکاران را رهگیری کند. زندگی او و زندگی یکی از خلافکارانی که قصد دارد از مرز عبور کند، با این حس بویایی متحول می شود و سرنوشت او را به مسیر دیگری می اندازد.

موسیقی

مک کارتنی پس از ۳۶ سال دوباره صدر نشین شد



"پل مک کارتنی"، موزیسین نامی آلبوم جدیدی به نام "ایستگاه مصر" روانه بازار کرده که توانسته پس از انتشار در صدر رده بندی آلبومهای پر فروش روز آمریکا قرار گیرد. آخرین بار ۳۶ سال پیش بود که مک کارتنی چنین موفقیتی کسب کرد.

در سال ۱۹۸۲ میلادی بود که پل مک کارتنی، عضو گروه اسطوره ای بیتلها، با انتشار آلبومی به نام Tug of War در

صدر رده بندی آلبومهای پر فروش روز آمریکا قرار گرفت. او پس از آن نیز ۱۳ آلبوم به بازار فرستاد، اما نتوانست به طور انفرادی آن موفقیت را تکرار کند.

حال اما این طلسم ۳۶ ساله شکسته شده و این موزیسین نامدار با آلبوم انفرادی جدیدش که "ایستگاه مصر" (Egypt Station) نام دارد، بر صدر رده بندی آلبومهای پر فروش روز آمریکا قرار گرفته است.

زور و زور گیری در ام القرا



حکایت جالبی اندر نگاه ولایت مطلقه فقیه بر حق و حقوق مردم: ۱۱۰ ماه پس از شکایت محمد رضا شجریان به دلیل تجاوز صدا و سیما جمهوری اسلامی به آثار خود، دادگاه شکایت وی را رد کرده و گفته که پخش آثار او از صدا و سیما سبب شهرت اش شده است. شهرام ناظری در واکنش به حکم دادگاه گفته است: "در شهر زور، زورگیری هم به طبع رواج دارد. صدا و سیما شاید بتواند افرادی بی مایه را علم کند، اما در شناساندن آثار متعالی نقش مهمی ندارد."

در اعتراضات سال ۸۸ صدا و سیما جمهوری اسلامی سرودهایی را که شجریان در سالهای انقلاب خوانده بود، روی تصاویری مونتاژ و از شبکه های تلویزیونی پخش و چنین وانمود می کرد که این خواننده با حرکت اعتراضی مردم مخالف است. شجریان به دلیل دست درازی و تجاوز صدا و سیما به آثارش در همان سال به محاکم قضایی جمهوری اسلامی شکایت برده بود.



شامگاه دوشنبه ۳ سپتامبر به دعوت گروههای موسیقی شناخته شده آلمانی مانند Toten Hosen, Kraftklub, Marteria und Kasper و زیر هشتگ #wirsindmehr ما پر شماریم، برای حمایت از حقوق شهروندی پناهجویان و مخالفت با پناهجو ستیزی در آلمان کنسرت رایگان خیابانی برگزار شد. شهرداری "کمیتس" اعلام کرد که دستکم ۶۵ هزار نفر در این کنسرت شرکت داشتند. در ساعتهای پایانی این برنامه، تعداد شرکت کنندگان به ۷۰ هزار نفر هم رسید.

شنبه ۲۵ اوت در یک جشن خیابانی در شهر کمیتس یک مرد ۳۵ ساله آلمانی بزبلی تبار در درگیری با دو پناهجو جان خود را از دست داد. دادستانی آلمان دو مرد سوری و عراقی را در این رابطه بازداشت کرده است. با سوو استفاده از این رخداد، گروههای نازی و راست افراطی "طرفداران کمیتس"، "آلترناتیو برای آلمان" و "پگیدا" ضمن ناامن کردن سطح شهر و حمله به خارجیها، پناهجویان و یهودیان، دست به تظاهرات زدند. کنسرت خیابانی در اعتراض به نفرت پراکنی نازیها و یادآوری حقوق مدنی پناهجویان برگزار شد. نیمی از عواید این کنسرت به خانواده مرد آلمانی مقتول و نیمی دیگر به حمایت از پناهجویان اختصاص داده شده است.

کنسرت خیابانی در بوستان

نخستین کنسرت خیابانی رایگان توسط ارکستر سازهای ملی به رهبری علی اکبر قربانی و با خوانندگی محمد معتمدی در "بوستان آب و آتش" تهران برگزار و با استقبال مردم روبرو شد. این کنسرت خیابانی پنجشنبه ۸ شهریور برگزار شد. محمد معتمدی گفت: "قصد داریم با اجرای این کنسرت به نیروی انتظامی نشان دهیم که برگزاری اینگونه برنامه ها برای امنیت عمومی مشکل ساز نخواهد بود."



"بهار دلکش" اثر درویش خان، "شکایت دل" از پرویز یاحقی، "دگر چه خواهی" قطعه ای از حبیب الله بدیعی، ساز و آواز، "کویر"، رنگ شرقی، "خوش آمدی" و همچنین "بهار من" اثری از علی تجویدی و "گل صبح" قطعات اجرا شده در این کنسرت خیابانی بودند.

موصل و جشنواره "من عراقی هستم و می خوانم"

عنوان این جشنواره الهام گرفته از یک ضرب المثل عربی است که می گوید: "مصریها می نویسند، لبنانیها منتشر می



کنند و عراقیها می خوانند."

بیش از یک سال از آزادسازی موصل از چنگ بنیادگرایان اسلامی داعش می گذرد و این شهر اکنون شاهد احیای فرهنگ و هنر گردیده است، از نشر کتاب گرفته تا برگزاری نمایشگاه و اجرای کنسرت.

محل، پارکی است در موصل که در گذشته

داعشیهها در آن کودکان سرباز را آموزش می دادند. امروز اما هزاران نفر برای حضور در فستیوال کتاب در این پارک حضور می یابند که در آن غیر از فستیوال کتاب و کتابخوانی، برنامه های موسیقی و تئاتر هم اجرا می شود.

در این فستیوال از جمله انبوهی از میزها که زیر سنگینی کتابها کمر خم کرده اند، مشتاقان کتابخوان را به سوی خویش دعوت می کنند.

جایزه "برابری" حقوق بشری آمریکا برای ان هتوی

"ان هتوی"، بازیگر برنده جایزه اسکار، در بیست و دومین ضیافت شام سالانه کمپین حقوق بشر آمریکا در واشنگتن مورد تجلیل قرار گرفت. خانم هتوی جایزه ملی موسوم به "برابری" را دریافت کرد و در سخنانش بر اهمیت دفاع از حقوق دگرباشان تاکید کرد.



او گفت برای جامعه دگرباشان احترام زیادی قایل است، چرا که به او یاد داده ویژگیهایی چون سفید بودن و یا رابطه با جنس مخالف مرجع نیست و باید این نگرش را از بین برد.

آن هتوی در سال ۲۰۱۶ به عنوان سفیر ویژه سازمان ملل متحد در امور زنان برگزیده شد و در این سمت فعالیتهای زیادی در راستای برابری حقوق زن و مرد در عرصه های گوناگون انجام داده است. خانم هتوی همچنین از اینکه هنوز در جامعه کسانی هستند که با اقلیتها نامهربان هستند، ابراز ترس و نگرانی کرد.

ادبیات

انتشار نسخه سانسور نشده "تصویر دوریان گری"



۱۳۰ سال پس از اینکه مطبوعات و منتقدان بریتانیایی، رمان "تصویر دوریان گری" را "وقیح"، "کثیف"، "مسموم" و "نگ آور" خواندند، سرانجام نسخه سانسور نشده ای از این کتاب که یادداشتهای نویسنده را نیز در بر می گیرد، منتشر شده است.

"تصویر دوریان گری" پیرامون رابطه عجیب "دوریان گری" و "باسیل هاوارد"، نقاش پرتره اش است. در دوران ویکتوریا مردم با مفهوم همجنسگرایی آشنا نبودند و مطبوعات آن زمان، فضای این کتاب را غیر

اخلاقی توصیف کردند. زمانی که "اسکار وایلد" به اتهام همجنسگرایی زیر نگاه سنگین جامعه به سختی نفس می کشید، از لحاظ ادبی در اوج شهرت بود، اما ستاره اقبالش یکشبه افول کرد. اموالش توقیف شد و به دادگاه کشانده شد. این نخستین باری است که نسخه اصلی رمان "اسکار وایلد" منتشر می شود و می توان خودسانسوری نویسنده را در حذف تعدادی از پاراگرافهایی که در آن از احساسات اروتیک مردی به مرد دیگر گفته است، مشاهده کرد.

(منابع: رادیو زمانه، صدای آمریکا، دویچه وله، رادیو فردا، بی بی سی)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

محکومیت رویا صغیری به زندان



رویا صغیری از دختران معترض به حجاب اجباری است. او در دیماه ۹۶ در تبریز به علت برداشتن روسری بازداشت شد و در یک دادگاه ناعادلانه به ۲۳ ماه زندان محکوم گردید. او در اینستاگرام خود نوشته است: "از سوم شهریور به زندان می روم تا همین آزادی کوچکم را هم آشکارا در بی عدالتی تصاحب کنند."

یک زن برای نخستین بار رییس دادگاه عالی ایالتی پاکستان شد

"طاهره صفدر" به عنوان نخستین زن در تاریخ پاکستان، برای به عهده گرفتن ریاست دادگاه عالی ایالتی بلوچستان روز



شنبه ۱۰ شهریور سوگند یاد کرد.

پیش از این، زنان حقوقدان پاکستان به عنوان رییس دادگاه های این کشور منصوب می شدند.

یازدهم دی ماه سال ۱۳۹۲ بود که "اشرف جهان" در کراچی پاکستان به عنوان قاضی منطقه ای ایالت سند سوگند یاد کرد.

طاهره صفدر پنجم اکتبر ۱۹۵۷ میلادی در شهر "کوئته" مرکز ایالت بلوچستان به دنیا آمد، وی سال ۱۹۸۰ میلادی تحصیلات خود را در دانشگاه کوئته به

پایان رساند و مدرک تحصیلی حقوق دریافت کرد. او در سال ۱۹۸۲ نیز تاریخساز شده بود، زمانی که به عنوان نخستین زن بر کرسی قضاوت در ایالت بلوچستان تکیه زد.

برای نخستین بار یک زن برقع پوش در دانمارک جریمه شد



رسانه های دانمارک می گویند یک زن ۲۸ ساله برقع پوش پس از آن که با یک زن دیگر که می خواست حجاب او را بردارد درگیر شد، جریمه شده است.

این اولین جریمه از این دست پس از اجرایی شدن قانون ممنوعیت پوشیدن نقاب و برقع در دانمارک است. پلیس شهر "هورس هولم" در ۲۵ کیلومتری شمال کپنهاگ، پایتخت دانمارک، پس از باخبر شدن از موضوع و بررسی ویدیوهای موجود به زن برقع پوش

خبر داد در صورتی که برقع خود را بر ندارد جریمه خواهد شد. پلیس گفته است هر دو زن درگیر در دعوا جریمه شده اند. زن برقع پوش به دلیل نقض قانون به پرداخت ۱۵۵ دلار جریمه شده است. در صورت تکرار نقض این قانون، مبلغ جریمه به ۱۵۰۰ دلار افزایش خواهد یافت. شماری از زنان مسلمان دانمارک گفته اند به این قانون عمل نخواهند کرد.

تصویب و اجرایی شدن قانون ممنوعیت پوشیدن برقع و نقاب با انتقادهایی همراه بوده است. سازمانهای حقوق بشری آن را "نقض تبعیض آمیز حقوق زنان" خوانده اند.

قانون جدید به پلیس اجازه می دهد به زنانی که صورت شان پوشیده است، دستور دهد مکانهای عمومی را ترک کنند.

انتقاد انجمن تنیس زنان جهان از رفتار داور با سرنا ویلیامز

فینال جنجالی رقابتهای تنیس آزاد آمریکا (یواس اوپن) در بخش زنان، واکنشهای گسترده ای را برانگیخت.



در دیدار فینال زنان که شامگاه شنبه ۱۰ شهریور میان "سرنا ویلیامز" ۳۷ ساله و "نائومی اوزاکای" ۲۰ ساله برگزار شد، داور برزیلی فینال، "کارلوس راموش"، در برابر اعتراض ویلیامز وی را جریمه و کسر امتیاز کرد. زن شماره یک پیشین تنیس جهان یک گیم جریمه اش را مصداق "تبعیض جنسیتی" دانست و گفت: "داور هرگز از یک مرد به دلیل گفتن دزد، یک گیم کم

نمی کرد. من شنیده ام که بقیه مردان به سایر داوران چه چیزهایی می گویند. اینجا هستیم که برای حقوق زنان بجنگیم، برای برابری زنان و مسایلی شبیه به این."

نتیجه این درگیری لفظی تاریخی و احتمالا بی سابقه، فراتر از باخت سرنا ویلیامز، محکومیت وی به پرداخت ۱۷ هزار دلار جریمه به دلیل برخورداری از راهنمایی مربی (کوچینگ)، شکستن راکت و توهین به داور بود.

انجمن تنیس زنان جهان (WTA) روز یکشنبه با صدور بیانیه ای از جریمه خانم ویلیامز انتقاد کرد و آن را ناشی از "درجه های متفاوت از مدارا در قبال ابراز احساسات زنان و مردان" توصیف کرد. این نهاد بین المللی در بیانیه خود نوشته است: "واکنش نسبت به ابراز احساسات زنان و مردان باید یکسان و به دور از تبعیض باشد؛ چیزی که در فینال شنبه شب ندیدیم."

"بیلی جین کینگ"، بانوی پیشین تنیس جهان برخورد با سرنا ویلیامز را "سکسیم" لقب داد و تویتر خود نوشت: "وقتی یک زن با انگیزه (برافروخته) و عصبی است، جریمه می شود، ولی وقتی مردی همین کار را انجام می دهد، آدمی جدی به شمار می رود و کاری با او ندارند. تشکر از سرنا ویلیامز که این تفاوت رفتار را علنی کرد."

توافق ۱۷ شکل حرفه ای آلمان برای ایجاد مرکزی علیه آزار جنسی



یاسمین طباطبایی، هنرپیشه ایرانی تبار آلمان می گوید بحث در مورد آزار جنسی زنان در آلمان تأثیرگذار بوده است. به گفته او ۱۷ نهاد و انجمن حرفه ای در آلمان برای مقابله با آزار جنسی و خشونت علیه زنان با هم به توافق رسیده اند.

او گفت جنبشی که با هشتگ "MeToo" در شبکه های اجتماعی آغاز شد،

موفقیت‌هایی در آلمان داشته است. این هشتگ بحث بر سر آزار جنسی زنان در عرصه فیلم و سینما را به رسانه‌ها و مطبوعات کشاند.

یاسمین طباطبایی در مراسم معرفی هنرپیشه‌های برتر سینما و تلویزیون آلمان گفت که با راه افتادن این هشتگ بسیاری از همکاران او از ماه‌ها پیش در فکر یافتن راه حلی پایدار برای مقابله با آزار جنسی و خشونت علیه زنان هستند. او افزود: "تا کنون ۱۷ نهاد و انجمن حرفه‌ای در آلمان توافقی را امضا کرده‌اند که می‌تواند اساسنامه ایجاد یک مرکز مورد اعتماد همه آنها برای ارائه مشاوره در مورد آزار جنسی و خشونت باشد."

یاسمین طباطبایی تاکید کرد که چنین راهکاری تا کنون در هیچ جای دنیا وجود نداشته است و "پاسخی آلمانی" برای مقابله با آزار جنسی زنان است.

او با اشاره به تفاوت آشکار جنبش "MeToo" در آلمان و آمریکا گفت: "ما آلمانیها علاقه کمتری به جنجال‌سازی داریم و روحیه مان با آمریکاییها فرق می‌کند. ما نمی‌خواهیم از کسی هیولا بسازیم و او را به جهنم بفرستیم."

بیانیه فعالان مدنی درباره واقعه اخیر ایرانشهر و نقش قوه قضاییه



بیش از ۳۰۰ فعال مدنی و اجتماعی با امضای بیانیه‌ای در حمایت از دختران ایرانشهر که چندی پیش مورد تجاوز گروهی چند فرد وابسته به جناح‌های قدرت قرار گرفتند، بر اهمیت پیگیری قضایی این پرونده به صورت شفاف و حمایت اجتماعی و قانونی از این دختران تاکید کردند.

در این بیانیه که تاکنون به امضای ۳۲۳ نفر رسیده، امضاکنندگان بر نقش و مسوولیت قوه قضاییه در جلوگیری از تکرار سیستماتیک چنین اتفاقاتی تاکید کرده‌اند.

نویسندگان بیانیه مذکور اشاره کرده‌اند که اعتراضات مردم ایرانشهر در حمایت از دختران ایرانشهر و همچنین اعتراضات مردم اصفهان نسبت به فاجعه اسیدپاشی نمونه‌هایی از واکنش مردم بومی این مناطق است که بدون حمایت مردمی شهرهای دیگر، به مرزهای جغرافیایی آن مناطق محدود ماندند.

حدود دو ماه پیش موضوع تجاوز یک گروه بزهکار وابسته به جناحهای قدرت به بیش از چهل دختر و زن ایرانشهری افشا گردید. این رخداد اولین بار توسط مولوی طیب ملازهی، امام جمعه ایرانشهر در مراسم عید فطر عمومی شد. در آن زمان اظهارات این شخصیت اهل سنت با واکنش شدید مقامهای قضایی روبرو شد، به گونه ای که دادستان کل کشور، وی را به شکایت و پیگیری قضایی تهدید کرد و عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور، نیز این خبر را "کذب محض" خواند و مدعی شد در این ماجرا "از ابتدا اطلاعات غلط به امام جمعه دادند".

انتشار عمومی خبر تجاوز به زنان ایرانشهر سبب شد که گروهی از مردم در اعتراض به ناامنی اجتماعی در این شهر مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کنند. و در جریان تجمع مذکور دستکم پنج نفر بازداشت شدند.

زنی که سلسله مردان را در جورجیا تهدید می کند

"استیسی آبرامز" در ایالت جورجیا تلاش می کند تا به عنوان اولین فرماندار زن سیاه پوست آمریکایی در تاریخ ثبت شود.



او یک دموکرات ترقیخواه است که در ایالت جورجیا علیه یک رقیب جمهوریخواه به نام "برایان کمپ" که رفتاری شبیه ترامپ دارد، برای به دست آوردن کرسی فرماندار ایالت رقابت می کند.

خانم آبرامز از این جهت مورد توجه قرار گرفته است که تاکنون تمام ۸۲ حاکم ایالت جورجیا مردان سفیدپوست بوده

اند. ایالت جورجیا سابقه مناقشه برانگیزی در زمینه بردگی و تفکیک نژادی داشته است.

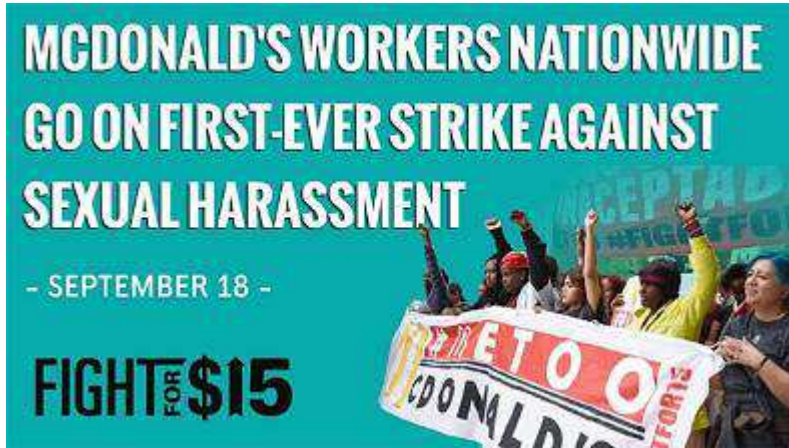
آبرامز، در منطقه "گلف پورت" میسیسیپی بزرگ شده و در رشته حقوق از دانشگاه "ییل" فارغ التحصیل شده است. افزون بر این، او با نام مستعار "سلنا مونتگمری"، هشت رمان عاشقانه هیجان انگیز به رشته تحریر درآورده و جوایزی هم دریافت کرده است. او روی حمایت مردم آتلانتا، پایتخت ایالت جورجیا، حساب باز کرده است. آبرامز مانند بسیاری از دمکراتهای ترقیخواه، برنامه خدمات درمانی جاه طلبانه ای را وعده داده است.

برخی سیاه پوستان آتلانتا حمایت از آبرامز را وظیفه خود می دانند. "ونی تسا"، یک بازرگان ۳۳ ساله، از او حمایت می کند. تسا گفت: "به عنوان یک زن سیاه پوست وظیفه دارم که به او رای دهم. این راهی برای پیشرفت است. حتی اگر او در انتخابات حضور پیدا نمی کرد، علیه رقیب او رای می دادم."

اعتصاب صدها کارگر زن "مک دونالد" در اعتراض به آزار جنسی

صدها کارگر زن "مک دونالد" در اعتراض به آزارهای جنسی در محیط کار، در ده شهر آمریکا دست به اعتصاب زدند. "تانیا هارل"، زن جوانی از اهالی ایالت لوئیزیانا، یکی از اولین کسانی است که این حرکت اعتراضی را کلید زد و به همراه ۹ تن دیگر علیه "مک دونالد" شکایت کرد.

تانیا تابستان سال گذشته در یکی از شعبه های "مک دونالد" در لوئیزیانا کاری گرفت. تانیا در پایان شیفت کاری، اغلب حاضر می شد یکی از مردان همکار را که مسیرشان یکی بود و اتومبیلی نداشت، به مقصد برساند. مرد بعد از مدتی در



محل کار و وقت خدمات دهی به مشتریان شروع کرد به آزار کلامی و بدنی جنسی تانیا.

وقتی تانیا پیش مدیر شعبه رفت و از رفتارهای آزارگر مرد همکار شکایت کرد، مدیر شعبه نه تنها شکایت او را جدی نگرفت، بلکه تانیا را متهم کرد که حتما یک رابطه ای بین آنها هست و با یک "رفتار بچه گانه" نباید از این کار شکایت کرد.

چندی بعد، مرد همکار دیگری در دستشویی

مردانه قصد تجاوز به او را داشت. اینبار اصلا دیگر برای شکایت پیش مدیر هم نرفت. چون از همان بار قبلی فهمیده بود که مدیر برای شکایت او اهمیتی قایل نیست.

تانیا به سراغ شبکه های اجتماعی رفت. با نام مستعار از تجربه دردناک خود نوشت تا ببیند آیا زنان دیگری هم تجربه مشابه از نادیده گرفتن آزار جنسی در "مک دونالد" دارند یا نه. خیلی زود ده ها زن دیگر هم پیدا شدند که آنها هم در شعب مختلف "مک دونالد" در سراسر آمریکا تجربه های مشابهی داشتند و هرگز مدیریت برای مقابله با آزارگر کاری نکرده بود.

این اتفاق همزمان با اوج گرفتن جنبش #MeToo در آمریکا و به ویژه در هالیوود بود. تانیا می گوید: "با خودم فکر کردم ما هم حقی داریم و این جنبش نباید فقط برای زنان ثروتمند و مشهور باشد."

تانیا توانست ۱۰ زن دیگر از کارکنان پیشین و فعلی "مک دونالد" را که تجربه مشابهی دارند راضی کند که با هم علیه این شرکت شکایت کنند. آنها اول به سراغ نهاد حقوقی "Times Up Legal Fund" رفتند که بعد از شروع جنبش MeToo تشکیل شد و به آنها که قصد شکایت علیه آزارگران جنسی را دارند، کمک حقوقی رایگان می کند. با کمک حقوقی مرکز مزبور، این ۱۰ زن توانستند علیه "مک دونالد" اقامه دعوی کنند.

این معترضان همزمان توانستند صدها کارمند "مک دونالد" را بسیج کنند تا به نشانه اعتراض به رواج رفتار آزارگر در این محیط کار و جلب توجه عمومی، دست به اعتصاب بزنند. در ۱۸ سپتامبر این کارکنان در شهرهای لس آنجلس، میامی، دورهام، کانزاس، نیواورلئان، سن فرانسیسکو، سن لوییز، شیکاگو و میلواکی محل کار خود را ترک کردند تا بگویند "دیگر بس است، آزار و اذیت جنسی بس است".

(منابع: ایلنا، هرانا، شبکه جهانی کلمه، دویچه وله، ایرنا، فرارو، یورونیوز، ایسنا)

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

نفت در برابر کالا؛ راه حل اروپا برای دور زدن تحریمها

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۸ شهریور

کمتر از دو ماه مانده به اجرایی شدن تحریمهای نفتی و مالی آمریکا علیه رژیم جمهوری اسلامی، اتحادیه اروپا می گوید راه تازه ای برای دور زدن آن پیدا کرده است. نشانه ها اما حکایت از آن دارند که ترفند مزبور بیشتر یک بازی جدید است تا حلقه نجات!

سه تُفنگدار هسته ای، آلمان، فرانسه و بریتانیا، اطلاع داده اند که نهاد مالی جدیدی را برای ادامه مُناسبات تجاری با رژیم مُلاها ایجاد می کنند. به گفته آنها، نهاد مزبور در خارج از سیستم سوئیفت قرار خواهد گرفت تا به شرکتهای کُمتکند بدون هراس از مُجازاتهای آمریکا، با جمهوری اسلامی مُعامله کنند.



آنچه که در نگاه اول خود را به مثابه یک ابتکار تازه می نمایاند، با ارزیابی دقیق تر آشکار می گردد که چیزی بیشتر از برنامه نفت در برابر کالا نیست؛ طرحی که سازمان ملل در دوران تحریمهای عراق اجرا کرد و سپس در مورد رژیم مُلاها نیز در دوره تحریمهای فلج کننده در شکل محدودتری مادیت یافت.

بر این اساس، حاکمان ایران خود به درآمدهای نفتی دسترسی نخواهند داشت و نهاد مزبور در نقش قیّم از این محل، هزینه کالاهایی که آنها خریداری می کنند را می پردازد. "نظام" بدین گونه از فرآیند تبادل مالی، چه به عنوان فروشنده و چه خریدار حذف گردیده و زائده ای بدون اختیار در حاشیه آن خواهد بود.

همانگونه که پیداست، اساس و پایه طرح سه تُفنگدار، حفظ امکان فروش نفت توسط مُلاها است. به بیان دقیق تر، طرح مزبور کیسه ای است که برای درآمدهای نفت صادراتی جمهوری اسلامی به اروپا دوخته شده که میزان آن در حال حاضر کمتر از ۵۰۰ هزار بُشکه در روز تخمین زده می شود. با این حال روشن نیست که خریداران بُزرگ نفتی اروپا که میدان عمل آنها در سطح جهانی است، چگونه قادر خواهند بود با وجود خرید نفت تحریمی ایران، از مُجازاتهای آمریکا و متحدان عرب آن که فروشندگان عمده نفت و گاز به آنها هستند، برکنار بمانند.

گذشته از موانع مهمی که بر سر راه شرکتهای نفتی اروپایی قرار دارد، فروشندگانی که در قالب مرکز جدید با رژیم مُلاها وارد مُعامله می شوند نیز خود را در برابر پیامدهایی پیش بینی پذیر قرار خواهند داد. رهگیری آنها غیر مُمکن نیست و از این رو، قانع کردن شان به پذیرفتن ریسک تجارت با کشوری که نه دارای افق روشن اقتصادی است و نه از یک سیستم با ثبات سیاسی برخوردار می باشد، کار چندان ساده ای نخواهد بود.

مُستقل از سدهای اجرایی طرح اروپا، حتی در صورت پا گرفتن، این طرح فقط می تواند بخش ناچیزی از مُشکل حاکمان جمهوری اسلامی را برطرف کند که بی شک نیازهای اولیه و حیاتی مردم ایران شامل آن نخواهد بود. شرکای اروپایی رژیم ولایت فقیه تاکنون ادعا می کردند نگران "آسیب تحریمها بر مردم عادی" هستند. تهیه پستیوی نیمه تاریک برای انجام مُعاملات مخفیانه و مشکوک با رژیمی مُستبد، خونریز و بُحران ساز، چندان نشانی از این ژست انسان دوستانه ندارد.

صدیقه

م . وحیدی

سلام، من صدیقه هستم. کاش موقع عکس انداختن بیدار بودم تا عکسم بهتر می افتاد؛ ولی عیبی ندارد.



خانه ما نزدیک ریل راه آهن است. از بس شب و روز قطار از آنجا رد می شود که نمی توانیم راحت بخوابیم. مخصوصاً شبها که اصلاً نمی شود بخوابیم. تا چشم روی هم می گذاریم، یک قطار رد می شود و همه ی ما را بیدار میکند؛ انگار زلزله آمده است.

به خاطر این، من روزها همش چرت می زنم و خوابم می آید. دست خودم نیست. تو مدرسه هم همین طور بودم. آخر سر، مدیر مدرسه مرا اخراج کرد.

هر چه مادرم و بابام رفتند التماس کردند، فایده نداشت. چون چند بار تعهد داده بودم سرکلاس نخوابم، ولی نمی شد؛ همین که پشت نیمکت می نشستم خوابم می برد.

ما قبلاً در مرکز شهر زندگی می کردیم. اما وقتی نتوانستیم چند ماه اجاره اتاق مان را بدهیم، صاحبخانه آمد اسباب و اثاثیه مان را ریخت تو کوچه و بیرون مان کرد. بعد هم مجبور شدیم بیاییم اینجا، نزدیک خط آهن، یک اتاقک درست کنیم و زندگی کنیم.

بابام رفتگر شهرداری است. او از صبح زود می رود بیرون و آخر شب که هوا تاریک تاریک است، بر می گردد و سه شیفته کار می کند.

مادرم تو یک بیمارستان زمینها را می شوید. او صبح زود می رود و ظهر برمی گردد. مادرم همیشه کمرش درد می کند و می نالد. خواهر کوچکم اسمش ربابه است. او مدرسه نمی رود و کنار ریل راه آهن بازی می کند. چند روز پیش نزدیک بود برود زیر قطار. شانس آورده بود، چیزیش نشد.

آن روز یک جوان دستفروش دوره گرد، که از آن طرفها رد می شده، او را می بیند. جوانک بدو بدو می رود او را از وسط ریل قطار بیرون می کشد و نجاتش می دهد.

خواهرم، پیش من نمی نشیند و همش می رود بازی می کند و سر به هواست.

من دوست دارم یک روز به شهر برگردیم تا به مدرسه بروم و دوباره درس بخوانم.

چند چار پاره

م . وحیدی (م . صبح)



شوم شبم به خاک تشنه دشت
بتابم چون ستاره در شبانگاه
در آمیزم به عطر جویداران
بنوشم باده سرخ سحرگاه

به دشت خشک صحرا قطره ای آب
چو شبتابی درخشان بر تن برگ
جهانی گردم از زیبایی و نور
بدور از ظلمت و تنهایی و مرگ

به دستم حلقه کن دستان گرم
در این وحشت سرای سرد خاموش
به رقص آ چون شقایق در دل دشت
بخوان با نغمه های مرغ مدهوش



تو باشی من جهانی جاودانم
طنین خیزش و موج و سرورم
شمیم خوشترین شعر رهایی
چراغی در شبان مست و کورم

سفر کن با ستاره در دل شب
حریف لحظه های پر خطر شو!
میان جنبش مهتاب کاران
طنین شادی و شوق سحر شو!

چند شعر کوتاه

م . وحیدی (م . صبح)

صبح سخنور

از آنچه نگفته ای
دریافتم
سخت چون ابری ست
در سکوت صُبْحهای بارانی
که ریز و بی صدا می بارد و
عطر کاجهایش
چشمان خفته جنگل را
بیدار می کند
گونه های شبانه ات را می بوسم
با لبان داغ تازیانه ها
وقتی مرگ
در کوره ظلمت
بی امید رها شده است

بر زورق آب

از دقایق پریدن
تنها
پرهایش باقی مانده
میان بادهای
و بی گناهی گیسوان دختری
که عروسکان چشمانش را
به مسافران خسته
ودیعہ داده است
بر می خیزم
تا تابستان را از نوک رقصان برگها
بچینیم و
بر زورق آبها
رها کنم

رقص قوها

ناآمدگان
غریبه اند با من
و من
با خویشتن خویش
در سرزمینی
که پر از خاطره و رویاست
دریا و توفان
به شکل شب پره های سرگردان
در تلاطم موجها گرفتارند
مهتاب را نظاره کن!
در ترنم رقص قوها
با ناآمدگانی
که در رواق چشمان بنفشه زاران
پناه می گیرند

نیروانا

از برهوتی به برهوتی دیگر
تا رسالت بودا به نیروانا
هموار شود
و راهبان سحر خیز
سجده بر ضیافت خاک کنند
من از تبار صخره و رودم
با پره های آغشته به باروت و
ستارگانی تشنه در سینه ام
حادثه تاریکی
سفرنامه من است و
میلادم
گذرگاه صاعقه هاست
بامن از طبلهای بی نشانه بگو!
شاید که فردا
خنده های سپیده
دیوارهای قطور ساحل را
فرو ریزد

بحران بی‌آبی و مبارزه تشنگان (شهریور ۱۳۹۷)

زینت میرهاشمی

هر روز که می‌گذرد بحران بی‌آبی عمیق‌تر و آثار آن فاجعه‌بارتر می‌شود. خبرهای مربوط به این ابرجالش جامعه ایران، نگرانی در مورد حال و آینده مردم را افزایش می‌دهد. صحبت از کم‌آبی به گذشته تعلق دارد و اکنون از فاجعه‌ته کشیدن آب کشور خبر داده می‌شود و پایوران حکومت بی‌شرمانه از کارزار نذر آب صحبت می‌کنند.

مردم تشنه برای تامین آب آشامیدنی به هر خطری دست می‌زنند. روز چهارشنبه ۷ شهریور، ایلنا گزارشی از قول مدیر مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی ایرانشهر اعلام کرد که «دو نفر از زنان روستای زبردان [در استان سیستان و بلوچستان] به همراه دو کودک برای برداشت آب شرب به برکه‌ای در این منطقه می‌روند که در این حین دو کودک در گودال گرفتار می‌شوند و دو نفر از زنان نیز برای نجات دو کودک شتافتند که هر ۴ نفر به علت گل و لای بودن منطقه جان باختند.»

سپاه پاسداران در تخریب محیط زیست و بحران بی‌آبی نقش اساسی دارد. یکی از جنایت‌های رژیم که از طریق سپاه پاسداران اجرا شد، ساختن سد گتوند است. شرکت «سپاسد»، وابسته به سپاه پاسداران، سازنده این سد و شرکت «مهاب قدس» که بخشی از سهام آن به کارتل چپاولگر استان قدس رضوی تعلق دارد، که مهندس مشاور آن است. یک عضو



مجلس ارتجاع از دزفول در روز پنج‌شنبه ۸

شهریور در گفتگو با خبرگزاری حکومتی ایلنا «از دولت خواست تا سد گتوند را کاملا از مدار خارج کند. این تنها راه جلوگیری از ضرر این سد است. ... خروجی گتوند به شدت بالا رفته و چندین میلیون تن نمک از سد گتوند وارد کارون شده و زمینهای کشاورزی و تالابهای خوزستان را شور کرده است. دولت خساست نکند و نگوید چون سدی ساخته شده، باید

همچنان به تولید نمک ادامه دهد.»

خبرگزاری حکومتی ایسنا در روز دوشنبه ۱۲ شهریور طی گزارشی خبر داد که:

«به رغم بارندگیهای مناسب فصل بهار، وضعیت منابع آبی شهرهای در معرض تنش، بهبود چندانی نیافته است و کماکان ۳۳۴ شهر در معرض تنش آبی هستند و ۲۱ استان کشور بارندگیهای منفی را نسبت به سال گذشته تجربه می‌کنند.

- ورودی و خروجی آب از سدها نیز متاثر از افت نزولات جوی با کاهش های محسوسی مواجه شده اند به طوری که ورودی به این سازه های آبی ۳۳ درصد و خروجی از آن ها نیز نسبت به سال گذشته ۲۷ درصد افت داشته و هم اکنون به طور میانگین ۴۳ مخازن سدهای یاد شده دارای منابع آبی است

- در حال حاضر حجم ذخیره کنونی آب در سدهای پنج گانه استان تهران (لار، طالقان، امیرکبیر، لتیان و ماملو) به ۶۹۹ میلیون مترمکعب رسیده و در شرایط فعلی ۶۳ درصد مخازن این سدها خالی است.

- میزان آب های تجدیدپذیر ایران از ۱۳۲ میلیارد متر مکعب به ۱۱۶ میلیارد متر مکعب کاهش یافته، حتی در پنج سال اخیر میزان آب تجدیدپذیر به زیر ۱۰۰ میلیارد مترمکعب رسیده که نشان دهنده وضعیت نامساعد آبی کشور است.

- در حال حاضر از ۶۰۹ دشت یا آبخوان کشور، حدود ۳۸۱ دشت در مرحله ممنوعه و قرمز قرار دارند و دیگر قابلیت برداشت آب ندارند.»

خبرگزاری حکومتی مهر در روز دوشنبه ۱۲ شهریور حرفهای مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان را منتشر کرد. به گفته این کارگزار حکومت «سرزمینی که روزگاری رودهای پرآب داشت به دلیل سیاستهای اشتباه گذشته، اکنون با مشکل تامین آب به خصوص در روستاها مواجه شده است. طبق مستندات موجود ۷۰۰ روستای خوزستان در تامین آب پایدار مشکل دارند و از این تعداد ۳۷۰ روستا با تانکر آبرسانی می شوند.

در کنار این مشکلات، پوسیدگی نزدیک به ۷۰ درصد خطوط انتقال و توزیع آب مزید بر مشکلات شده است. یکی از مشکلات ما عدم تامین اعتبار برای اصلاح، بازسازی، تعمیر و نگهداری خطوط انتقال و شبکه های توزیع است.»

ایرنا، خبرگزاری رسمی دولت در روز چهارشنبه ۱۴ شهریور از قول معاون حفاظت و بهره برداری شرکت آب منطقه ای اصفهان «میزان ذخیره آب پشت سد زاینده رود را ۱۹۷ میلیون مترمکعب اعلام کرد که این میزان نسبت به حجم ذخیره شده در بلند مدت بیش از ۶۰۰ میلیون متر مکعب کاهش داشته است.» سد زاینده رود در سال ۱۳۴۹ با ظرفیت ۴.۱ میلیارد متر مکعب آب به بهره برداری رسید. بسیاری از مردم بر این اعتقادند که؛ زاینده رود خشک نشد، آن را خشکاندند. رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی با اشاره به آخرین وضعیت کشور به لحاظ خشکسالی گفت: براساس شاخص ۱۰ ساله (SPE، بارش، دما و تبخیر)، ۱.۹۸ درصد مساحت کشور دچار درجات مختلف خشکسالی است و در این بازه زمانی، تنها ۶.۱ درصد مساحت کشور در وضعیت نرمال و سه دهم درصد مساحت ایران در شرایط ترسالی قرار دارد.» (ایسنا، چهارشنبه ۱۴ شهریور)



در همین روز ایرنا طی گزارشی از خشک شدن تالاب کجی نهبندان گزارشی منتشر کرد. بر اساس این گزارش «تالاب "کجی نمکزار نهبندان" از چشم اندازهای زیبای استان خراسان جنوبی است که همه ساله پس از آبیگری در فصل بهار زیستگاه پرندگان مهاجر می شود اما امسال به دلیل کمبود بارندگی آبیگری نشده و همچنان خشک است.»

رئیس سازمان محیط زیست روز پنجشنبه ۲۲ شهریور در گردهمایی مدیران و کارشناسان روابط عمومی استانهای

این سازمان گفت: «در ۶۰۰ نقطه زاگرس، جنگلها در حال سوختن است. .. آب را از محیط زیست گرفته ایم. وقتی همه مراتع را شخم زدیم و گندم کاشتیم زمین را آماده فرسایش کردیم و باد و باران، خاک را از بین برد. دامی که برای خودکفایی گوشت پرورش دادیم و به مراتع فرستادیم، پوشش گیاهی را نابود کرد. جنگلهای زاگرس ۴۰ سال است که ضعیف شده‌اند و فرسودگی باعث شده حتی میکرو ارگانیس‌مهایی که جنگل با آنها همزیست بوده، اکنون باعث بیماری درختان و خشکی شده که زمینه آتش سوزی را فراهم می کند. ... آب‌های فسیلی میلیونها ساله را تمام کردیم، این تولید و توسعه نیست. این‌ها محیط زیست را از بین می‌برند. مس سرچشمه سالهاست که ترکیبات سولفوری تولید می کند و تا کیلومترها دورتر، دامها جنین مرده به دنیا می آورند.» (راديو زمانه)

روز یکشنبه ۲۵ شهریور، ایلنا از قول منابع وزارت نیرو اعلام کرد که «۹۵ سد بزرگ کشور از جمله سدهای زاینده‌رود، ملاصدرا، سفیدرود و دوستی کمتر از ۴۰ درصد آب ذخیره شده دارند.»

آتش سوزی جنگلها، بی آبی را تشدید می کند

وجود جنگلها یکی از پارامترهای موثر برای بهبود وضعیت آب و محیط زیست است. در تخریب جنگلهای ایران سپاه پاسداران بیشترین سهم را دارد.



روز شنبه ۳ شهریور، بر اثر توپ باران سپاه پاسداران و آتش گرفتن جنگلهای مریوان و انفجار یک توپ عمل نکرده، ۴ تن از جوانان مریوان، زنده یادان شریف باجور، امید کهنه پوشی (حسین زاده)، رحمت حکیمی نیا و محمد پژوهی جان باختند. شریف باجور از فعالان محبوب محیط زیست و امید حسین زاده و دو کارمند جنگلبانی در حین خاموش کردن آتش جان خود را از دست دادند. مراسم تشییع جنازه چهار شهروند مریوانی ساعت ۱۰ روز یکشنبه ۴ شهریور به یک حرکت اعتراضی گسترده تبدیل شد.

جنازه های شریف باجور و امید کهنه پوشی از بیمارستان با شعار نان، کار، آزادی بسوی مسجد مشایعت شد. در این مراسم بیانیه فعالان کارگری پیرامون «شهیدان جنگل» قرائت شد. هزاران تن از مردم کردستان در مراسم تشییع پیکر چهار فعال محیط زیست شعار دادند: «دشمن خیالش خام است، هزاران شهید مانده اند، شهید جاودان است»، «شهید نمی میرد» و ...

در رویدادی دیگر، روز جمعه ۲ شهریور، مردم مریوان در اعتراض به عدم جمع آوری زباله ها در سطح شهر زباله ها را به وسط شهر منتقل کرده و به آتش کشیدند.

مردم معترض مریوان در اعتراض به فساد شهرداری و عدم جمع آوری زباله ها به سمت چهار راه شبرنگ حرکت کردند و در حالی که زباله های خود را در دست گرفته بودند این زباله ها را در چهارراه شبرنگ جمع آوری کرده و به آتش کشیدند.

روز پنجشنبه ۱۵ شهریور، رییس اداره منابع طبیعی مهاباد در جلسه ستاد بحران این شهر گفت: «۱۲۲ هکتار مرتع در مهاباد دچار آتش سوزی شده است». (ایرنا) بنا به همین گزارش در سال گذشته نیز بیش از ۶۰ هکتار از مراتع شهرستان مهاباد دچار آتش سوزی شده بود.

جنبش تشنگان

*به گزارش ایران آزادی و بر اساس ویدئوی منتشر شده در شبکه های اجتماعی روز پنجشنبه اول شهریور ۹۷ جمعی از مردم روستای گرک هُرک Karak Harak از توابع قصرشیرین در اعتراض به نداشتن آب آشامیدنی که مدت هفت روز است قطع است جلوی فرمانداری قصرشیرین تجمع کردند.

*به گزارش هرا، روز دوشنبه ۵ شهریور، مردم روستای جفیر در اعتراض به قطع آب تجمع کرده و جاده منتهی به شرکتهای نفتی در این منطقه را مسدود کردند. در اطراف این روستا چندین شرکت نفت و گاز وجود دارد. مردم این روستا می گویند از وعده های مسئولان استان و شهرستان خود مأیوس شده و اگر وضعیت این گونه ادامه یابد از ورود کارمندان و کارگران به این شرکتهای جلوگیری می شود.

جفیر روستایی است از توابع شهر حویزه شهرستان دشت آزادگان (دست میسان) می باشد. روستای جفیر در ۵۰ کیلومتری غرب اهواز قرار دارد و در اطراف این روستا یک یدان بزرگ نفتی وجود دارد که ذخیره این میدان با ۱.۲ میلیارد بشکه برآورد شده است. میزان تولید نفت خام آن، معادل ۵۰ هزار بشکه در روز است. زمینهای این روستائیان علاوه بر نفت دارای مخازن گازی بوده، که تولید گاز طبیعی آن معادل ۳.۶ میلیون فوت مکعب در روز است، اما با وجود این ثروت روستائیان این منطقه از حقوق اولیه خود محروم هستند.

*به گزارش آسو نیوز، روز دو شنبه ۱۲ شهریور، جمعی از مردم روستای بی بیانی از توابع دشت ذهاب شهرستان سرپل ذهاب در اعتراض به بحران بی آب در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند. مردم زلزله زده مناطق کرمانشاه و ایلام علاوه بر مشکلات ناشی از نبود سرپناه استاندارد در فصول گرم و سرد سال، با مشکلاتی چون نبود آب آشامیدنی سالم و کمبود برق روبه هستند.

*روز دوشنبه ۱۲ شهریور، مردم در شهر کلمه در دشتستان (استان فارس)، در اعتراض به کم آبی شدید دست به تجمع زدند و مسیر جاده را با سنگهای بزرگ و آتش زدن لاستیک بستند.

*بنا به گزارشهای ویدئویی منتشر شده در شبکه های اجتماعی روز آدینه ۱۶ شهریور، فعالان جامعه مدنی به تخریب باغستان سنتی قزوین با قدمت هزارساله از طریق پل سازههای طبقاتی درون شهری توسط قرارگاه خاتم الانبیا که تهدید بزرگی برای سلامت شهر قزوین است، دست به تجمع اعتراضی زدند.



*بنا به گزارشهای ویدئویی منتشر شده در شبکه های اجتماعی روز دوشنبه ۲۶ شهریور، مردم رودبار کوهنانی در اعتراض به بی آبی و مشکلات مربوط به جاده منتهی به این روستا، مقابل درب فرمانداری کوهدشت تجمع کردند.

*به گزارش کانال تلگرام نه به زندان، نه به اعدام، روز عاشورای حسینی؛ روز پنجشنبه ۲۹ شهریور،

در مراسم عاشورا، جمعی از مردم لردگان در اعتراض به بی آبی و خشک شدن مزارع و زمینهای شان جاده ترانزیتی لردگان - اهواز را بستند. آنان وسط جاده ایستاده و با بلندگو نوحه می خواندند که:

کربلا همین جاست ما آب نداریم

نینوا همین جاست ما آب نداریم

برای یک قطره آب جان می سپاریم

اعتصاب سراسری در شهرهای کردستان ایران

با فراخوان حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان، حزب کومله کردستان ایران، کومله زحمتکشان کردستان و سازمان خبات کردستان ایران، روز چهارشنبه ۲۱ شهریور، بازاریان و کسبه شهرهای مهاباد، بوکان، قروه، سنندج، اشنویه، کامیاران، کرمانشاه، دیواندره، سقز، مریوان، ارومیه، سروآباد، سردشت، پاوه، نقده، جوانرود، سرپل ذهاب، دهگلان، پیرانشهر، بانه، گوگ تپه و قصرشیرین در اعتراض به اعدام زنده یادان رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی و حمله به پایگاههای حزب دموکرات کردستان و حزب دموکرات کردستان ایران به طور متحد اعتصاب کردند.

در واکنش به اعتصاب گسرنده در شهرهای کردستان، نیروهای امنیتی رژیم برخی از فعالان اجتماعی همچون خالد گجنی و رشید ناصرزاده، سوران دانشور، آرام فتحی، مسلم بهرامی، مختار زارعی، خالد حسینی و مظفر صالح نیا را در شهرهای اشنویه، سنندج و مریوان بازداشت کردند.

در جریان این جنبش گسترده، خانواده زنده یاد رامین حسین پناهی اعلام کردند:

امروز خوشحالیم. ما پیروز شدیم. چه افتخار بزرگیست پسرمان برای آزادی مردم کردستان اعدام شد. سپاسگزاریم رامین های کردستان، امروز جواب خون ب ۵ ناحق ریخت ۵ ی بچ ۵ های ما را دادید.



پیام زندانیان سیاسی زن در زندان اوین به مناسبت اعدام سه زندانی سیاسی



یارای یافتن واژه ای نیست درخور بیان این حجم از سنگینی اندوه.

فرزندان غیور کشورمان آنچه میراث گذشته اند بردباریست و آزادگی و استقامت.

نامشان بر تارک آزادیخواهان ثبت است و شیوه مقاومت شان الفبایی است برای پویندگان راه آزادی.

آرزومند آرامش هستیم برای بازماندگان زانیار مرادی و لقمان مرادی و رامین حسین پناهی و همبندیان این عزیزان و هم چنین همه دردمندان سرزمینمان.

هم وزنندان اندوه به سینه داریم و در کنارتان ایستاده ایم.



نرگس محمدی، نسرين ستوده، گلرخ ابراهیمی ایرایی، مریم اکبری منفرد، آتنادائمی، آریتا رفیع زاده و نگین قدمیان
بند زنان زندان اوین

نامه جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج

واقعه شنبه ۱۷ شهریور بود. از روز چهارشنبه [۱۴ شهریور] بلافاصله بعد از ملاقاتها تمام تلفنهای زندان، کلیه بندها، قطع و تمام تردها حتی به بهداری به بهانه های مختلف کنسل شده بود. ابتدا زانیار و سپس لقمان را به اسم مدیریت صدا زدند. تا این جا چندان غیرعادی نبود. حتی ممنوعیت هواخوری بندهای مجاور که همیشه سر و صدای شان را می شنیدیم و حال نمی شنیدیم را هم غیر عادی تلقی نمی کردیم. تا ساعت سه و چهار بعد از ظهر که زانیار و لقمان هنوز بر نگشته بودند، تاخیر چندان غیرعادی نبود. ولی از ساعت چهار و نیم به بعد نگرانیها شروع شد و همه موارد بالا در کنار هم واقعه شومی را خبر می داد.

داستان برخورد کامیون با کابلهای تلفنی زندان، که نگهبانها می گفتند، قبلاً هم در زندان با جنایاتی همراه بوده، و این خود نگرانیها را افزایش می داد. تنها امیدواریمان این بود که پرونده آنها نقص خورده بود و تازه برای تعیین شعبه به دادستانی سندیج رفته است. یعنی عملاً تعیین تکلیف نشده، غافل از این که مار به دوشان حاکم برای بقای شان مغز جوانان دیگری را می خواستند. و دادگاه و قضاییه ضحاکیان که ماده و قانون و آیین دادرسی نمی شناسند...!!!

داستان کشتار و قتل عام زندانیان در مرحله پایانی همه دیکتاتورها همیشه قابل پیش بینی و در تقدیر بوده و هست. و وای بر مردمی که از کشتار هم نوعان شان بترسند و عقب بکشند. آن جاست که جنایتکاران را بر جنایتهای شان مصمم تر کرده اند و آدرس سرکوب و جنایت بیشتر را داده اند و خوشا به حال مردمانی که جوانان و فرزندان شان مثل زانیار، لقمان و رامین، در اوج عشق به زندگی، سرفرازانه «بر سر دار شدن» را می پذیرند تا ریشه های این چوبهای دار را که بر فراز آسمان خلقمان برافراشته اند را برکنند...!!!

و ما زندانیان و هم بندیان آنها کمربندها را محکم کرده و آماده موج بعدی و شاید آخرین اعدامها در مرحله پایانی هستیم و چه افتخاری بالابلندتر از این که ما آخرین اعدامیها بوده و پس از ما دیگر هرگز جوانانمان با چوبه های دار مواجه نخواهند بود...!!!

و آیا برای همه دنیا همین یک دلیل، در میان انبوه دلایل، کافی نیست که وقتی پاک ترین جوانان این سرزمین، امثال زانیار و لقمان و رامین و... به ریسمانهای مرگ سپرده می شوند، معنایش این است که این نظام به هیچ ترتیبی قابل اصلاح نیست...!!!

و هم از این رو همه کسانی که دستی در ایجاد این توهم داشته اند و از «وضع بدتر» می ترسانده اند، باید بگویند منظورشان کدام وضع بدتر است؟؟؟

ما هم بندیان این سه شهید سربه دار و سرافراز ضمن محکوم کردن این جنایت و آرزوی صبر و بردباری برای خانواده و عزیزان شان معتقدیم که خون آنها راهگشای طلوع آزادی و عدالت و برابری برای خلق در زنجیرمان خواهد بود.

زندانیان سیاسی گوهردشت کرج

آرش صادقی، ابراهیم فیروزی، پیام شکیبا، پیروز منصوری، سعید شیرزاد، سعید ماسوری، جواد فولادوند، حسن صادقی،

مجید اسدی، محمد بنازاده امیرخیزی

چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۷

نامه آتنا دائمی در رثای سه زندانی سیاسی اعدام شده

عزیزان مان را کشتند و با افتخار می گویند عدالت را اجرا کردند، عدالتی با نمادی از فرشته ای با دو کفه ترازو در دست. ولی در حقیقت مردیست عمامه به سر با جای مهر سوخته بر پیشانی و چشم بندی بر چشم و کوری مفرط، در یک دستش تسبیح و در دست دیگر با طناب دار ترازویی را نگه داشته با کفه هایی چنان نابرابر که یکی در آسمانها سیر می کند و دیگری به قدری با جنازه هایش سنگین است که در اعماق زمین مدفون شده است. از عدالتی دم می زنند که چهل سال است حتی رگه ای از آن ندیده ایم و نشنیده ایم!

در این اوضاع آشفته اقتصادی و فقر و بیکاری تمام معضلات کشور با قتل این سه عزیز ما برطرف شد؟! کشتن سه تن از جوانان کشورمان آیا دردی از دردهای مردم ایران کم کرد؟!

عالیجنابان به کجا چنین شتابان؟ بدون ابلاغ قبلی و با دروغ عزیزان مان را به قتلگاه بردید، اجازه ندادید در اندک زمان باقی مانده از عمرشان در آرامش باشند، تشنه و گرسنه راه نفس شان را بستید ولی حتما تا اعماق وجودتان سوخت که در تمام این سالها حتی لحظه ای آنها را متزلزل ندیدید، حتما به حال شان افسوس خوردید که چه ثابت قدم و استوار و بی آنکه سر خم کنند برای آرمانهای شان جان دادند و چه وقیحانه جان دادن عزیزان ما را نگرستید! حتماً آتش گرفتید که آنها را به خاطر فعالیت‌های اعضای خانواده شان به اسارت گرفتید و به آنها اتهام تروریست نسبت دادید، اما برای ما چیزی جز نماد دموکراسی نبودند.

۹ سال در زندان با انواع و اقسام تفکرات و عقاید رفاقت کردند و محبوب هم بندیان شان بودند، محبوب ما، محبوب ایران! هر سال قبل از شروع ماه محرم و صفر با چنین اعمال وحشیانه ای خود را برای عزاداری آماده می کنید! عرق می خورید و مست می کنید و با هفت تیری بر کمر نوحه سر می دهید و ضجه می زنید که یزید، حسین تشنه را سربرید و... چه تضادی و چه تناقض منفوری! شما یزیدیان ۴۰ سال است که تیر خلاص می زنید و طناب دار را بر گلوهای راسخ محکم می بندید و چهار پایه حیات را از زیر پای جوانان راست قامت و صبور ما می کشید، جنگ شیعه و سنی راه می اندازید و بعد برای حسین با میلیاردها پول در جیب به دروغ ضجه می زنید؟!

حتما می دانید که با این اعمال وحشیانه خود را منفرتر از پیش و در واقع خود را می کشید، امروز هم شما گور خود را عمیق تر کردید، زانیار و لقمان و رامین را نکشتید، بلکه آنها را در دل‌های ما عزیزتر و دنیا را عزادار کردید، عزای حقیقی برای حسینها و زینبهای زمانه!

حیثیت ما را در دنیا برده اید، به خاطر مشتی جاه طلب و قدرت پرست و گرسنگان سیری ناپذیر از جان آدمی، یک ایران را تروریست می دانند، تا به کی و کجا می خواهید چنین بتازید؟! زهی خیال باطل اگر توهم می زنید که شما جنگ را به مردم تحمیل می کنید، آنها باز هم خواهند جنگید! ماشین آدم کشی تان را متوقف کنید، پوتینهای سربی تان را از گلوی مردم ایران و خطه کردستان بردارید!

چنان تاج و تخت پادشاهی و قدرت را محکم چسبیده اید و می تازید که هرگز گمان نمی کنید ممکن است در لجن غلتیدن تان به ثانیه ای بند باشد، در طول تاریخ بسیاری چنین می پنداشتند اما در نهایت در چاه فاضلاب و با لباسهای مبدل آنها را یافتند و به سزای اعمال شان رساندند.

ایران آتش زیر خاکستر است، این آتش را شعله ور نکنید.

خطاب به خانواده های صبور مرادی و حسین پناهی این شهادت را تبریک می گوئیم.

آتنا دائمی

بند زنان زندان اوین / ۱۷ شهریور ۱۳۹۷"

پیام شعله پاکروان به مادران سه زندانی سیاسی اعدام شده



لهیب قلبهای گر گرفته تان با هیچ آبی سرد نمی شود، می دانم.
 آغوش خالی از زانیار و رامین و لقمان تان تا ابد سرد و یخ کرده خواهد بود، می دانم. اشکهایتان، قطره قطره قطره، سیل خواهد شد، می دانم.
 ناله هایتان، لحظه لحظه لحظه، فریاد خواهد شد، می دانم.
 خشمتان، مشت مشت مشت، ضربه خواهد شد، می دانم.
 چه کنم برایتان؟ نمی دانم.
 چگونه شرمساری از ناتوانی ام برای درد بی پایانتان را درمان کنم؟ نمی دانم.
 به آتش دلمان،
 به درد و حسرت اعدام فرزندانمان،
 به سیل اشکمان،
 به های های گریه های بی امانمان،
 به مشت های گره کرده مان برای خصم جوانکش،
 سوگند که هرگز یاد عزیزانمان را فراموش نخواهیم کرد.
 زانیار و رامین و لقمان، در قلب مادران سینه سوخته، زنده و جاویدند. می دانم.
 کینه از حکومت اعدام در قلبمان آبیاری می شود با خون فرزندان ایران. می دانم.
 در کنارتان سوگواری و عزادارم. می دانید.
 باز هم دندان خشم خود را در جگر خون شده مان فرو می کنیم، تا روزی که محکمه ها ساخته شود برای دادخواهی
 هزاران زانیار و رامین و لقمان که در طول چهل سال اخیر اعدام شدند.
 خواهر غمگین و گریان و پر از خشم شما
 شعله پاکروان مادر ریحانه جباری/ شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۷

مرگی که آغاز خشم کودکان است در رثای رامین حسین پناهی، لقمان و زانیار مرادی

گلرخ ایرایی

ریسمانها کشیده شد، حلقه ها سرها را بلعید، چارپایه بر زمین غلتید، پوتین به عقب برگشت و ... گردنها شکسته شد. یک دقیقه گذشت، همه چیز تمام شد، تنها تکان بریده ای در پاها، که نای نگه داشتن دمپایی کهنه را نداشت، تکانی دیگر ... ، تکانی دیگر ... و مرگ، مرگی که پایان نبود، مرگی که آغاز خشم کودکان است.

زانیار مرادی، لقمان مرادی و رامین حسین پناهی، مبارزان راه آزادی، جاودانهای مقاومت و آموزگاران صبر و استقامت، بی کمترین کرنشی، آزادمردانه درس ایستادگی دادند و با حضور دلاورانه شان در حالی که در اعتراض به برخوردهای وحشیانه ماموران رژیم، لب بر غذا بسته بودند به دار آویخته شدند.



پیام زندانی سیاسی سهیل عربی به مناسبت اعدام جنایتکارانه رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی

جلادان شب پرست سرانجام رامین و زانیار و لقمان این فرزندان قهرمان کردستان را از مادر و پدر و مردم شان گرفتند و جز ننگ و نفرین ابدی برای خود بدست نیاوردند.

با تسلیت به مادران و پدران داغدیده رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی

فریاد می زنم

قسم به اشکهای مادرم

قسم به اشکهای مادرانتان

قسم به تک تک روزهایی که حبس کشیدید

قسم به عدالت

قسم به برابری

که انتقامتان را می گیریمسهیل عربی

هر صبح و شام به غارت طوفان روند و باز ، باز آخرین شقایق این باغ نیستند

شاهین ذوقی تبار

هنوز اشک در چشمانم هست و در شوک خبر شهادت لقمان و زانیار و رامین هستم. درست مثل روزهایی که شاهرخ زمانی عزیز از بین ما رفت. این روزها هم سخت میگذره... یاد تمام خاطرات بند می افتم و ناخواسته اشک از چشمانم جاری می شود و هنوز باور نمی کنم که دیگه نمی توانم ببینم شان. نه، نه! ، چرا به خوبی میبینم شان، در عزم و رزم همه جوانانی که اراده کرده اند که به قیام برخیزند و تا به آخر بایستند رژیم ضحاک زمانه بار دیگر درحالی که از نظر بین المللی بیش از هر زمان دیگری تحت فشار هست و بعد از قیامهای دی ماه ۹۶ و مرداد ۹۷، در ترس از اوج گیری دگرباره قیام مردم که بزودی در پیش است و در هراس از سرنگونی برای ارباب در جامعه علیه مردم و جوانان میهن دیوانه وار دست به کشتار و اعدام زده و مادرانی را عزادار کرده، این بار نوبت زانیار و لقمان و رامین عزیز رسید... ولی رژیم آرزوی توقف قیام را به گور خواهد برد. قطعاً هزاران لقمان و زانیار و رامین در قیامی رادیکالتر متولد خواهند شد.

شهادت زانیار و لقمان و رامین با مقاومت شان، مبارک خلقی باشد که برای تغییر و دگرگونی و آزادی بهترین جوانانش را داده و می دهد... ایس صبح بالقرب

شاهین ذوقی تبار همبندی سابق زانیار و لقمان مرادی، تهران - شهریور ۱۳۹۷



حلقه ی عشق و شورشگری

سعید ماسوری

در زندان هم سلولی و هم بندی یعنی عزیزترین عزیزان. یعنی کسی که بیشتر از هر کس یک زندانی بدان محتاج است. یعنی بی کسی که هم ساعات روز و چه بسا جزئیات زندگی ات را با او سهیم می شوی و وقتی از سه فرزند، سه دوست، و سه برادر مثل زانیار، لقمان و رامین صحبت می کنم، به ویژه لقمان و زانیار که ۱۰ سال را با آنها بوده ام، در غم و شادی، دادگاه و انفرادی، اضطراب و دلهره، کمبود و بحران، در همه ی شرایط زندان، و حال در فقدان آنها طی این چند روزه آن چنان فضای زندان سنگین و هوای سلولها خفقان آور شده که از صدای هس هس نفس کشیدن خودم هم متنفر می شوم. وقتی صدای قهقهه ی خنده ی زانیار را دیگر نمی شنوم، شوخیهای لقمان را در هر تردش توی راهرو دیگر نمی بینم، وقتی شب می شود و دیگر نمی توانم به سلولهای زانیار و لقمان سری بزنم و به خوردنیهای آنها ناخنک بزنم، و خدایا! وقتی هنوز دمپاییهای زانیار و لقمان جلوی سلول شان است ولی آنها دیگر آن جا نیستند، نه آنها، که گویی این منم که در زیر خروارها خاک مدفون می شوم.

ای کاش می توانستم قلبم را که به بزرگی چهل سال ستم و بی داد بر سینه ام سنگینی می کند، به یک باره برمی کندم و خون رگانم را قطره قطره می گریستم تا شاید قدری تسکین یابم و به تمام دنیا نشان می دادم که چگونه بهترین جوانان و عزیزانمان را به مسلخ می برند و بی رحمانه سلاخی می کنند و با چشمان بی روح و شیطانی شان به تماشای تاب خوردن اجساد بی جان شان می نشینند و آن را نمایش اقتدار نظام شان می خوانند و نعره می کشند که دوران بزن دررو تمام شده - یکی بزنند، ده تا می خورند - و با این فرمول وقتی یک ضربه از مردم غارت شده و به جان آمده در قالب یک اعتراض و

اعتصاب دریافت می کنند، فورا ده تن از زندانیان اسیر را برای انتقام و ارعاب به دار می کشند و آنها را قاتل و جانی و مزدور می خوانند؛ ولی مردم ما فرزندان برومند خود را با ندای قلب شان باز می شناسند.

راستی اگر این سه جوان و مردان و زنانی از این دست با خون خود شب تیرگیها را نمی شکافتند و یا اگر نبودند جوانان و مبارزانی -از زن و مرد- که طلسم این اقتدار جنایت کارانه را بشکنند، -هرچند به قیمت خون خود- ستم و بی داد بی تردید جاودانه می گشت و گمان بر این می شد که آزادی، عدالت و حقوق بشر را تنها باید زیر عبا و دم آخوند خاتمی و روحانی و امثالهم برای مردمان جست و جو کنیم و از ما و مردمان کاری بر نمی آید...!!!

بیچاره کوردلان در توهم جاودانگی نمی دانند که حلقه ی کبود به جای مانده بر گردنهای ستبرشان، حلقه ی عشق است به مردم شان و همچون حلقه ی خاری است بر سر عیسی مسیح...!!!

و همین حلقه ی کبود است که کانون حلقه های دیگر طغیان و شورش می گردد برای همه ی آزادی خواهان بر علیه همه ی انواع ستم و بی دادگری

سعید ماسوری / زندان گوهردشت کرج / ۲۱ شهریور ۱۳۹۷



جوانان این خاک را به نام تروریست به پای چوبه دار می کشند

مریم اکبری منفرد

امروز یک هفته از آن روز می گذرد، ۱۷ شهریور ۹۷؛ ماه خون در تاریخ ایران؛ ۱۷ شهریور ۵۷، ۱۷ شهریور ۶۰



همه نگران هستند، قلب بچه ها با بالاترین شدت می تپد. خبرها ضد و نقیض است. یکی می گوید حکم متوقف شده است و به خانواده ها گفته اند حکم اجرا نمی شود. دیگری می گوید دیروز ملاقات آخر بود و خلاصه اخبار ساعت ۲۰؛ لحظه صحبت های رئیس دولت تدبیر و امید!!! به این فکر می کنم چه واژه قشنگی "امید"! آمده بود با کلید طلایی خود امیدها به جان تزریق کند. نزدیک انتخابات همچون سلف خود روی موج احساسات

و عواطف مردم سوار شد و هنوز جوهر انگشتها خشک نشده، رنگ عوض کرد. تف بر او که بالاترین اعدام و سرکوب بعد از دهه ۶۰، در دولت او وجود دارد.

زیر نویس خبر، خبرها را اعلام می کند. همه نگاهها روی صفحه تلویزیون دوخته شده و گوشها به صدای تلویزیون تیز شده بود که خبر چطور اعلام می شود. نهایت اخبار ۲۰:۳۰ خبر را اعلام کرد. "سه تروریست"...! بله ۴۰ سال است جوانان این خاک را به نام تروریست و خرابکار پای چوبه های دار و جوخه آتش می کشند و شکنجه و زندانی می کنند و بعد با وقاحت یک پوشش خبری دروغ برایش درست می کنند. ارا به های سرکوب و شکنجه و زندان حاکمیت اسلامی ۴۰ سال است با سرعت تمام در حال حرکت است. اینک قصدم بازگو کردن جنایات رژیم نیست. چرا که بر همگان روشن و محرز شده قساوت و رذالت این حاکمیت. خبرهای تسلیت و همدردی بسیار است، شاید اکنون برای نگارش دیر باشد ولی در این مدت هر چه سعی کردم نتوانستم افکارم را منسجم کنم تا چند سطری برای مادران و خواهران این سه عزیز؛ زانیار و لقمان مرادی، رامین حسین پناهی بنویسم.



مادران و خواهرانم! درد دلتان آشناست و جگر سوخته تان که یخهای قطب را یارای خنکای آن نیست برایم ملموس است. نجوای لالاییهای گرم‌تان که در خطوط پیکرتان، در نعره‌های دوردست سردرگم گشته را می‌شناسم. دیری است که می‌چشم رنجاب تلخ شقایقها را، پرغرور و شعله‌ور برگی دیگر از تاریخ آزادی ایران را ورق می‌زنید. به پاس تعبیر عظیم و انسانی از کلمه مادر، به پاس محبت‌های بی‌دریغتان که فروکش نمی‌کند. نامتان دمی است که بر پیشانی آسمان می‌گذرد. چهره‌های آشنایتان، نگاه‌های مهربانتان که چون قاصدی زندگی و عشق و ماندن و مقاومت را نوید می‌دهد. وقتی از شعله ظلم گونه‌هایتان می‌سوزد، با سرمای زخم‌های خود آتش سوزان گونه‌هایتان را فرو می‌نشانم.

از نگفته‌ها پرّم. عقده‌های اشک‌های من درد پُری و درد سرشاری از ظلم است ولی کنون زمان گریستن نیست. باید خاکستر فریادمان را بر همه جا بپاشیم. از پس دیوارهای سنگی و سرد زندان بر قلب پر آتشتان تکیه می‌زنم. دلم مالمال آتش است ولی سرزندگی این آتش را در گلوی خود احساس می‌کنم. اشکها و سوزهایتان را بر روی دوشم قرار می‌دهم تا سنگینی بار مسئولیت‌م را همیشه با خود داشته باشم.

مادران من، خواهرانم! با دردهایتان بیایید تا با هم دردهایمان را بر روی قلب زخمی جنبش دادخواهی بتکانیم. خفاش شب از جای خود تکان نمی‌خورد مگر تکانش دهیم. آن هم به کمک و یاری یکدیگر دست‌های سردم را در دستان گرم‌تان بگیرید برای دادخواهی عزیزانمان به جنبش دادخواهی بپیوندیم. تا آمران و عاملان این جنایت هولناک را به دادگاه خلق بکشانیم.

مریم اکبری منفرد

زندان اوین، شهریور ۹۷

فمینیسم ۹۹ درصدیها

جریان رسمی فمینیسم هر گونه تفکر فراگیرتر و جامع تر از آنچه که برابری جنسیتی یا برابری اجتماعی به طور کلی معنی می دهد را کنار گذاشته است. به جای آن به نظر می رسد در واقع فقط روی شایسته سالاری تمرکز کرده به این معنا که فقط خواهان کنار زدن سدهایی است که بر سر راه ورود زنان "بااستعداد" به مدارج عالی در شرکتها و سلسله مراتب نظامی قرار گرفته.

طبقه علیه طبقه

برگردان: بابک

"نانسی فریزر" (Nancy Fraser) پرفسور فلسفه و علوم سیاسی در "مکتب جدید تحقیقات سیاسی" (New School for Social Research) در نیویورک است. او در تحقیقات آکادمیک خود از جمله به فلسفه سیاسی، علوم اجتماعی، تئوری نقد، نقد سرمایه داری، فمینیسم و سیاست هویت می پردازد.



فریزر در کارهای خود رویکردی انتقادی به آنچه دارد که "فمینیسم نو- لیبرالی" می نامد و آن را مددکار در نقاب زنی و توجیه دموکراسی امپریالیستی می داند. به گفته او، فمینیسم نولیبرالی از نقد مناسبات بین پدرسالاری و سرمایه داری چشم پوشی می کند و بنیاد برنامه ایش بر یک سری خواسته های زنان طبقه متوسط و برای آنها خلاصه می شود. عالی ترین شکل این پدیده، نامزدی هیلاری کلینتون بود که از دونالد ترامپ شکست خورد.

"صدای چپ" (Left Voice)، بخشی از شبکه "چپ روزانه" (La Izquierda Diario)، با نانسی فریزر در نیویورک در باره بحثهای حاضر پیرامون ریاست جمهوری ترامپ و چالشهایی که در برابر جنبشهای اجتماعی، چپها و به ویژه جنبش زنان و جنبش فمینیستی قرار دارد، گفتگو کرد:

فمینیسم ۹۹ درصدیها چیست؟

در یک سطح، نوعی از واکنش به خطی است که فمینیسم، به ویژه در ایالات متحده پی می گیرد. اما آنگونه که من می بینم، این خط فقط در آمریکا نیست که یک رابطه خطرناک با نولیبرالیسم برقرار کرده است. گرایش اصلی فمینیسم در آمریکا به یک فمینیسم کارفرمایی تبدیل شده، به فمینیسمی که فقط به "سقف شیشه ای" (شانس نابرابر ارتقای شغلی در نهادهای اجتماعی) را مورد حمله قرار می دهد و زنان را فرامی خواند برای کسب پستهای عالی در شرکتها تلاش کنند. جریان رسمی فمینیسم هر گونه تفکر فراگیرتر و جامع تر از آنچه که برابری جنسیتی یا برابری اجتماعی به طور کلی معنی می دهد را کنار گذاشته است. به جای آن به نظر می رسد در واقع فقط روی چیزی تمرکز کرده که من آن را "شایسته سالاری" (Meritokratie) می نامم، به این معنا که فقط سدهایی کنار زده شوند که بر سر راه ورود زنان "بااستعداد" به مدارج عالی در شرکتها و سلسله مراتب نظامی قرار گرفته اند. نوعی از فمینیسم که من همیشه از آن

حمایت کرده ام - و باید بگویم که از این نظر دهه شصتی هستم - فمینیسمی است که می‌کوشد هیرارشی اقتصادی را به طور کامل حذف کند و نه فقط تامین کننده امکان ارتقای شغلی بخش کوچکی از زنان باشد.

اما ۲۰ سال پیش فمینیسم چرخشی نولیبرالیستی کرد. برای من این مساله در ردیف یک حادثه منفرد و وحشتناک مانند انتخاب دونالد ترامپ نیست (اگرچه این انتخاب به راستی بد است). به گمان من زیر نوک کوه یخ، مجموعه بزرگتری از شرایط قرار گرفته که با زاویه های ساختاری جامعه ما مرتبط است و از سوی بخش بزرگی از گرایشهای فمینیستی نادیده گرفته شده. این امر در مورد یک گرایش به نسبت کوچک چپ که من به شخصه خود را جزو آن می‌دانم، صدق نمی‌کند، اما ما تاکنون موفق نشده ایم گوش شنوای بیشتری پیدا کنیم. شاید باید سپاسگزار ترامپ باشیم که اینک زمانی رسیده که صداهای رادیکال نیز شنیده می‌شود.

پس از تظاهراتهای بزرگ، برافروخته شدن نیرومند خشم و تمایل به عمل و مقاومت آنگونه که می‌توان آن را در رژه زنان در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۷ دید، چنین می‌نماید که امکان تغییر جهت فمینیسم در آمریکا وجود دارد. من آن را تصحیح جهت می‌نامم در مقابل مقاومت صریح و ساده.

تظاهرات ۲۱ ژانویه عالی بود. انرژی عظیمی موج می‌زد، شمار فوق العاده ای شرکت کننده و ابتکار بسیار، هرچند که باید بگویم از نظر سیاسی کمی ابتدایی بود. تظاهرات رهبری روشنی نداشت و شاید به همین خاطر این تعداد در آن شرکت کردند.

اما همچنان امکان بنای فعالیت زنان با هویت روشن، یک چشم انداز روشن، یک پلاتفرم وجود دارد. من گمان می‌کنم چنین سکویی در چارچوب شرایط موجود حمایت بسیار بیشتری را می‌تواند به دست آورد. افراد بسیاری هستند، پیر و جوان، که برای نخستین بار سیاسی و رادیکالیزه می‌شوند؛ کسانی که در دوره ریاست جمهوری اوباما ساکت بودند. زیرا هیچکس مایل نبود مخالف نخستین ریاست جمهوری سیاه پوست آمریکا باشد و البته او برخی کارها را هم انجام داد که می‌توان آنها را مترقی به حساب آورد، اما فعالیت به رکود کشیده شد. اکنون ولی فرصتهای جدیدی به وجود آمده.

به همین دلیل ما به اعتصاب در ۸ مارس فراخوان دادیم، به مثابه پاسخ ویژه آمریکایی به فراخوان بین المللی که در ۳۰ کشور مورد حمایت قرار گرفت. نظر ما این بود که باید از این فرصت برای ایجاد یک فمینیسم چپ و رادیکال بهره جست. منظور ما از فمینیسم ۹۹ درصدی این بود؛ یک فمینیسم برای همه زنانی که فمینیسم کارفرمایی برای آنها در عمل هیچ دستاوردی نداشته است.

تو از پایان "نولیبرالیسم ترقیخواه" صحبت می‌کنی. این طبقه بندی را از کجا می‌گیری و چرا فکر می‌کنی که ما هم اکنون شاهد آغاز پایان این روند هستیم؟

برای مدتی طولانی فهم دگردیسی گرایشهای حاکم فمینیستی به اشکال کارفرمایی برایم دشوار بود. و همزمان باید بگویم که این دشواری در مورد همه جنبشهای مترقی اجتماعی صادق بود. این دگردیسی فقط مشکل فمینیسم نیست. این همچنین مشکل جنبشهای ضد نژادپرستی است که در ایجاد آن دستگاه سیاسی سیاهان ممتاز - دستکم تا هنگام اعتلای جنبش "زندگی سیاهان به حساب می‌آید" (Black Lives Matter) - شریک بوده است. و نیز در جنبش زیست محیطی هم به گمان ما، یک جناح کارفرمایی و نولیبرالی داریم که سرمایه داری سبز را به جلو می‌راند. در درون جنبش همجنس گرایان هم بخشهایی داریم که خواسته شان ورود همجنس گرایان به ارتش و بخش کارفرمایی است و غیره.

در آمریکا ما دارای یک فرهنگ فردگرایی، اراده گرایی و پیشرفت توسط تلاش فردی هستیم. اگر تو موفق نیستی، خودت مقصری. این دینامیسم عادی ای است که جامعه دنبال می کند. فقط در دوره های بحران آشکار آمریکاییها انگیزه ای واقعی می یابند که به گونه ساختاری در این باره بیاندهند که جامعه ما چگونه بنا شده و از پایه چگونه چیده شده است. "برنی سندرز" اصطلاح فوق العاده ای را به کار برد. او گفت این یک "اقتصاد ساختگی"، یک "جامعه ساختگی"، "یک سیستم سیاسی ساختگی" است. همه اینها واقعیت دارد. اما برای درک آن باید ساختارهای مسوول این وضعیت را مشخص کرد.

مدتهاست که من دگرذیسی نولیبرالی جنبشهای اجتماعی را دنبال می کنم و در باره شان می نویسم. اما آخرین انتخابات آمریکا، کارزار آن و هر آنچه که پیرامونش گذشت، از جهاتی مشخص به من کمک کرد مساله را روشن تر ببینم، چرا که به گمانم هیلاری کلینتون این مشکل را به طور کامل بازتاب می دهد. با این دید همه اجزای مساله به صورت یک تصویر روشن کنار هم قرار گرفت و من به خود گفتم: آها، مبارزه انتخاباتی بین کلینتون و ترامپ رقابتی بین دو گزینه وحشتناک است که من آنها را "نولیبرالیسم ترقیخواه" و "پوپولیسم ارتجاعی" می نامم. و من دریافتم که بلوک حاکم دستکم از هنگام به قدرت رسیدن بیل کلینتون در سال ۱۹۹۲ - یعنی از مدتهای طولانی - از ائتلافی شوم بین گرایشهای کارفرمایی جنبشهای اجتماعی و بخش معینی از طبقه سرمایه داری آمریکا تشکیل شده است. نه از همه طبقه سرمایه داری، بلکه از دسته هایی از بخش کارفرمایی که به صنعت مولد وابسته نیستند، به اصطلاح "سرمایه داری نمادین و دانشی". این سرمایه داری هالیوود، سیلکن ولی (Silicon Valley) و البته "فیل بزرگ در اتاق" وال ستریت و بخش مالی است. بخش مالی به بخش بزرگی از اقتصاد بدل گردیده و بخشهای دیگر را کنار رانده است.

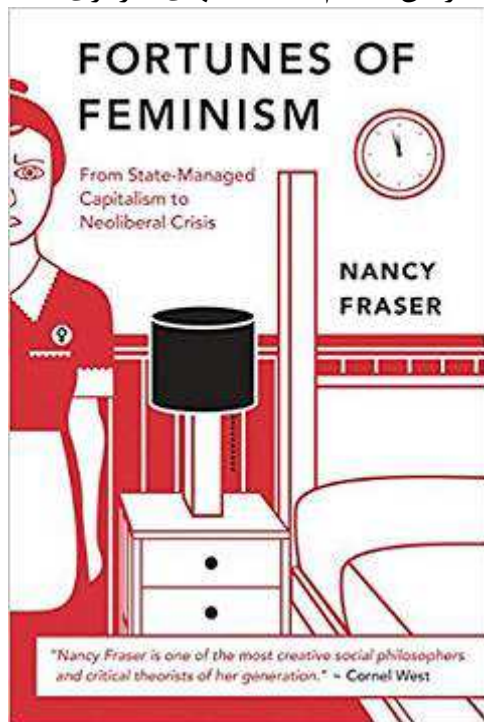
هنگامی که از نولیبرالیسم ترقیخواه صحبت می کنم، منظورم این است؛ فرمی که توسط آن پاره ای از بخش کارفرمایی توانسته نوعی پوشش ترقیخواهانه برای سیاستمدارانی ایجاد کند که در عالم واقع بنیادهای زندگی و شرایط خانواده ها و مجامع تنگدستان و طبقه کارگر آمریکا را نابود می کنند و نیز زندگی طبقه متوسط را از هم فرومی پاشند. دو واکنش مهم در برابر این نولیبرالیسم ترقیخواه، پیروزی ترامپ اما همچنین کارزار بسیار موفقیت آمیز برنی سندرز بود که فراتر از همه انتظارها بود. سندرز تقریبا توانست بر هیلاری کلینتون پیروز شود، اگرچه کلینتون تمام دستگاه حزبی و قدرت بسیاری را پشت سر خود داشت. این یک خیزش عظیم در برابر نولیبرالیسم ترقیخواه بود، یک جناح چپ و یک جناح راست. متأسفانه جناح ترامپ برنده شد، اما به نوعی او ائتلاف هژمونیک را آشکار کرد و من فکر می کنم این امر راه را برای بسیج توده ای هموار کرد.

و من باید یک نکته دیگر را هم اضافه کنم. یکی از هراسهایم در باره شرایط فعلی این است که فقدان یک جبهه نیرومند و روشن چپ منجر به آن شود که این مقاومت بزرگ در انتها نولیبرالیسم ترقیخواه زیر رهبری چهره به نسبت قابل قبولی مثل هیلاری کلینتون را که از نظر سیاسی به پایان رسیده، دوباره قدرتمند سازد. این هراسی است که مرا آزار می دهد. با فراخوان به اعتصاب برای سازماندهی چپ فمینیستی، ما تلاش کردیم مانع شکل گیری این سناریو شویم. من آرزو می کنم این الگویی برای دیگر جنبشهای اجتماعی شود. بسیار خشنود می شوم اگر شاهد شکل گیری تعداد پر شماری از جریانهای ضد نژادپرستی همبسته گرد یک برنامه رادیکال مشابه باشم. یک جریان ضد نژادپرستی برای ۹۹ درصد. چرا چنین چیزی در مورد جریانهای همجنس گرا و زیست محیطی وجود ندارد؟ به گمان من راه این است و سندرز که به هیچ وجه یک چهره ایده آل نیست، به گونه ای این راه را هموار کرد. اینکه او با دموکراتها بماند یا نه مساله دیگری است، اما او گفتمانی را به میان آورد و از جمله کمک کرد تا روشن شود حزب دموکرات در سی سال گذشته چکار کرده است. من فکر

می‌کنم این شفافیت را که به گونه ناخواسته به شکل گیری ترامپ انجامید، باید عمیق تر کنیم. همانگونه که گفتیم، خوشحال می‌شوم اگر شاهد آن باشم که جنبشهای اجتماعی دیگر مسیری مشابه را طی کنند.

در کتاب "دستاوردهای فمینیسم" (**The Fortunes of Feminism**) نوشته‌ای که مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن یک ویژگی بی‌واسطه ضد سرمایه داری ندارد، دقیقاً مانند مبارزه برای توزیع مجدد، بلکه باید به مبارزات ضد سرمایه داری بپیوندد. پیامد سیاسی این تفکیک چیست و چه نتیجه‌ای از آن می‌توان گرفت؟

من یک گام عقب می‌روم تا اصطلاحات "به رسمیت شناخته شدن" و "توزیع مجدد" را در یک زمینه تاریخی قرار دهم. اینها اصطلاحات کلیدی شیوه‌ای است که من توسط آن طی ده‌های مختلف تلاش کرده‌ام این تحول را درک کنم. برای من اصطلاح "توزیع مجدد" یک امتیاز دهی و به یک معنا گزینه‌ای به جای سوسیالیسم است یا شاید "سوسیالیسم ملایم"؛ سوسیالیسمی که جرات به زبان آوردن اسمش وجود ندارد. به بیان دیگر: آن هنگام که جنبشهای کارگری، دیگر



جنبشهای رادیکال و جنبشهای سوسیالیستی علیه قوانین پایه‌ای جامعه سرمایه داری مانند مناسبات مالکیت، کسب ارزش اضافه و غیره مبارزه می‌کردند، نه از "توزیع مجدد"، بلکه از یک تحول ساختاری صحبت می‌کردند.

به نظر من اصطلاح "توزیع مجدد" از سوسیال دموکراسی می‌آید که در واقع مشکل توزیع ناعادلانه ثروت را می‌بیند. بنابراین موضوع تغییر پایه‌ای قواعد نیست. می‌توانم بگویم پارادایم بازتوزیع پس از جنگ دوم جهانی در آمریکا و همچنین در دیگر کشورهای ثروتمند سوسیال دموکرات و بسیاری از کشورهای در حال رشد که ثروتمند نبودند اما مستقل و خواهان رشد بودند، غالب بوده است.

و بی‌تردید جریانهای مهمی از جنبش کارگری و چپها، چپ سوسیال دموکرات، این انگاشت توزیع را پذیرفتند. البته مشکلات پر شماری در این انگاشت وجود دارد، اما یکی از آنها بر این نظر بود که مدل توزیع مجدد در

دوران پس از جنگ بیش از حد محدود است. "بتی فریدان" (**Betty Friedan**) در باره زنان خانه داری نوشت که در حومه شهرها اسیر بودند. بدینگونه یک چپ جدید ایجاد شد که با فرهنگ مصرفی مخالف بود. این چپ هدفهای دیگری از توزیع عادلانه درآمد، دستمزد، فرصت شغلی و غیره داشت. برای نمونه مبارزه با تفکیک نژادی شکل گرفت و بدینگونه به برخی از مشکلات بنیادی و ساختاری نگریسته شد. فعالان این مبارزه توجهات را به مشکل شهروندان درجه دو و فقر آمریکاییهای آفریقایی تبار جلب کردند و پرده از برخی از زوایای وحشتناک تاریخ آمریکا که هنوز به گذشته نپیوسته بودند را کنار زدند.

همانگونه که دو نمونه مبارزه با نژادپرستی و فرهنگ مصرفی نشان می‌دهد، در پاسخ به پارادایم غالب بازتوزیع، پارادایم دیگری شکل گرفت که من و بسیاری دیگر آن را "به رسمیت شناسی" می‌نامیم. در این پارادایم موضوع دیگر فقط رفتار یکسان نیست، بلکه محور مساله پذیرفته شدن، محترم شمرده شدن و به رسمیت شناخته شدن ویژگیهای خاص خود است. همه ما نباید یکسان باشیم یا زندگی یک مرد دگرجنس گرای سفید را داشته باشیم تا به مثابه یک عضو کامل و

دارای اعتبار جامعه شناخته شویم. اینها همه خوب است، اما مثل همیشه داستان یک اتفاق غیرمنتظره دارد، چون در دوره ای که پارادایم به رسمیت شناخته شدن شکل گرفت، همزمان مدل رو به زوال سرمایه داری فوردیستی نیز با مشکل روبرو بود و توزیع سوسیال دموکراتیک بنیاد اقتصادی خویش را از دست داد. بنابراین دو "بخش" شکل گرفت (اصطلاح "چپ" به نظرم درست نیست، اما این نزدیکترین جناح به چپ بود)، دو بخش درگیر با یکدیگر. "توماس فرنک" (Thomas Frank) در باره دنیای صنعتی رو به زوالی نوشت که در آن کارگران سفید سازمانیافته در اتحادیه ها به دلیل خواسته های افزایش یافته احساس تهدید می کردند و آنها در شرایطی که بنیادهای زندگیشان به لرزه درآمده بود. آنها در شرایط مطلوبی نبودند و سپس ایده های نولیبرالی پیشرفت ظهور کرد که مدافع نوعی به رسمیت شناسی است که می گوید این دسته از کارگران "متاسفانه" (آنگونه که هیلاری کلینتون گفت) عقب مانده، نژادپرست و زن ستیز هستند.

من انکار نمی کنم که عناصری از نژادپرستی و زن ستیزی در همه بخشهای جامعه ما وجود دارد، اما شرایط بسیار پیچیده تر از این است و آن را نمی توان با اصطلاحات صرفاً اخلاقی توضیح داد. ما باید درک کنیم که مساله به گذار از یک شکل سرمایه داری به شکل دیگر برمی گردد، از شکل اداره دولتی سوسیال دموکراتیک به شکل مالی و جهانی شده. این گذار اتحادیه های مضحک و آنتاگونیسم غیر مولدی بین بخشهای جامعه که در یک شرایط دیگر کنار هم بودند، ایجاد می کند.

در عصر برآمدن جنبشها و مواضع ناسیونالیستی، تو در فراخوان ۸ مارس بر اهمیت ایجاد جنبش انترناسیونالیستی تاکید کردی، چرا؟

ابتدا باید بگویم که هر جنبش اجتماعی مترقی و تحول طلب باید بین المللی بیاندیشد. چپ - حداقل در کلام - ۲۰۰ سال است که از این ایده پشتیبانی می کند. اما می توانم بگویم ضرورت این امر امروز بیشتر از هر مقطع دیگر در تاریخ است، چرا که سیستم سرمایه داری امروز بسیار گسترده تر جهانی شده.

و حتی اگر بخواهید در این باره صحبت کنید که سیاست ملی یک کشور معین چگونه باید باشد، در ابتدا باید بپذیرید که امکانات در این پهنه تا حدود زیادی به سیستم جهانی ساختارهای مالی بین المللی وابسته است. به این ترتیب، آنچه که در پهنه ملی مدل سوسیال دموکراتیک امکان پذیر بود مانند کشورهای اسکاندیناوی که در جامعه کم و بیش مساوات وجود داشت، با کنترل سرمایه توسط [سیستم] "برتون وودز" (Bretton Woods) ممکن گردید و هنگامی که این کنترلها لغو شد، این نوع به نسبت مساوات گرانه اما همزمان محدود کننده سوسیال دموکراتیسم به وسیله تصاحب بخشی از ثروتهای جنوب جهانی، یعنی نوعی امپریالیسم ممکن شد... بنابراین یک زاویه موضوع، ارتباط تنگاتنگ بین ملی و بین المللی است. سرمایه مالی جهانی فقط از طریق جنبشهای اجتماعی جهانی می تواند متوقف گردد. بدون آن امکان عمل ما در سطح محلی بسیار محدود خواهد بود. نمونه دیگر تغییرات اقلیمی است. بدیهی است که نمی توان جلوی این پدیده را با فعالیت محلی صرف گرفت؛ گذشته از آنکه هر کس ردپای زیست محیطی خود را چقدر کاهش می دهد.

مشکلاتی مانند این فقط می تواند در سطح بین المللی حل شود. امروزه سطح بین المللی چیست: داووس، سازمان تجارت جهانی، رژیم مالکیت معنوی: توافق TRIPS (توافق پیرامون زوایای تجاری حق مالکیت معنوی)، غیر و غیره. نهادهای چپی که در برابر اینها بایستند کجا هستند؟ در ابتدا فوروم اجتماعی جهانی را بسیار امیدوار کننده می دیدم، زیرا به نظر می رسید که پاسخی به این سوالات می تواند وجود داشته باشد. اما مشکلاتی وجود داشت که در جای دیگری می توانیم به آنها پردازیم.

به گمانم امروز بسیار مهم است که در سطح جهانی اندیشید. آنچه که به اعتصاب بین المللی ۸ مارس شاخص می کند، فراخوان به همبستگی و یادگیری مشترک است. امری که در نگارش بیانیه از آن تاثیر بسیار گرفتیم، گفتار آرژانتینیها بود.

آنها درکی بی نظیر، یکپارچه و ساختاری از خشونت علیه زنان داشتند. آنها به سادگی فقط "افراد ناجور" را متهم نمی کنند. ما این تفکر را به مثابه چشم اندازی در نظر گرفتیم تا خشونت علیه زنان را به عنوان پدیده ای معرفی کنیم که می تواند ۹۹ درصد آنها را هدف قرار دهد.



به باور من، ما می توانیم از هم بسیار یاد بگیریم. هیچکس دید کاملی ندارد. دیدن این پشتیبانی متقابل بسیار انگیزاننده است. یکی از پدیده هایی که از تظاهرات به وجود آمد، گروههایی هستند که در نقاط مختلف کشور خود را سازمان می دهند، از فعالیتهایشان فیلم می گیرند و سپس فیلمها را بین خودشان به اشتراک می گذارند. توسط این ما می فهمیم که اتفاقی افتاده و ما بخشی از یک مجموعه بسیار بزرگتر هستیم

آیا می خواهی صحبت دیگری در باره جنبش زنان یا مساله دیگری اضافه کنی؟

می خواهم یک حرف دیگر هم را در آخر بگویم. به گمان من پایه ساختاری فرودستی زنان در جامعه سرمایه داری، جدایی تولید اقتصادی و تولید مثل اجتماعی است. این گسستگی پیش از این در تاریخ وجود نداشت. این دو بخش همواره در نقطه ای با هم پیوند داشتند.

به عقیده من شکل این گسست طی تاریخ سرمایه داری و در پروسه رژیمهای گوناگون انباشت، دگرگونی قابل توجهی داشته است. با این حال، این محور اساسی است و می توانم بگویم هر سیاست فمینیستی که به گونه انحصاری و بدون در نظر گرفتن همپوشانی و مناسبات عمیق بین آنها، روی یکی از این دو پایه تمرکز کند، نمی تواند به امر رهایی زنان دست یابد.

کرنش خامنه ای در برابر پوتین و تنفر مردم عراق از جمهوری اسلامی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... شنبه ۱۷ شهریور

حمله به کنسولگری رژیم ایران در شهر بصره در روز آدینه ۱۶ شهریور، واکنشی به دخالت‌های ویرانگرانه رژیم ولایت فقیه



در عراق است. جنگ در عراق و ساخت و پاخت آمریکا با رژیم ایران برای سرنگونی صدام حسین، فرصتی تازه برای گسترش دخالت‌های تروریستی خامنه ای در عراق ایجاد شد.

به یک معنا جنگی که صدام را سرنگون کرد، عراق را به حیاط خلوتی برای بنیادگرایان شیعه و در راس آن ارتجاعی حاکم بر ایران تبدیل نمود. بصره، بغداد، نجف، کربلا، سلیمانیه و... به جولانگاه

قاسم سلیمانی جنایتکار و نیروهای وابسته به سپاه قدس تبدیل شد. بر همین منظر، رژیم ایران طی چند ساله بعد از سرنگونی صدام حسین به یکی از موانع اصلی صلح و سازندگی در عراق تبدیل شد. این دخالت‌ها آنقدر ملموس است که در کانون تظاهرات‌های مردمی علیه بیکاری، فساد و ... خشم و نفرت از دخالت رژیم ولایت فقیه در عراق از این جنبه می توان حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی را نتیجه سیاست‌های ارتجاعی و تروریستی رژیم در عراق دانست و البته مردم ایران در اشکال گوناگون مخالفت خود را با این دخالت‌های تروریستی اعلام کرده اند.

موضع گیری برخی از پایوران حکومت عراق در همراهی با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در رابطه با رژیم، تهدید حکومت ایران برای بازپس گیری خسارت‌های دوران جنگ و ائتلاف‌های شکل گرفته جدید پس از انتخابات اخیر عراق، از برباد رفتن هزینه های سرسام آوری که جمهوری اسلامی از جیب مردم ایران برای نگاه داشتن این حیات خلوت پرداخت کرده، خبر می دهد.

پایان نشست سران روسیه، ترکیه و پایوران رژیم در تهران و کرنش‌های ولی فقیه در برابر پوتین، بار دیگر بر نقش پیاده نظامی مزدوران رژیم در سوریه تاکید گذاشت. نقشه خامنه ای این بود که برای قتل عام مردم ادلب، رضایت کامل روسیه و ترکیه را جلب کند برای این ولی فقیه در دیدار با پوتین به «گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی، مبادلات و معاملات اقتصادی و...» تاکید کرد و برای اردوغان هم روضه دلبرانه مبنی بر وحدت اسلامی خواند.

این که کرنش‌های ولی فقیه رژیم ایران تا چه میزان موثر بوده را تحولات آینده تعیین خواهد کرد. اما فقدان یک بیانیه مشترک مورد دلخواه، چندان برای خامنه ای خوش آیند نخواهد بود.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

جنبش رنگین کمان بیشماران در شهریور ۱۳۹۷

زینت میرهاشمی



شرایط فاجعه بار اقتصادی و سیاستهای ضد مردمی حاکمیت، زندگی میلیونها تن از نیروهای کار را به نیستی و تباهی کشانده است. گرداب مهیب فقر، گرسنگی و بی خانمانی فرودستان را می بلعد و حاکمان با

عرق، خون و استثمار ستمدیدگان به زندگی اشرافی خود ادامه می دهند. در چنین اوضاع بحرانی نیروهای کار و زحمت راهی جز مبارزه برای رهایی از شرایط فلاکت بار در مقابل خود ندارند و در این مبارزه برای زندگی انسانی، زنان نقش برجسته ای به عهده گرفته اند.

در شهریور ماه نیروهای کار در بخشهای مختلف تولید، توزیع و خدمات اقدام به تجمع، تحصن و اعتصاب کردند. گزارش خلاصه شده ۱۹۳ اقدام اعتراضی از جانب نیروهای کار را در زیر می خوانید. اخبار حرکتهای اعتراضی معلمان، دانشجویان، پرستاران و مردم تشنه آب در شهریور ماه جداگانه در همین شماره نبرد خلق منتشر شده است.

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

خودروهای سنگین مخصوص حمل و نقل کالا نقش مهمی در ایران دارند. بیش از ۹۰ درصد حمل و نقل کالاهای کشور از طریق حمل و نقل جاده ای جا به جا می شود.

بحران اقتصادی موجود زندگی کامیون رانان و رانندگان ماشینهای سنگین را، همچون سایر نیروهای کار، به تباهی کشانده است. از این رو این بخش از جامعه بارها اقدام به حرکتهای اعتراضی کرده اند.

رانندگان کامیون در خرداد و مرداد امسال در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه سهم دولت، عوارض باربری و جاده ای، افزایش قیمت لاستیک و قطعات یدکی و درصد بالای حق کمیسیون شرکتهای باربری اعتصاب سراسری کردند که اخبار آن در ماهنامه نبرد خلق منتشر شده است.

اعتصاب کامیونداران و رانندگان ماشینهای سنگین به دلیل وضعیت اسفبار



معیشتی آنان است و خواسته این بخش از نیروی کار هم بهبود وضعیت معیشتی خود و خانواده شان است. دستمزد پایین و افزایش بی سابقه هزینه های تعمیر و نگهداری کامیونها، زندگی رانندگان زحمتکش کامیون که روز و شب خود را در بیابانها و به دور از خانواده می گذارند را به تباهی کشانده است.

در شهریور ماه رانندگان کامیون دور تازه ای از اعتصاب سراسری و تجمع در پایانه ها و جاده ها را آغاز کردند. روز شنبه ۳ شهریور، رانندگان کامیون در مشهد، اهواز و اصفهان با فراخوان قبلی اعتصاب کردند. به دنبال این اعتصاب عموم جایگاههای سوخت در شهرهای مختلف با کمبود سوخت مواجه شدند و در مقابل ایستگاههای پمپ بنزین صفهای طولانی از خودروهایی متقاضی سوخت تشکیل شد.

بر اساس تصاویر منتشرشده در شبکه های اجتماعی، شماری از رانندگان کامیون در روز شنبه ۱۰ شهریور در شهرهای گرگان، مرکز استان گلستان و مهران در جنوب استان ایلام اعتصاب کردند. در همین روز رانندگان کامیون در پایانه نسیم تهران، در پاسخ به فراخوان اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور، دست از کار کشیده و کامیونهای خود را در پایانه پارک کردند.

اعتصاب کامیونداران در روز یکشنبه ۱۱ شهریور ادامه یافت. رانندگان کامیون در پایانه شاهپور در اصفهان دست به اعتصاب و تجمع زده و کامیونهای خود را متوقف کردند. در این روز رانندگان در سمنان، سرپل ذهاب، زنجان، ساوه، تهران، زرین و ... اعتصاب کرده و از حمل بار خوداری کردند.

روز دوشنبه ۱۲ شهریور و سه شنبه ۱۳ شهریور رانندگان کامیون در شهرهای اراک، پایانه شاپور در اصفهان، ساوه، گمرک سرخس، دامغان، سمنان، زنجان، مهدی شهر و ... اعتصاب کردند.

روز پنجشنبه ۱۵ شهریور، کامیونداران اعتصابی در شاهپور اصفهان به اعتصاب خود همچنان ادامه دادند. کامیونداران حمل مرغ در ساری، آمل و قائمشهر در اعتراض به گرانی و نبود وسیله و وضعیت بد معیشتی اعتصاب کردند.

روز شنبه ۱۷ شهریور، کامیونداران نیشابور در اعتراض به نبود و گرانی لوازم یدکی و لاستیک در مقابل فولاد نیشابور تجمع کردند. در همین روز رانندگان کفی در فولاد نیشابور تجمع کرده و ورودی و خروجی فولاد نیشابور را بستند.

رانندگان ماشینهای سنگین و کامیونداران در نیشابور در روز سه شنبه ۲۰ شهریور برای چهارمین روز متوالی، کامیونها را خاموش و تجمع کردند.

روز شنبه ۲۴ شهریور، کامیونداران اسلامشهر (واقع در استان تهران) بار دیگر در اعتراض به پایین بودن کرایه ها و گرانی قطعات یدکی و همچنین بی پاسخ ماندن مطالبات شان دست به اعتصاب زده و کامیونهای خود را در پایانه و همچنین در خیابانها متوقف کردند.

روز سه شنبه ۲۷ شهریور، زرنديه ساوه - رانندگان خودروهایی سنگین در کارخانه فولاد زرنديه ساوه در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

در همین روز رانندگان کامیون در بیرجند اعتصاب کرده و از حرکت کامیونهای دیگر در یکی از مسیرهای خروجی از بیرجند جلوگیری کردند.

روز شنبه ۳۱ شهریور، به دنبال فراخوان اتحادیه هماهنگ کنندگان رانندگان سراسر کشور، رانندگان کامیون یک روز قبل از زمان تعیین شده، در پایانه برخی از شهرها اعتصاب کردند. بر اساس خبرهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی رانندگان کامیون در شهرهای بندر عباس، کرج، اصفهان، بندر امام، یزد، همدان، کردکوی، سنندج، مبارکه، بوکان، مشهد، بروگرد، نکا، دزفول، ارومیه، قزوین، قم، خرم آباد، پل دختر، شهرضا، نهبندان، ارومیه در این اعتصاب شرکت کردند.

خواسته های رانندگان کامیون و رانندگان ترانزیت

- ۱- کسر حق پرداختی بیمه رانندگان
- ۲- افزایش حقوق بازنشستگی و سختی کار
- ۳- کاهش قیمت لوازم یدک
- ۴- کاهش قیمت لاستیک
- ۵- افزایش کرایه حداقل ۷۰٪
- ۶- کاهش نرخ عوارضی اتوبانها
- ۷- ترمیم جاده های پرتردد سراسر کشور
- ۸- افزایش سهمیه سوخت ناوگان حمل بار
- ۹- حذف دلالتان و واسطه ها از پایانه ها و باربریها
- ۱۰- اجباری کردن اعلام بارها در سالنهای اعلام بار در سراسر کشور
- ۱۱- کاهش دریافت کمیسیون باربریها و پیمانکاران شرکت نفتی
- ۱۲- کاهش دادن هزینه های اضافی از پایانه های مرزی جهت تردد ترانزیتها در سراسر پایانه های مرزی کشور
- ۱۳- رفع کمبود شدید امکانات رفاهی، بهداشتی در پایانه های مرزی و داخلی
- ۱۴- نوسازی ناوگان حمل و نقل باری
- ۱۵- نظارت بر برخورد های غلط و سلیقه ای ماموران راهنمایی و رانندگی و مجازات ماموران و افسران رشوه گیر از حرکت های اعتراضی ناوگان حمل و نقل جاده ای در ماه شهریور صدها تصویر و ویدئو در شبکه های اجتماعی منتشر شده است.

اعتصاب، تجمع و راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز

دور جدید تجمع کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به ۴ ماه حقوق معوقه و تامین نشدن مواد اولیه ازسوی کارفرما از روز شنبه ۲۷ مرداد آغاز شد. گروه ملی صنعتی فولاد ایران شامل کارخانه فولاد سازی، نورد کوثر، نورد تیر آهن، کارخانه لوله سازی و ماشین سازی است و حدود ۴ هزار کارگر شاغل دارد که طی چند ماه گذشته دستمزد آنها به تاخیر افتاده است. این گروه تولیدی یکی از شرکتهای گروه «امیر منصور آریا» - مه آفرید خسروی - است که پس از اعدام او برای یک دوره در اختیار قوه قضائیه و بانک ملی قرار گرفت. بانک ملی هم این شرکت را به بخش خصوصی واگذار کرد اما با اعتراض کارگران بار دیگر این مجموعه صنعتی تحت مالکیت بانک ملی قرار گرفته است. به گفته کارگران؛ مالک جدید این کارخانه یکی از بانکهای دولتی است که مواد اولیه برای آغاز به کار و راه اندازی مجدد کارخانه از جانب او باید تامین شود. روز پنجشنبه اول شهریور تجمع کارگران معترض ادامه پیدا کرد و در روز شنبه ۳ شهریور کارگران گروه ملی اهواز در هشتمین روز حرکت اعتراضی خود با شعار: کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است، در برابر استانداری خوزستان تجمع کردند.

کارگران معترض در نهمین روز تجمع خود مقابل استانداری شعار دادند: «وعده، وعید نمی خوایم، حقوق و تولید می خوایم/ عزا عزاست امروز، گروه ملی بیچاره صاحب عزا است امروز/ شفاف بگو استاندار، کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است.»

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، کارگران معترض در بیانیه‌ای که مقابل ساختمان استانداری خوزستان خوانده شد، خواستار «افشای دستهای پشت پرده‌ای که همچنان از تامین مواد اولیه و راه‌اندازی همه بخشهای تولیدی این مجتمع صنعتی و پرداخت حقوق کارگران جلوگیری می‌کند»، شدند.

سه مطالبه اصلی کارگران فولاد؛ شفاف سازی اتفاقات پشت پرده عدم تولید شرکت گروه ملی و اعلام اسامی دستهای پشت پرده توسط استاندار، راه‌اندازی مجدد تمام خطوط تولید و تزریق مواد اولیه به شرکت گروه ملی، تسویه حساب کامل با پرسنل شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز.

به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۵ شهریور، کارگران معترض در دهمین روز اعتصاب و تجمع خود، مقابل استانداری خوزستان با سر دادن شعار «حقوق ما رو نمی‌دن، مرگ بر آمریکا» راهپیمایی کردند.

روز آدینه ۹ شهریور، کارگران گروه ملی فولاد طی اطلاعیه‌ای دست آوردهای حرکت اعتراضی خود را آگاهی‌رسانی کرده و اعلام کردند که از روز شنبه ۱۰ شهریور «همگی بر سرکار خود حاضر شده و دست در دست هم دوباره چرخه صنعت و تولید را به حرکت در می‌آوریم تا هرچه زودتر به اهداف تعیین شده دست یابیم.»

بدین ترتیب اعتصاب چهارده روزه کارگران گروه ملی فولاد که در روزهایی همراه با تجمع و راهپیمایی بود، با موفقیت نسبی پایان یافت.

برخی از شعارهای کارگران در دوران اعتصاب، تجمع و راهپیمایی

کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد/ نه غزه، نه لبنان، فقط مردم ایران / کارگریم نون می‌خواهیم، دوا و درمون می‌خواهیم / این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ام / حسین حسین شعارشون، دزدیه افتخارشون / دستهای پشت پرده، با کارخونه چه کرده / عزا عزا است امروز روز عزا است امروز زندگی کارگر روی هوا است امروز / دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست / همشهری به گوش باش، ما کارگریم نه اوباش / مرگ گروه ملی، به دست بانک ملی / می‌ایستیم، می‌میریم، حقمون رو می‌گیریم / سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن / کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است / یه اختلاس، یه دزدی، اینه تولید ملی!

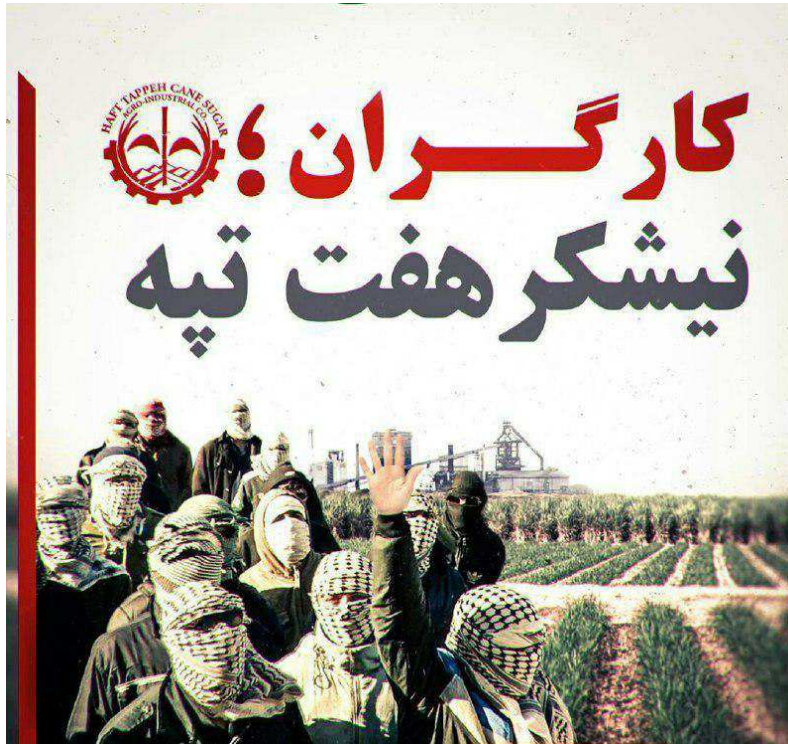
اعتصاب و تجمع ۱۴ روزه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه از روز شنبه ۲۷ مرداد در اعتراض به واگذاری بخشهای مجتمع به شرکتهای مختلف، تعویق دستمزد و سایر مطالبات دست به اعتصاب زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران تمامی بخشهای این واحد کشاورزی - صنعتی شرکت دارند. کارگران خواهان تغییر مدیر جدید حراست مجتمع هستند زیرا مدیر جدید کارگران را به خاطر پیگیری حقوق شان تهدید می‌کند.

به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی نماینده کارگران گفت: کارگران با هدف جلوگیری از «تکه تکه کردن هفت تپه» و «واگذاری آن به بخش خصوصی» اقدام به اعتراض کرده‌اند. وی خواست کارگران نیشکر هفت تپه را «ورود مسئولان ارشد استان برای تعیین تکلیف مدیریت شرکا» دانست و گفت که تهدیدها نمی‌تواند مانع اعتراض کارگران شود.

سهامداران خصوصی شرکت نیشکر هفت تپه در حال تکه پاره کردن این مجتمع بزرگ کشت و صنعت هستند. کارخانه خوراک دام شرکت نیشکر هفت تپه به شرکت «سرزمین مهر و ماه» متعلق به فرزندان مدیران مجتمع واگذار شده است.

روز پنجشنبه اول شهریور، در ششمین روز اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و به دنبال خبردار شدن آنان از حضور وزیر جهاد کشاورزی در شرکت پاک چوب، نماینده های کارگران به همراه جمعی از آنان، وزیر و دیگر مسئولان



استانی را در مورد تکه پاره کردن و غارت شرکت نیشکر هفت تپه به شدت مورد اعتراض قرار دادند.

کارگران مجتمع صنعتی نیشکر هفت تپه روز شنبه ۳ شهریور برای هشتمین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. اسماعیل بخشی، یکی از نمایندگان کارگران گفت: بزرگترین خواسته کارگران بازپس گرفتن این مجتمع از بخش خصوصی است.

روز یکشنبه ۴ شهریور، کارگران نیشکر هفت تپه از تمامی بخشهای شرکت در نهمین روز متوالی اعتصاب سراسری خودشان در اعتراض به واگذاری این شرکت و عملکرد ضعیف این بخش

خصوصی همچنان تا واگذاری شرکت به بخش دولتی یا نهاد صلاحیت دار بر ادامه اعتصاب خود تاکید کردند.

روز سه شنبه ۶ شهریور، کارگران معترض علیرغم فشارهای نهادهای امنیتی به نماینده های شان، یازدهمین روز اعتصاب متحدانه خود را پشت سر گذاشتند.

روز پنجشنبه ۸ شهریور، اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با گذشت سیزده روز، علیرغم تهدیدها و وعده هایی که کارفرما و مسئولان شوش همچنان ادامه داشت.

روز جمعه ۹ شهریور، اعتصاب و تجمع کارگران هفت تپه برای چهاردهمین روز ادامه پیدا کرد. روز یکشنبه ۱۱ شهریور، اینلنا اعلام کرد که؛ به دنبال مذاکرات کارگران که روز جمعه در جلسه استانداری و روز شنبه در اداره کار شهرستان شوش انجام شد، اعتراض صنفی کارگران نیشکر هفت تپه پس از گذشت ۱۴ روز خاتمه یافت.

کارگران در مذاکرات خود به خواسته های زیر دست یافتند.

۱- کلیه حقوق عقب مانده پرسنل شرکت از دوشنبه ۱۲ تا چهارشنبه ۱۵ شهریور پرداخت می شود.

۲- تمام نیروی پیمانکاری حذف خواهد شد.

۳- تمام پرسنل شرکت اعم از پیمانکاری و روزمزد طبق قانون کار و مطابق ماهیت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با آنها قرارداد یک ساله منقعد می شود.

۴- آقای مهندس مددی کاهکش با اختیار تام مدیر اجرایی و تنها تصمیم گیرنده در مورد صفر تا ۱۰۰ همه امور شرکت نیشکر هفت تپه است.

۵- حضور مدیران ضد کارگران (سیامک افشار مهرداد رستمی چگنی و ایوب اسدی در هفت تپه ممنوع، و هیچ فعالیتی و ستمی در هفت تپه نخواهند داشت،

۶- برگشت به کار کلیه ی پرسنل اخراجی شرکت از جمله پرسنل دفع آفات و پرسنل خوراک دام

۷- کلیه ی واحدهای تفکیک شده شرکت از جمله تاکستان کارخانه خوراک دام و مزارع ۷۰۰,۸۰۰,۹۰۰ یکهپارچه زیر نظر شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه باقی خواهند ماند و شرکتهای نوظهور شرکت باغ جاوید پارس و شرکت دریای زئوس هیچ وجه قانونی ندارند و فعالیت آنها در هفت تپه غیر قانونی است.

برخی دیگر از حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار

روز شنبه ۳ شهریور، همزمان با شروع دور جدید فراخوان شورای هماهنگی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن برای اعتراض، نزدیک به ۶۰۰ کارگر خطوط ابنیه فنی در نواحی ریلی جلفا، هادی شهر، مرند و عجب شیر در محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که دست کم سه ماه معوقات مزدی به همراه چندین سال سنوات از کارفرما طلبکارند یادآور شدند: دور نخست اعتراضات صنفی کارگران خطوط فنی راه آهن از ۲۹ تیر ماه سال جاری تا ۱۷ مرداد ماه با پرداخت یک ماه از حقوق که مربوط به اردیبهشت ماه می شد، موقتا خاتمه پیدا کرد.

تعدادی از کارگران شهرداری الوند با ورود پیمانکار جدید بیکار شدند. کارگران روز پنجشنبه اول و روز شنبه ۳ شهریور، مقابل ساختمان شهرداری الوند واقع در قزوین تجمع کردند. به گزارش ایلنا، برخی منابع کارگری در شهرداری الوند با اعلام خبر تعدیل برخی همکاران خود گفتند: کارگران تعدیل شده بخشی از جمعیت ۹۰ نفری بخش خدماتی شهرداری الوند در قزوین هستند که تقریباً سه روز پیش با ورود پیمانکار جدید بیکار شدند. میانگین سابقه این کارگران ۱۰ تا ۱۵ سال است و آنها هنوز دست کم بابت سه ماه مزد پرداخت نشده، طلبکار هستند.

روز شنبه ۳ شهریور، کارگران شرکت کیسون، پیمانکار اجرای طرح قطار شهری اهواز، در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۶ ماه حقوق خود، کارگاه این پروژه را تعطیل کرده و بستند. به گزارش ایران آزادی، با تعدادی از کارگران شرکت کیسون حدود سه ماه پیش تسویه حساب شده، اما ۳۰ درصد مطالبات آنها تاکنون پرداخت نشده است. یکی از کارگران گفت: کارگران با مشکلات مالی مواجه شده اند، بسیاری از آنها خودرو و وسایل زندگی خود را برای گذران زندگی فروخته اند و بسیاری دیگر در تامین هزینه های معیشتی روزمره خود درمانده اند.

روز شنبه ۳ شهریور، حجره داران میدان میوه و تره بار سقز در اعتراض به واگذاری میدان به فرد ثالث دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، میوه فروشان سقزی از مسئولان می خواهند که محل کسب چند صد خانوار را از آنها نگیرند یا لااقل برای آنها مکان جایگزین در نظر گرفته شود.

روز شنبه ۳ شهریور، همزمان با شروع دور جدید فراخوان شورای هماهنگی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن برای اعتراض، نزدیک به ۶۰۰ کارگر خطوط ابنیه فنی در نواحی ریلی جلفا، هادی شهر، مرند و عجب شیر در محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که دست کم سه ماه معوقات مزدی به همراه چندین سال سنوات از کارفرما طلبکارند یادآور شدند: دور نخست اعتراضات صنفی کارگران خطوط فنی راه آهن از ۲۹ تیر ماه سال جاری تا ۱۷ مرداد ماه با پرداخت یک ماه از حقوق که مربوط به اردیبهشت ماه می شد، موقتا خاتمه پیدا کرد.

دویست کارگر قراردادی و پیمانی لاستیک خوزستان به علت تامین نشدن مواد اولیه با پایان قرارداد بیکار شدند. این کارگران در روز یکشنبه ۴ شهریور دست به تجمع زده و خواهان بازگشت به کار خود شدند. به گزارش ایلنا، این شرکت در سال ۱۳۹۶ به عنوان صادرکننده برتر کشور در صادرات تیوپ خودرو شناخته شد اما در حال حاضر با کاهش تولید این شرکت ۲۰۰ کارگر قراردادی و پیمانی این شرکت با اتمام قرارداد یک ماهه بیکار شده اند.

روز یکشنبه ۴ شهریور، کارگران شهرداری زابل مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش عصرهامون به نقل از اوشیدا، یکی از کارگران می گوید: «چهار، پنج ماه است که کارگران حقوق نگرفته اند و هیچ مسئولی که پاسخگوی مطالبات کارگران باشد، وجود ندارد». این کارگر ادامه می دهد: کارگران حتی برای عید قربان نتوانسته اند یک مرغ هم سر سفره خانواده های شان ببرند، در حالی که دیگران سفره های رنگین دارند.

روز دوشنبه ۵ شهریور، کارکنان پروژه حفر تونل و انتقال آب کانی سیب به دریاچه اورمیه به دلیل پرداخت نشدن حقوق و دستمزدشان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش گونا تی وی، در روزهای گذشته فرماندهان سپاه بارها از کارگران و کارکنان درخواست کردند که به سر کار خود بازگردند اما کارکنان گفتند که اول باید حقوقهای معوقه خود را دریافت کنند بعد به سر کار باز می گردند و تهدید کرده اند تا پرداخت نشدن حقوق شان به اعتصاب ادامه خواهند داد. مسئولان اجرایی این طرح از فرماندهان بازنشسته و حال سپاه هستند که قبل از این نیز چندین بار با بهانه های مختلف از اجرای پروژه سر باز زدند و چندین بار این پروژه را به تعطیلی کشاندند. معلوم نیست که با بودجه ی هنگفت چند میلیاردی که قرارگاه خاتم از دولت برای اجرای پروژه می گیرد چه می کنند که پیوسته وقفه در این پروژه ایجاد می شود.

روز دوشنبه ۵ شهریور، رانندگان سواری کرایه بین المللی مشهد- هرات در پایانه مشهد دست به تجمع و اعتصاب زدند. به گزارش ایران آزادی، اعتصاب رانندگان سواری کرایه بین المللی مشهد- هرات به این علت صورت گرفت که گمرک از روز گذشته از سواریهای مسیر مشهد - هرات و بالعکس خواسته که ما به ازای هر نفر سیصد هزار تومان خروجی دهند، در حالیکه کرایه دربست هر ماشین سیصد و هشتاد هزار تومان است.

رانندگان تاکسی خرم آباد روز دوشنبه ۵ شهریور دست از کار کشیدند و در یکی از میدانهای شهر تجمع کردند. علت اعتصاب و اعتراض رانندگان اعتراض به وضع بد معیشتی عنوان شده است. به گزارش ایلنا، این رانندگان که هم به پایین بودن کرایه ها و کمبود مسافر اعتراض دارند و هم از دست تاکسیهای اینترنتی خسته شده اند، می گویند: روزی کمتر از چهل هزار تومان درآمد داریم. در اوضاعی که هزینه های بنزین و استهلاک خودروها به شدت افزایش یافته، درآمد تاکسیرانی در خرم آباد به هیچ وجه کفاف هزینه های زندگی را نمی دهد. ما حتی از حداقل مزد مصوب وزارت کار نیز کمتر درآمد داریم.

روز سه شنبه ۶ شهریور، برای دومین روز متوالی کارکنان شرکت کارتن ایران در اعتراض به اخراج چهار نفر از همکاران خود دست از کار کشیده و تحصن کردند. به گزارش ایلنا، مدیریت شرکت از ابتدای هفته دستور اخراج ۴ نفر از کارگران را

(۲ نفر به بهانه اتمام قرارداد و ۲ نفر به بهانه مشکل انضباطی) داد. در اعتراض به این تصمیم، کارکنان شرکت دست از کار کشیدند.

بامداد روز سه شنبه ۶ شهریور، کارگران شرکتهای نازنخ و فرنخ به دلیل دریافت نکردن حقوق و معوقات خود، مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش ایسنا این کارگران برای چندمین بار به دلیل دریافت نکردن حقوق، معوقات و پایان کار خود، مقابل درب استانداری تجمع کردند که به گفته کارگران مسئولان امر به مطالبات آنها رسیدگی نکرده و پاسخی ندادند.

روز سه شنبه ۶ شهریور، کارگران راه آهن شاهرود و سمنان و دامغان به دلیل دریافت نکردن حقوق برای چهارمین روز متوالی دست به اعتصاب زدند و بر سرکار حاضر نشدند. کارگران راه آهن ۲۹ تیر تا ۱۷ مرداد امسال نیز اعتصاب سراسری را سازمان دادند که با وعده مسئولان مبنی بر پیگیری و حل مشکلات به اعتراض خود پایان دادند. به گزارش ایران خبر، شورای هماهنگی کارگران و کارکنان خط و ابنیه فنی راه آهن هفته گذشته با صدور بیانیه ای، اعلام کرد دور تازه اعتراضات به دلیل عدم تحقق وعده‌های مسئولان اعتراضات خود را از سر می گیرند. حدود ۷ هزار کارگر خط و ابنیه فنی راه آهن جمهوری اسلامی تحت قرارداد چهار شرکت پیمانکاری مشغول به کار هستند.



مردم سنندج صبح امروز در اعتراض به کشتار کولبران دست به تجمع اعتراضی زدند. روز آدینه ۹ شهریور، جمعی از مردم سنندج بر اساس فراخوان قبلی برای اعتراض به کشتار کولبران از سوی نیروهای امنیتی رژیم و بزرگداشت

جانباختن ۵ تن از فعالان محیط زیست به دست سپاه پاسداران، در آتش سوزی جنگل‌های مریوان و همچنین در اعتراض به آلودگی آب و هوا، دست به تجمع در پارک کودک سنندج زدند. به گزارش کانال تلگرام جوانه‌ها، معترضان چندین دست نوشته در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «قتل و کشتار کولبران را متوقف کنید»، «نان مسکن آزادی محیط زیست سالم»، «یاد و خاطره جانباختگان محیط زیست را گرامی می‌داریم».

روز شنبه ۱۰ شهریور، کارگران کارخانه تولی پرس در اعتراض به بلا تکلیفی در وضعیت شغلی خود و کارخانه، مقابل ساختمان اداره کار و فرمانداری شهرک صنعتی البرز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با افزایش مشکلات این کارخانه، کارفرما از روز شنبه ۲۷ مرداد با اعلام تعطیلی موقت کارخانه (به مدت دو هفته)، حدود ۴۰۰ کارگر این واحد تولیدی را به مرخصی اجباری فرستاده است و امروز شنبه این تعطیلات برای یک هفته دیگر تمدید شده است.

روز شنبه ۱۰ شهریور، جمعی از مردم زابل در اعتراض بی کفایتی و اختلاس و دزدی شهردار این شهر و چندین نفر دیگر که توسط شورای قلابی این شهر انتخاب شده بودند، درب ساختمان شورای قلابی این شهر را گل گرفتند. به گزارش همبستگی ملی، مردم شعار می دادند: «شورا که منحل بشه زابل گلستان می شه» و «شورای بی کفایت نمی خوایم نمی خوایم»

روز سه شنبه ۱۳ شهریور، کارگران خدماتی منطقه دو شهرداری آبادان در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران بخشی از نیروهایی هستند که از طریق شرکتهای پیمانکاری در شهرداری آبادان مشغول کارند.

روز دوشنبه ۱۲ شهریور، کارگران شرکت روغن نباتی جهان بار دیگر در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران شرکت روغن نباتی جهان گفت: مشکلات شرکت روغن نباتی جهان از سال ۱۳۹۲ و با واگذاری این شرکت آغاز شد. وی که نخواست نامش در خبر قید شود با اشاره به اینکه تا به امروز هیچ کدام از مشکلات کارگران حل نشده است؛ افزود: مشکل اصلی ما این است که چهار سال است فقط وعده و وعید می شنویم.

روز سه شنبه ۱۳ شهریور، تعدادی از نیروهای سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شادگان با برپایی تجمعی مقابل ساختمان شهرداری پرداخت حقوق معوقه هشت ماهه خود را مطالبه کردند. به گزارش ایرنا، معترضان گفتند: هشت ماه است حقوق و مزایای آنها پرداخت نشده است و شهرداری اقدامی برای پرداخت مطالبات آنها نمی کند.

روز سه شنبه ۱۳ شهریور، شمار زیادی از ساکنان شهرک «کهریز» مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، معترضان خواستار توجه مسئولان به وضعیت عمرانی و بهداشتی این شهرک شدند. این شهرک محل عبور رودخانه «آبشوران» کرمانشاه است و به گفته ساکنان محلی این رودخانه به محلی برای زندگی حیوانات موذی و خونابه مرغ فروشیهای تبدیل شده و بوی تعفن آن ساکنان را آزار می دهد.

کهریز تا سال ۱۳۹۱ یک روستا از توابع بخش «دورد و فرامان» بود و پس از آن به شهرستان کرمانشاه ملحق شد. با افزایش ساختمان سازی در این روستا و رشد جمعیت آن طی سالهای گذشته، به شهرک تبدیل شده است. ساکنان می گویند که این تغییر وضعیت هیچ تاثیری در ارائه خدمات شهری به شهرک نداشته است.

روز یکشنبه ۱۱ شهریور، کارگران پتروشیمی فارابی به دلیل عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این مجتمع، برای پنجمین روز متوالی دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، این کارگران در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی

مشاغل، در محوطه پالایشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند. این گزارش حاکی است که آنها هر روز در ساختمان مرکزی پتروشیمی تجمع می کنند.

روز سه شنبه ۱۳ شهریور کارگران پتروشیمی فارابی در بندرماهشهر به اعتصاب خودشان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان ادامه دادند.

کارگران کارخانه صنایع شیر پگاه تهران، روز سه شنبه ۱۳ شهریور، در اعتراض به تصرف غیرقانونی اراضی کارگران این کارخانه در منطقه تهران پارس، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، از حدود ۲۰ سال پیش صنایع شیر پگاه برای خانه دار کردن بیش از ۷۰۰ کارگر این واحد صنعتی، قطعه زمینی به وسعت حدود ۱۵۰ هزار متر را در محدوده شهرک حکیمیه تهران پارس تهیه و واگذار می کند. این زمینها بعداً توسط یکی از نهادها تصرف شده و کارگران پگاه باوجود گرفتن حکم تخلیه از دستگاه قضایی هنوز نتوانسته اند به زمینهای خود برسند.

روز سه شنبه ۱۳ شهریور، کارگران منطقه ۲ شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق عقب افتاده شان دست به تجمع اعتراضی و اعتصاب زدند. به گزارش ایران کارگر، اعتصاب کارگران شهرداری منطقه ۲ آبادان در شرایطی صورت می گیرد که در اردیبهشت ماه سال جاری نیز یکی از کارگران خدماتی شهرداری ناحیه دو منطقه ۳ آبادان، در اعتراض به مشکلات کاری، مقابل شهرداری منطقه ۲، خود را به آتش کشید و با ۸۰ درصد سوختگی به بیمارستان منتقل شد.

روز چهارشنبه ۱۴ شهریور، کارگران خدمات شهری و فضای سبز شهرداری منطقه ۶ اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب مانده چند ماهه خود، در مقابل درب ورودی شهرداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایران کارگر، پیش از این نیز در روز سه شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۹۷، کارگران منطقه ۶ شهرداری اهواز در اعتراض به نپرداختن مطالبات شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند و به دنبال این اعتصاب، زباله ها در سطح خیابانهای این مناطق مانده و جمع آوری نشد.

روز چهارشنبه ۱۴ شهریور، کارگران کارخانه متالوژی پودر ایران، واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران ما، این تجمع در اعتراض به نپرداختن دستمزد سه ماه آخر سال ۹۶ و تیر و مرداد ماه سال جاری و همچنین عیدی و پاداش پایان سال ۹۶ در مقابل استانداری قزوین شکل گرفت.

کارگران می گویند: چندین سال است مرتباً مطالبات مزدی ما به تاخیر می افتد، کارفرما بدهیهای مالی زیادی بابت تاخیر در پرداخت بیمه کارگران به تامین اجتماعی دارد و از ۶ ماه گذشته هیچ واریزی به بیمه تامین اجتماعی صورت نگرفته است.

روز دوشنبه ۱۹ شهریور، کارگران سد چم شیر گچساران بار دیگر مقابل محوطه محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران سد چم شیر گچساران به خاطر عدم پرداخت مطالبات و حقوق خود تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. یکی از کارگران معترض گفت: تا این لحظه کارگران پروژه سد چم شیر گچساران حدود ۱۰ ماه

مطالبات مزدی پرداخت نشده طلبکارند که این مساله باعث شده تا این افراد دچار مشکلات معیشتی ناشی از دریافت حقوق شوند.

روز دوشنبه ۱۹ شهریور، کارگران شرکت تولی پرس در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات شان، بار دیگر در مقابل این شرکت در شهرستان الوند واقع در استان قزوین تجمع کردند. به گزارش اتحاد، کارگران کارخانه تولی پرس قزوین که نگران امنیت شغلی خود هستند، می گویند: قرارداد کاری همه کارگران تا پایان شهریور ماه به اتمام می رسد و این نگرانی وجود دارد که با اتمام قراردادهای کارفرما نخواهد قرارداد آنها را تمدید کند.

روز دوشنبه ۱۹ شهریور، مردم شهر آشار در مقابل درب ورودی فرمانداری شهر سوران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران خبر، این تجمع در حالی صورت گرفت که وزیر ارتباطات دولت روحانی جلسه داشت. قطعی مکرر خطوط ارتباطی و اینترنتی در شهر آشار روند صعودی به خود گرفته و نارضایتی شدید شهروندان را از خدمات شرکت مخابرات در این شهرستان در پی داشته است.

آشار، شهری است از توابع بخش آشار شهرستان مهرستان در استان سیستان و بلوچستان در ایران.

کارکنان پیمانکاری پالایشگاه دوم میدان گاز پارس جنوبی و پیمانکاران شرکت ملی روز دوشنبه ۱۹ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق عقب افتاده و نداشتن قرارداد در سال ۱۳۹۷ در محل کارشان دست به اعتصاب زدند. به گزارش کانال تلگرام نیروهای پیمانکاری صنعت نفت، همچنین جمعی از پیمانکاران شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب چند روز گذشته در اعتراض به عدم دریافت مطالبات و واگذاری ۲۷ مخزن نفتی به شرکتهای غیر بومی تجمع کردند و خواستار رسیدگی فوری و ویژه به این مشکلات شدند.

روز سه شنبه ۲۰ شهریور، کارگران قطار شهری شیراز و برق منطقه ای فارس در تجمعی اعتراض آمیز خواستار پرداخت مطالبات معوقه شش ماهه خود در پروژه ای که مربوط به سازمان قطار شهری شیراز و برق منطقه ای فارس است، شدند. به گزارش تسنیم، در نامه کارکنان و پیمانکاران شرکت خاک و سنگ که خطاب به حراست سازمان قطار شهری شیراز نوشته شده آمده است: پیرو درخواستهای مکرر شفاهی و کتبی قبلی به مدیریت مبنی بر عدم پرداخت مطالبات حقوق پرسنل و پیمانکاری که بیش از شش ماه از آن می گذرد و با توجه به اینکه ایشان دو ماه است که کارگاه را تعطیل کرده است ما جمعی از پرسنل و پیمانکاران مشغول در پروژه تونل انتقال توان، درخواست پرداخت مطالبات معوق خود طبق بند ۱۷ شرایط عمومی پیمان از آن مدیریت را داریم.

روز سه شنبه ۲۰ شهریور، به دنبال اوج گرفتن اختلافات اعضای شورای شهر بروجرد، تعدادی از شهروندان بروجردی در اقدامی اعتراضی درب ساختمان شورای شهر بروجرد را جوش دادند. به گزارش مهر، مردم معترض با نصب بنر «به علت عدم کارایی شورای شهر درب شورا تخته شد» در آن را «تخته» کردند.

روز شنبه ۲۴ شهریور، گارگران موقت پتروشیمی فجر در اعتراض به روند کند اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کارکنان صنعت پتروشیمی مقابل ساختمان اداری این مجتمع در منطقه ویپه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر تجمع کردند. به گزارش

ایرنا، مدیر منابع انسانی شرکت پتروشیمی فجر در بین تجمع کنندگان حاضر شد و قول مساعد رفع این مشکل و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل را در آینده نزدیک داد.

وی اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در پتروشیمی فجر را منوط به اخذ تصمیم در شرکت هلدینگ خلیج فارس دانست که با این وجود طولانی بودن روند اداری و گستردگی مجموعه باعث می شود اجرای طرح با کندی پیش رود.

روز یکشنبه ۲۵ شهریور، کارگران سازمان عمران شهرداری آبادان، در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان شرکت عمران تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران گفتند که به دلیل مشکلات مالی دیگر قادر به گذران زندگی خود نیستند و این درحالی است که اگر این وضعیت بیشتر از این استمرار پیدا کند، آنها قادر به ثبت نام بچه های شان در مدرسه نخواهند بود.

کارگران سهامدار کارخانه ایران پوپلین رشت روز یکشنبه ۲۵ شهریور، برای چندمین بار با تجمع مقابل این واحد صنعتی خواستار روشن شدن وضعیت سهام خود شدند. به گزارش ایرنا، کارگران سهامدار کارخانه ایران پوپلین رشت که همگی در حال حاضر بازنشسته شده اند، مدعی هستند از سهامی که از سال ۶۷ به کارگران واگذار شده؛ هیچ سودی به آنها پرداخت نشده است و سهامدار عمده در خصوص گزارش سالانه و توزیع سود سهام شفاف عمل نمی کند.

بامداد روز دوشنبه ۱۹ شهریور، کارگران کارخانه پارس میلنگ تاکستان در اعتراض به اخراج ۴۰ نفر از همکاران شان در محوطه و مقابل کارخانه تجمع کردند.

به گزارش ایرنا، این کارخانه حدود ۱۸۲ کارگر دارد که علاوه بر آنکه فاقد امنیت شغلی اند، کارفرمای بخش خصوصی کارخانه به پرداخت مطالبات کارگران بی توجهی می کند. به گفته یکی از کارگران، افراد حاضر در این تجمع از کارگران شیفت بامداد کارخانه پارس میلنگ هستند که به حمایت از ۴۰ کارگر اخراجی خواستار بازگشت به کار همکاران شان شدند.

تجمع کارگران اخراج شده پارس میلنگ در روز شنبه ۲۴ شهریور برای پنجمین روز متوالی ادامه یافت. کارگران تعدیلی کارخانه پارس میل لنگ در آستانه سال تحصیلی جدید با توجه به مخارج سنگین تحصیلی فرزندان دانش آموز و دانشجوی شان، خواستار آن شدند که همه طلب مزدی آنها پرداخت شود.

روز دوشنبه ۲۶ شهریور، کارگران اخراجی پارس میل لنگ تاکستان بار دیگر مقابل ساختمان این واحد تولیدی تجمع کردند.

کارگران طلبکار شهرداری آبادان از بامداد روز یکشنبه ۲۵ شهریور دست از کار کشیده و با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری مرکزی آبادان و قرار دادن یک دستگاه لودر مقابل راه وردی این ساختمان خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود با توجه به نزدیکی فصل مدارس شدند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض گفتند: این سازمان چهار ماه حقوق و مزایای آنان را پرداخت نکرده است و با شرایط سخت اقتصادی اداره زندگی برای آنان دشوار شده است.

روز سه شنبه ۲۰ شهریور، کارگران پیمانکار شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب برای چندمین روز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات و واگذاری ۲۷ مخزن نفتی به شرکتهای غیر بومی تجمع کردند و خواستار رسیدگی فوری و ویژه به این

مشکلات شدند. به گزارش ایسنا، یکی از پیمانکاران به نمایندگی از سایرین با اشاره به اعتراضات در خصوص عدم پرداخت مطالبات اظهار کرد: «شرایط اقتصادی کشور در چندساله اخیر با مشکلاتی مواجه بوده و در این زمینه مشکلات پرداختهای شرکت نفت به پیمانکاران از حدود ۱۰ سال گذشته تا کنون جدی شده است.»

روز سه شنبه ۲۷ شهریور، کارگران پتروشیمی فارابی برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، از خوردن وعده غذایی تهیه شده در کارخانه خودداری کردند. به گزارش ایسنا، این حرکت اعتراضی در ادامه اعتصاب یک هفته ای کارگران صورت گرفته است. کارگران معترض گفتند: از روز ۶ شهریور اعتراض صنفی خود را آغاز کرده و از سه روز پیش به دلیل بی توجهی کارفرما به مطالبات صنفی مان در دومین اقدام اعتراضی، از خوردن غذای کارخانه خودداری کرده ایم اما مدیریت این واحد صنعتی در مقام کارفرما هیچ پاسخ روشنی به ما نداده است. در کنار اعتصاب فاریبها، رسانه های محلی ماهشهر خبر از اعتصاب کارکنان پتروشیمیهای «فجر» و «تخت جمشید» نیز داده اند.

روز پنج شنبه ۲۹ شهریور، همزمان با روز عاشورا مردم شهر الوند واقع در استان قزوین در اعتراض به وضعیت نابسامان اقتصادی، بسته شدن کارخانه ها و بیکاری روز افزون و عدم حل معضلات و مشکلات مردم، دست به تجمع زدند. به گزارش ایسنا، برگزاری عزاداری روز عاشورا در شهر صنعتی الوند با حاشیه هایی همراه بود به گونه ای که مردم این شهر با در دست داشتن دستنوشته هایی به وضعیت اقتصادی و نابسامانیهای جامعه و تعطیلی کارخانه ها اعتراض کردند.

اخبار کوتاه بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

روز سه شنبه ۶ شهریور، کارکنان تعاونیهای سهام عدالت تهران در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق و نداشتن امنیت شغلی مقابل سازمان خصوصی سازی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز سه شنبه ۶ شهریور، به دنبال تصمیم کارگزاران برای برچیدن پایگاه اورژانس ۱۱۵ مستقر در روستای پادروند Padarvand (از توابع شهرستان رومشکان واقع در استان لرستان)، اهالی این روستا جهت جلوگیری از این اقدام در مقابل فرمانداری در رومشکان تجمع کردند.

روز سه شنبه ۶ شهریور، رانندگان خط بی آر تی ۵ در تهران در اعتراض به کم شدن مزایا دست به اعتصاب زدند. روز چهارشنبه ۷ شهریور، کارگران پتروشیمی گچساران در جنوب غربی استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقهای معوقه شان چهارمین روز اعتصاب و اعتراض خودشان را ادامه دادند.

روز چهارشنبه ۷ شهریور، رانندگان خودروهای استیجاری شرکت ایران_ آروین برای سومین روز متوالی، در شهرک صنعتی بوکان دست به اعتصاب زدند.

روز چهارشنبه ۷ شهریور، کارگران شرکت کک سبز در شهرک صنعتی خرمشهر در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

روز دوشنبه ۱۲ شهریور، تاکسی رانان پاره پاوه به دلیل ارزانی کرایه ها و درآمد ناچیزشان که نمی تواند به نیازهای اولیه آنها پاسخ دهد اعتصاب کردند.

روز چهارشنبه ۱۴ شهریور، کارگران فاز ۲۰-۲۱ عسلویه در اعتراض ب ۵ عدم پرداخت ۷ ماه حقوق شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

روز چهارشنبه ۱۴ شهریور، اهالی روستای دینه کوه در استان قزوین به منظور جلوگیری از ادامه عملیات راهسازی و در نتیجه کوه بُریهای متعدد در مسیر قزوین - الموت - تنکابن، با تجمع مانع اینکار شدند.

روز پنجشنبه ۱۵ شهریور، کارگران شهرداری منطقه ۴ اهواز، برای سومین روز متوالی، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق سه ماه خود، اعتصاب کردند.

روز پنجشنبه ۱۵ شهریور، بازاریان کرج خیابون بهشتی و دکتر همایون در اعتراض به وضعیت ارز و رکود کامل بازار، اعتصاب کردند.

روز یکشنبه ۱۸ شهریور، کارکنان شرکت داروگر در تهران در اعتراض به بلا تکلیفی و تعطیلی کارخانه در محل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز دوشنبه ۱۹ شهریور، رانندگان تاکسی شهرستان آذرشهر، در اعتراض به پایین بودن کرایه، بالا بودن قیمت قطعات یدکی و عدم توانایی در تعمیر و نگهداری وسایل نقلیه، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

روز چهارشنبه ۲۱ شهریور، کارگران فاز ۱۳ کنگان پارس جنوبی به خاطر ۴ ماه حقوق معوقه و حق بیمه اعتصاب کردند
روز شنبه ۲۴ شهریور، کشاورزان پیرانشهر در اعتراض به برآورده نشدن مطالبات شان دست به اعتراض زده و از ورود کامیونهای حمل چغندر به کارخانه جلوگیری کردند.

روز شنبه ۲۴ شهریور، رانندگان مینی بوس در سمنان در اعتراض به اعمال محدودیت برای فعالیت مینی بوسهای با مدل پایین تر از سال ۶۰ که منجر به بیکاری ۱۰۰ راننده مینی بوس می شود مقابل ورودی استانداری این شهر تجمع کردند.

روز شنبه ۲۴ شهریور، کارگران شهرداری دارخوین در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق و بیمه دست از کار کشیدند.

روز یکشنبه ۲۵ شهریور، جوانان جویای کار شهرستان دشت آزادگان که دوره های تخصصی نفت را گذرانده اند در اعتراض به بیکاری و تبعیض در استخدام مقابل منزل مجلس نشین این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

عصر روز سه شنبه ۲۷ شهریور، جمعی از مردم شهر لردگان واقع در استان چهارمحال و بختیاری، در خیابان عشایر این شهر در اعتراض به گرانی سرسام آور تجمع اعتراضی برگزار کردند.

حرکتهای اعتراضی غارت شدگان

شنبه ۳ شهریور: غارت شدگان موسسه نهال نشان البرز مقابل وزارت جهاد سازندگی رژیم در تهران تجمع کردند. در این تجمع جمعی از زنان در کف خیابان نشسته و عبور و مرور خودروها را مختل کردند.

سه شنبه ۶ شهریور: غارت شدگان مؤسسات کلاهدار مالی در برابر بیدادسرای پولی و بانکی در خیابان فاطمی در تهران تجمع کردند. در همین روز غارت شدگان موسسه کاسپین رشت مقابل شعبه این موسسه تجمع کردند.

موسسه مالی و اعتباری کاسپین از تجمیع سه موسسه مالی و اعتباری «آرمان ایرانیان»، «فردوسی» و «فرشتگان» شکل گرفت.

آدینه ۹ شهریور: تجمع اعتراضی مجتمع تجاری آدینه رشت مقابل درب ورودی مصلی رشت در زمان برگزاری نماز جمعه با شعار «حتی اگه بمیرم، حقمو پس می گیرم»

دوشنبه ۱۲ شهریور: راهپیمایی و تجمع سپرده گذاران کاسپین مقابل مجلس، غارت شدگان شعار می دادند: دولت ورشکسته رو پول ما نشسته، ستمگر حیا کن پول ما را رها کن. در همین روز غارت شدگان موسسه کاسپین رشت مقابل شعبه سرپرستی این موسسه تجمع کردند.

سه شنبه ۲۰ شهریور: خریداران زمین برای ساخت واحد مسکونی در شهرک نگین اصفهان - علی آباد کنگان اصفهان - مقابل ساختمان بیدادگستری تجمع کردند. این افراد خواستار تحویل زمینهایی که ۱۶ سال قبل خریدند، شدند. علی آباد کنگان در شمال اصفهان و در کنار اتوبان اصفهان - تهران قرار دارد.

سه شنبه ۲۰ شهریور: تجمع غارت شدگان مؤسسه کاسپین در خیابان میر داماد جلوی بانک مرکزی تجمع اعتراضی



برگزار کردند. تجمع کنندگان شعار می دادند؛ حتی اگر بمیرم پولم پس می گیرم

سه شنبه ۲۰ شهریور: دومین روز تجمع سپرده گذاران شعبه پامچال کاسپین در مشهد، تحت تدابیر امنیتی شدید با شعار «حسین حسین شاعرشون، دزدیه افتخارشون».

سه شنبه ۲۰ شهریور: غارت شدگان پرونده زمینهای علی آباد کنگان (شهرک نگین) در شمال شهر اصفهان در برابر بیدادگستری اصفهان تجمع کردند. این پرونده مربوط به زمینهایی در شمال اصفهان و در کنار اتوبان اصفهان - تهران است.

سه شنبه ۲۰ شهریور: تجمع غارت شدگان مؤسسه سپهر ایرانیان در مهاباد

چهارشنبه ۲۱ شهریور: تجمع غارت شدگان مؤسسه کاسپین در پارس آباد مغان در مقابل ساختمان این مؤسسه

شنبه شب ۲۴ شهریور: غارت شدگان یک بانک خصوصی در تهران پارس مقابل دفاتر آن تجمع کردند و خیابانهای این منطقه را بستند.

دوشنبه ۲۶ شهریور: تجمع غارت شدگان کاسپین و به دارآویختن سمبلیک ولی الله سیف مقابل بانک مرکزی. تجمع کنندگان خیابان میر داماد را بستند. همزمان با تهران، سپرده گذاران مجاز کاسپین رشت با شعار پولهای ما گمشده زیر عبا جمع شده، تجمع کردند.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

مداحان حکومتی بخشی از نیروی سرکوب

مهدی سامع

مدت کوتاهی پس از آن که رسانه های وابسته به دربار خامنه ای از ارادت ویژه مقام معظم به مداحان خیر دادند، حسن روحانی در جلسه هیات دولت در نقش مداحان ظاهر شد تا شاید با درآوردن اشک حاضران، برای رهبر نظام خود شیرینی کند. خامنه ای گفته است: «من جامعه ی مدّاح را از ته دل دوست می دارم، برایتان دعا می کنم.» (مرصاد نیوز) در این



دوست داشتن البته احساس و عاطفه نقشی ندارد و آن چه مناسبات بین «آقا» با مداحان را تعیین می کند به طور مطلق منافع است.

از زمانی که مداحی به عنوان یک «شغل» به وجود آمد تا به امروز هیچگاه اکثریت این جماعت تا این اندازه وابسته به راس هیرم استبداد مذهبی نبوده اند. این مساله به ویژه در دوره خلافت خامنه ای به طور برجسته و شفاف خود را نشان داده است.

در ماه گذشته برخی از رسانه های حکومتی سخنان خامنه ای در روز دوشنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۲ را دوباره منتشر کردند. خامنه ای در آن سخنان گفته است: «هیاتها نمی توانند سکولار باشند، هیات امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه مند به امام حسین است، یعنی علاقه مند به اسلام سیاسی است.» بدین ترتیب هیاتها به مثابه کانونهای اصلی عزاداری موظف اند که از حکومت دینی و در شرایط کنونی از استبداد مذهبی و ولایت خامنه ای دفاع کنند.

در جلسات عزاداری که دربار خامنه ای در ماه مُحَرَّم، برخی روزهای ماه رمضان، در روزهای «فاطمیه» و ... به راه می اندازد، اوباشی همچون منصور ارضی، سعید حدادیان، حسین سازور، حسین سیب سرخی، محمود کریمی، عبدالرضا هلالی و مهدی میرداماد که جملگی از عزیز دوردانه های ولی فقیه و از مداحان معروف به «اهل بیت» هستند، به مداحی می

پردازند. اینان هر یک در اطراف خود نوچه های مداح - چماقدار را اداره می کنند که همواره آماده به خدمت هستند و با توجه به فراوانی روزهای سوگواری به تاریخ رسمی، کسب کار این جماعت همواره پُر رونق است و پُر واضح است که یک ریال هم مالیات نمی دهند.

در دوران بُرو بُروی احمدی نژاد که حاج منصور ارضی با عربده کشی اعلام می کرد که وزیر و وکیل تعیین می کند، بسیاری فکر می کردند که پیوند عمیقی بین احمدی نژاد و مداحان وجود دارد. احمدی نژاد به گوشه ای رانده شد و مداحان کماکان در سپهر سیاسی ولایت جولان می دهند. مداحان حکومتی برای قدرت و ثروت روضه می خوانند و می دانند که قدرت واقعی درجایی است که آنها را پروبال داده است.

قشر بالای مداحان و نوچه های آنها هم از آخور بیت می خورند و هم از توبره شرکتهای بزرگ دولتی و خصوصی به شمول شرکتهای وابسته به سپاه منفور پاسداران. قشر میانی مداحان در حاشیه قدرت با گوشه چشمی به مردم به حیات خود

ادامه می دهند و قشر پایین این جماعت که به مجالس قدرت راه پیدا نکرده و برخی از آنان بنا به دلایل گوناگون به قدرت آلوده نشده اند، در مسجدها، تکیه ها، حسینیه ها و امام زاده ها و هیاتهای غیر حکومتی مداحی می کنند.

در سراسر ایران حدود ۷۰ هزار مسجد مخصوص شیعیان، ۹۲ هزار هیات و حدود ۸ هزار و پانصد امامزاده وجود دارد. در استان تهران ۱۷ هزار تکیه و حسینیه وجود دارد که ۱۰ هزار هیات مربوط به شهر تهران است.

یکی از وظایف سازمان تبلیغات اسلامی سازماندهی مداحان است. رئیس گروه هیاتهای مذهبی گفته است که: «۸۰ هزار هیات مذهبی و ۵۵ هزار مداح اهل بیت (ع) در سطح کشور با مجوز سازمان تبلیغات اسلامی فعالیت فرهنگی و مذهبی دارند.» (فارس، شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۴)

رئیس شورای هیاتهای مذهبی آخرین آمار از تعداد مداحان شناسنامه دار را ۸۰ هزار اعلام کرد. (ایرنا، سه شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۷)

سه سال قبل از این رئیس هیات مدیره خانه مداحان گفت: «هر چند به صورت دقیق آماری از مداحان کشور نداریم، اما بر اساس آخرین نظامنامه و سازماندهی صورت گرفته ۲۲ هزار مداح در کشور فعالیت می کنند.» وی اذعان کرد که «برخی از مداحان ما غیررسمی و به صورت فصلی فعالیت دارند که با احتساب آنها در سطح کشور ۱۰۰ هزار مداح فعالیت دارند. این جای گلایه است که هر مسجدی در این کشور ۱۵ تا ۲۰ مداح دارد که شاید تنها چند نفری از آنها حایز شرایط هستند.» (فرارو، پنجشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۱)

نکته جالبی که در حرفهای رئیس هیات مدیره خانه مداحان وجود دارد این است که او معتقد است «مداحی که از روی کاغذ بخواند در تعریف ما جایگاهی ندارد چرا که مداح اهل بیت عصمت و طهارت باید اشعار را حفظ بوده و با سوز و گداز بتواند مفاهیم را منتقل کند.» (همان جا) عجبا که در مراسم روضه خوانی بیت ولی فقیه اکثر نزدیک به اتفاق مداحان از



روی کاغذ نوحه سرایی می کنند.

با توجه به آمار منتشر شده می توان گفت یک جریان به طور تقریبی ۸۰ هزار نفره به نام مداحان در ایران وجود دارد که اکثر آنها به طور مستقیم و یا غیر مستقیم وابسته به قدرت و به خصوص وابسته به دربار خامنه ای هستند. البته از این واقعیت نباید نتیجه گرفت که آن اکثریت مداحان وابسته حاضرند برای ولایت خامنه ای جانفشانی کنند. بخش وسیعی از

این جماعت، فرصت طلبانی هستند که نان را به نرخ روز می خورند. در حقیقت سران مداحان و نوچه های آنان در پیوند با سپاه پاسداران، نیرویی را تشکیل می دهند که همراه با لباس شخصیها، حزب اللهیها، ارادل و اوباش، باجگیران و چماقداران برای سرکوب جنبش آزادیخواهی آماده به خدمت هستند. این وظیفه را در جنبش دانشجویی تیرماه ۱۳۷۸، در خیزشهای سال ۱۳۸۸ و در قیامهای دی ماه سال ۱۳۹۶ به خوبی انجام دادند و مزد خود را گرفتند.

حکومتی با چندین ارگان سرکوب رسمی همچون سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و ... به ارذل و اوباشی در ردیف مداحان نیاز فراوان دارد. این را خامنه ای بیش از دیگران با تبعیت از خمینی پیگیری کرد و در دوران ولایت اش از آن استفاده کرد.

خامنه ای می داند که در کانون ستیز قرار دارد و بنابراین در هیچ یک از حوزه های مربوط به امنیت نظام نباید غافلگیر شود.

احمد جنتی رئیس مجلس خبرگان خامنه ای در شروع نشست فصلی این مجلس هشدار داد و گفت: «دشمنان می خواهند هزینه نابسامانیهای کشور را به پای آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب بنویسند.» (فارس، سه شنبه ۱۳ شهریور) دلواپسی آقای جنتی یک مساله واقعی و بسیار جدی است و برای همین مجلس تحت ریاست او خودسرانه به جای نظارت بر رفتار ولی فقیه، مساله صیانت از ولایت فقیه را در دستور کار خود قرار داده و حتی وارد حوزه مربوط به قوه مجریه شده است.

آخوند علم الهدی با دلواپسی می گوید: «در عرصه های مختلف امر رهبر داره زیر پا لگد مال میشه». (تلویزیون آستان رضوی، ۲۳ شهریور ۱۳۹۷)

آخوند احمد خاتمی، عضو مجلس سر سپرده ولی فقیه با نگرانی می گوید؛ محور حرکت ما فقط ولایت فقیه است، همه سوار یک کشتی هستیم، نباید کاری کنیم که این کشتی سوراخ شود و طوری انتقاد نکنیم که مردم را علیه نظام تحریک کنیم. (ایرنا، یکشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۷)

اما علی مطهری، نایب رئیس مجلس ارتجاع می گوید؛ حالا که خبرگان رهبری به وظیفه اش عمل نمی کند تعطیل اش کنیم و از بیت المال خرج نکنیم.

میزان نفرت عمومی از ولایت خامنه ای به حدی است که صدای برخی از شرکا هم بلند شده است.

روز سه شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۷، در جلسه علنی مجلس ارتجاع دو تن از مجلس نشینان ناپرهیزی کرده و حرفهایی زدند که حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان این سخنان را مصداق «لجنی که از دهان» «وکیل الدوله های فراکسیون امید» بیرون آمده و «به چهره نظام و رزمندگان اسلام پاشیده» شده دانست.

بخشی از حرفهای این دو مجلس نشین که همان روز در سایت مجلس موسوم به «خانه ملت» منتشر شد چنین است:

غلامرضا حیدری گفت: «وضعیت معیشتی مردم هر روز، سخت تر و سخت تر می شود. نخست وزیران و رؤسای جمهور، رؤسای مجلس و بسیاری دیگر عموماً یا به حصر یا به زندان کشیده شدند. سفارت آمریکا را اشغال کردیم که نقطه آغازینی برای شروع تحریم و جنگ شد. جنگ تحمیلی را حتی بعد از فتح خرمشهر ادامه دادیم تا به جایی رسیدیم که امام رحمت الله علیه در پذیرش قطع نامه فرمودند "جام زهر را می نوشم"، از بازسازی مناطق جنگی هنوز رها نشده بودیم، فعالیتهای هسته ای را شروع کردیم و در این راه آن قدر هزینه دادیم تا به نرمش قهرمانانه رسیدیم که حاصل آن پذیرش برجام شد، هنوز جوهر برجام خشک نشده بود، موشک هوا کردیم که بهانه ای برای تشدید تنش آفرینها گردید. ... مگر ما قیم دنیا هستیم که می خواهیم بینی همه را به خاک بمالیم..... این گونه که پیش می رویم تمام نظام اقتصادی، روز به روز

مستهلك تر و اعتماد عمومی کمتر و کمتر می گردد، کاهش اعتماد عمومی به دست اندر کاران اداره کشور قطعاً حدی دارد. خدا نکند که از حد خود تجاوز نماید، که دیگر قابل جبران نباشد.»

پروانه سلحشوری گفت: «از نظر اقتصاد ملی پول ما بی ارزش ترین واحدهای پول دنیاست. گرانی، رانت، احتکار و فساد بیداد می کند. از نظر اجتماعی بیکاری، فقر، فحشا، نبود آزادیهای اجتماعی از جمله بازداشت فعالان مدنی و صنفی به طور روزمره دیده می شود؛ دانشجویان، وکلا، معلمان، کارگران، فعالان زن، فعالان زیست محیطی در حبس و حصر و ستاره دار شدن قرار دارند... ورود نیروهای نظامی به عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ و تداخل فعالیتهای نهادهای فرهنگی و نظامی را شاهد هستیم. حال رئیس جمهور بگویند بحران نداریم. جناب رئیس جمهور فعلاً با ابر چالشها درگیر هستیم و همه می دانند.»

پروانه سلحشوری از ولی فقیه نظام خواست که «در زمینه سیاست خارجی، نحوه اداره صدا و سیما، نظارت استصوابی شورای نگهبان برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان با برگزاری همه پرسی به آرای مردم مراجعه» شود. غلامرضا حیدری، نیز در سخنان خود خواستار مراجعه به آرای عمومی «برای حل برخی معضلات داخلی و خارجی» شد. حسین شریعتمداری در رابطه با مخالفت غلامرضا حیدری و پروانه سلحشوری با نظارت استصوابی به طعنه این سوال را مطرح کرد: «با این که نظارت استصوابی بود، این آجق و جققها وارد مجلس شدند، اگر نبود چه میشد؟» با این سوال، حسین شریعتمداری اعتراف می کند که فلسفه وجودی نظارت استصوابی برای این است که کوچکترین حرفی از واقعیات زده نشود.

وقتی قطعنامه خیابان بر سرنگونی کلیت نظام تاکید می کند و هر روز در چارگوشه کشور حق طلبی فریاد زده می شود و هنگامی که تحت تاثیر ستیز بین مردم و نظام، تضاد درون هر م قدرت تشدید می شود، از اراجیف امثال حسین شریعتمداری آبی برای ولی فقیه گرم نمی شود. در چنین شرایطی این شبکه سرکوبگران است که با معارضان و مخالفان درگیر می شود و در این میان مداحان همراه با ارادل و اوباش نقش ویژه ای خواهند داشت. نقشی که پاسدار همدانی، که در دفاع از قصاب دمشق کشته شده، آن را توضیح داده است.

در همین جا ضروری است حساب مداحان مستقل و مخالف حاکمیت را از مداحان شبکه سرکوبی جدا کرد. خطاب به همین دسته از مداحان است که سازمان تبلیغات اسلامی به نوحه خوانان دستور می دهد که شعر نوحه را تغییر دهند چرا که «علیه نظام جوسازی» می شود.

حاکمیت از هر کنش مردمی که با نظم موجود زاویه داشته باشد احساس عدم امنیت کرده و برای مهار به طور کامل وارد صحنه می شود. اما تجربه قیامهای دی ماه سال پیش نشان داد «تعادل نظم موجود» شکننده و ناپایدار است و هنگامی که این تعادل فرو پاشد از دست تبهکارانی مثل منصور ارضی و شرکا همان کاری بر می آید که شعبان جعفری (بی مَخ) انجام داد؛ فرار!

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

سروده ای از محمود بهشتی لنگرودی (معلم زندانی و عضوکانون صنفی معلمان) در زندان اوین

آمد مرا آن جان و تن، گفتا رها کن این چمن
آزاد شو از ما و من، تابنگری رخسار من



گفتم رها گشتم ز تن، من رسته ام از ماومن
رخسار خود بنما به من، وان پرده ها را برفکن
گفتا ز خود بیگانه شو، در بی خودی افسانه شو
سرگشته شو دیوانه شو، وانگه بیا در انجمن

گفتم که من دیوانه ام، از خویش هم بیگانه ام
در بی خودی افسانه ام، راهم نما کو آن چمن

گفتا که فانی نیستی، آن یار جانی نیستی
آن سان که دانی نیستی، ای مانده در زندان تن



گفتم که من فانی شدم، آن سان که می دانی شدم
راهم نما تا بشکنم، زنجیر زندان کهن

گفتا که مستی بایدت، وان می پرستی بایدت
فارغ زهستی بایدت، تا باز گردی در وطن

گفتم که مستم این زمان، من می پرستم این زمان
از خویش رستم این زمان، وز کیده‌های اهرمن

اینک طربناک آمدم، سرمست و چالاک آمدم
باز آمدم بازم نما، از رخ حجاب خویشتن

محمود بهشتی لنگرودی

سیزدهم شهریور ۱۳۹۷ / زندان اوین

وزیر نه، آنچه که باید برکنار شود "نظام" است

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۵ شهریور

نمایش رسیدگی به بحران اقتصادی و فلاکت جامعه که شماری از پرده های آن در مجلس مَلاها بازی می شود، با استیضاح وزیر اقتصاد و سپس برکناری وی به اجرای تازه خود پایان داد.

مجلس شورای اسلامی پس از مقداری بازار گرم کنی از سوی نمایندگان مُوافق و مُخالفت، اعلام کرد که از توضیحات آقای مسعود کرباسیان، وزیر اقتصاد و دارایی، پیرامون اتهامات ۱۵ گانه در طرح استیضاح قانع نگردیده و وی را از پُست خود برکنار می کند.

آقای کرباسیان از جمله به ناتوانی در اداره امور، بی برنامه گی، مدیریت نداشتن، نظارت نکردن و مسوولیت در افزایش قیمت‌ها و تورم متهم شده بود.

برکناری وزیر اقتصاد در مجلس، پس از به میدان آمدن رهبر جمهوری اسلامی برای پُشتیبانی از دولت آقای روحانی صورت می گیرد. وی همراه با افزایش انتقادات از سیاست‌های دولت، نه فقط از آن حمایت کرد و پافشرد که "دولت باید سرکار بماند و با قُدرت و وظایف خود را انجام دهد"، بلکه درخواست کنندگان برکناری آقای روحانی را تهدید کرد که "در نقشه دُشمن نقش آفرین هستند".

آقای خامنه ای و باند او در همان حال که از نگه داشتن فشار بر آقای روحانی و جناح او استقبال می کنند، به شدت مُراقبند که این امر موجب پیشروی جامعه و افزایش مُطالبات آن از یکسو و تقویت مُنتقدان "خودی" همچون فراکسیون آقای احمدی نژاد از سوی دیگر نشود. چنین می نماید که آنها فشار در سطح وزیران دولت را مُتناسب با این نگرانی‌ها ارزیابی می کنند و همزمان، آقای روحانی نیز در ادامه کُرنش به باند حاکم، به این تغییرات برای حفظ سَکان قُوه مُجریه گردن نهاده است.

نُکته قابل توجُه در جلسه استیضاح آقای کرباسیان، تلاش طاقت فرسای وزیر و نمایندگان برای پرهیز از افشاگری مُتقابل علیه یکدیگر و پرده برداری از بخش‌های دیگری از فساد "غیرسیستمی" در تار و پود "نظام" بود.

یک عُضو هیات ریسه مجلس مَلاها در توضیح این خویشتن داری غیرمعمول، از "اتخاذ تدابیری" برای کشیدن لَگام بازیگران خبر داد. آقای علیرضا رحیمی فاش ساخت: "تدابیری برای پرهیز از حواشی و پیشگیری از بداخلاقیها در نظر گرفته شده."

با این حال، معرکه روز گذشته نشان داد تنگی پوزه بندهای ارسالی به مجلس و دولت، هرگز قادر نیست با اندازه ابعاد و گُستره فساد حُکومتی برابری کند. به همین اعتبار مساله فساد از بحث و جدلهای حُکومتی که برای کسب این یا آن منفعت درمی گیرد، حذف شدنی نیست.

باوجود احتیاط نمایندگان و پرهیز از وارد شدن به جُزییات، اما سرفصلهای مورد اشاره آنها برای خواندن داستان فساد حُکومتی تا انتها کافی است. از جمله تیتراهای یاد شده در جلسه استیضاح می توان از قاچاق در گُمرک، واگذاری اموال بانکهای دولتی به ارزش ۶ هزار میلیارد دُلار به نورچشمیها و فروش سهام بیمه البرز به افراد مجهول یاد کرد.

از آوردن و بُردن وزیران دولت چیزی نصیب مردُم نمی شود. نه رفتن آقای ربیعی موجب کاهش شُمار بیکاران و افزایش دستمُزد کارورزان می شود و نه ماندن آقای کرباسیان مانع رشد تورم و افزایش ارزش پول ملی می شد. آنها مَهره های یک بازی هستند که تصمیمهای کلان پیرامون چگونگی انجام آن از سوی قُدرت حقیقی و به بیان دیگر هسته مرکزی دستگاه قُدرت گرفته می شود. از این رو برای اصلاح اُمور آنچه که باید برکنار شود، این هسته و نظم و "نظام" آن است.

شهدای فدایی در مهرماه



رفیق شهید
منوچهر بهایی پور

رفقای فدایی: چنگیز قبادی، محمدعلی سالمی، حسین سید نوزادی، مهرنوش ابراهیمی، منوچهر بهایی پور، حسن حامدی مقدم، علی دبیری فرد، محمد رضا همتی، غلامرضا صفری، حسین علیزاده، رحمت شریفی، حسن جلالی نائینی، لقمان مدائن، جهانشاه سمیعی اصفهانی، محمد رضا فرشاد، ژیلا سیاب، پروین فاطمی، رحیم خدادادی، فرشاد فرجاد، پری ثابت، اسماعیل بیدشهری، تورج حیدری بیگوند، زهرا بیدشهری، مصطفی رسولی، سید احمد لاری، کرامت قبادی، زاهد سجادی، سیامک اسدیان (اسکندر)، مسعود بریری، علیرضا صفری، فریبا شفیعی، ایراهیم شریفی، علی حسن پور، محمد کس نزانی، غلامحسین رینی وندادنژاد، غلامرضا سالاری، سروش نیکخواه، عارف بلوکی، ماشا الله پورطرق، محمد سعید خراسی، احمد اسلامی جوزانی، حسن بشیری، محمد امین ترابی، محمود خدادادزاده، فاطمه رخ بین، فتح الله فرید، طاهره قاسمی، ناصر مرادی، محمد فیروزی، یدالله سالاری، موسی پیشداد، مهوش جوکار، پرویز عندلیبیان، مهدی خانزاده، خیرالله حسن وند، عبدالله یزدانی، علی محمدنژاد، عباس مکاری، مریم توسلی، فاطمه روغن چی، عزت الله معلم، قربان قریبی، سید ربیع حسینی، رمضان قربانی، شهنسوار شفیعی، جعفر دلیر، بهرام بهلوکی، روح الله الماسی، مهناز نجاری، غلامحسین مجیدی، احمد سلیمانی، عباس گودرزی، حسن سبعت، حسن جان لنگرودی، کامران علوی، فرشید فرجاد، احمد کیانی، فرسید راجی، ناصر مرادی و ... از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No :403/ 23 Setember 2017

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook ///// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>